

جوان تواند که عالمی را به حرکت در آورد

ملانی اسمیت و پاول لمپل

"کلمه الهی به مثابه نهال است؛ مقرر و مستقرش
افئده عباد. باید آن را به کوثر حکمت و بیان تربیت
نمایید تا اصلش ثابت گردد و فرعش از افلاک بگذرد"
- حضرت بهاءالله (دریای دانش، ص ۹۶)

جوان تواند که عالمی را به حرکت در آورد

محتوای این مجموعه

دیباچه

پیشگفتار

۱ نبرد تاریکی و نور

۲ انضباط جنود روحانی

۳ تقویت روح

۴ اخلاق حسنه

۵ زندگی همراه با خدمت

۶ تبلیغ

۷ میدان عمل: گفتگو

۸ میدان عمل: وقف خویشتن

دیباجه

در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده، چنین آمده است: "اصول، نظم اداری و مبانی امر مبارک کاملاً معلوم است، اما ضرورت تامّ دارد که احبّاء به مطالعه آثار عمیق تر مبادرت نمایند که به میزانی به مراتب اعظم از قبل به آنها بلوغ روحانی بخشد، آنها را در حیات جامعه متحد نماید، و قادر سازد که طریق حیات بهائی را به نحو احسن و اولی تجسّم بخشند..."^۱

هدف این کتاب جذب خواننده به مطالعه مفاهیم عمیقی است که در آثار مبارکه بهائی یافت می‌شود. ضمناً این مقصود نیز مدّ نظر است که به عنوان پلی برای رسیدن به مطالعه گسترده آثار حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله عمل کند.

این کتاب را می‌توان برای مطالعه فردی و گروهی استفاده کرد. هر درس به چند بخش تقسیم می‌شود که به طور گزینشی می‌توان آنها را به کار برد:

مقدمه در معرفی درس

نمای کلی بیان کلی اطلاعات جدید

توضیح جزئیات "نمای کلی" همراه با نقل بیانات و مثالها

مطالب خواندنی نقل بیاناتی در زمینه موضوع درس از آثار مبارکه

تشریح با مثال گزیده‌هایی در مورد عنوان درس، معمولاً از کتب بعضی از بهائیان؛ غالباً شامل داستان‌هایی از تاریخ امر مبارک

مطالعه بیشتر سه طریق بررسی عمیق‌تر عنوان درس

سؤالات سؤالاتی برای مرور مطالب درس

جوابها جواب به سؤالات فوق

بحث سؤالاتی برای بحث گروهی

تمرین تمرین برای بررسی عمیق‌تر عنوان درس و تلاش در جهت عمل به موجب آن

بازخورد جوابهای پیشنهادی برای تمرین

^۱ ترجمه - مکتوب ۲۴ فوریه ۱۹۴۶ مندرج در ص ۲۲۷ جلد اول *Compilation of Compilations*

جهت استفاده فردی از این کتاب، با انتخاب بخش‌هایی که میل دارید در هر درس تحت پوشش قرار دهید، برای خود برنامه مطالعه تنظیم کنید. با توجه به اولویت‌هایی که در نظر دارید، ممکن است مایل باشید از برخی از بخش‌ها صرف‌نظر کنید. اما، لطفاً از بخش "مطالب خواندنی" صرف‌نظر نکنید، زیرا فرصتی برای مطالعه کلام الهی و تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله و توضیحات بیت‌العدل اعظم فراهم می‌آورد. برای نوشتن یادداشت و ثبت نظریات خود شاید مایل باشید از حاشیه هر صفحه استفاده کنید. شاید مطالعه هر درس - یا فقط قسمتی از یک درس - با دعای روزانه، در صبح یا شام، برای شما راحت‌تر باشد.

کتاب را می‌توان برای تنظیم برنامه‌ای جهت مطالعه گروهی نیز استفاده کرد. مثلاً، هر درس را می‌توان، بخش‌بخش، مطالعه و مورد بحث قرار داد. یا اعضاء گروه می‌توانند درس را به تنهایی بخوانند، بعد هفته‌ای یک روز جمع شوند و بیانات و سؤالات را مورد بحث و بررسی قرار دهند. سومین راهی که می‌توان انتخاب کرد این است که، قبل از آن که گروه به مطالعه و بحث درباره بیانات نقل شده بپردازد، یک رهبر گروه بخش‌های "نمای کلی"، "توضیح" و "تشریح با مثال" را به طور خلاصه در ده تا پانزده دقیقه به اختصار بیان کند.

این کتاب را، غیر از تزئید معلومات شخصی و گروهی، می‌توان به عنوان منبعی جهت حصول آمادگی جهت بیوت تبلیغی، سخنرانی‌های عمومی، یا کارهای سمیناری در مدارس بهائی مورد استفاده قرار داد. امیدواریم برای شما سودمند، آموزنده، و روحیه‌بخش باشد.

پیشگفتار

پیامی به جوانان بهائی:

در زندان تاریک و بدبوی سیاه‌چال، حضرت بهاءالله چهار ماه درد و رنج را تحمل کردند. در جمیع اوقات، ایشان با دو زنجیر سنگین، به سایر زندانیان بسته شده بودند. آنقدر این زنجیرها سنگین بودند که هر گاه یک زندانی حرکتی می‌کرد، سبب درد و ناراحتی دیگران می‌شد. زخم‌های عمیقی که در پوست حضرت بهاءالله ایجاد شد، آثاری از خود به جای گذاشت که در تمام زندگی ایشان باقی ماند.

هیچ نوری به درون آن زندان زیرزمینی تاریک و ملال‌آور نفوذ نمی‌کرد. بیشتر زندانیان نه لباسی داشتند و نه بستری. هر روز نگهبانان یک یا چند زندانی را بیرون می‌بردند تا شکنجه و اعدام کنند. اما، این فقط آغاز یک عمر فداکاری و رنج و آزار بود که حضرت بهاءالله در کمال میل برای هر یک از ما تحمل فرمودند.

حضرت بهاءالله در زندان اولین پیام الهی را دریافت داشتند که ایشان را از مقام عظیمی که به عنوان مظهر ظهور کلی الهی داشتند، و مأموریتشان برای ایجاد تحول در عالم انسانی، آگاه می‌ساخت. ایشان می‌فرمایند، "در شبی از شبها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمهء علیا اصغا شد: اَنَا نَنْصُرُكَ بِكَ وَ بِقَلْمِكَ؛ لَا تَحْزَنْ عَمَّا وَرَدَ عَلَيْكَ وَ لَا تَخَفْ، اِنَّكَ مِنَ الْاَمِنِينَ. سَوْفَ يَبْعَثُ اللهُ كُنُوزَ الْاَرْضِ وَ هُمْ رِجَالٌ يَنْصُرُونَكَ بِكَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ اَحْيَا اللهُ اَفِيْدَةَ الْعَارِفِينَ."

آیا شما یکی از "کنوز الارض" هستید که باید برای نصرت حضرت بهاءالله مبعوث شوید و فتح و ظفر امر ایشان را تضمین کنید؟

هر فردی از مؤمنین - زن یا مرد؛ بزرگ، جوان یا کودک - می‌تواند راهی را انتخاب کند. هر یک از آنها باید از خود بپرسد، "ارتباط من با حضرت بهاءالله چیست؟ آیا محبت من به او به اندازه محبت او به من هست؟ برای آن که انطور که شایسته است به او خدمت کنم، چه می‌توانم بکنم؟"

این کتاب برای کسانی تدوین شده که، به علت حتی که به حضرت بهاءالله دارند، این راه را برگزیده‌اند که اعتنایی به ضعف و ناتوانی خویش نکنند و برای خدمت به آن حضرت تلاش نمایند. این کتاب سعی دارد موضوعاتی را مورد بحث قرار دهد که می‌توانند به ما کمک کنند از این مرحله که فقط خود را بهائی بنامیم به مراتب بالاتر برویم و عملاً یکی از "کنوز الارض" شویم که تعالیم حضرت بهاءالله را تجسم می‌بخشند.

به چهار طریق خدمت توجه شده است:

- تقویت ارتباط روحانی ما با خداوند؛
- ایجاد خلق و خوی بهائی حقیقی؛
- خدمت به امر مبارک و عالم انسانی؛ و بخصوص
- تبلیغ امرالله، که "هدف اصلی و مقصد غایی کافه خدمات امری"^۲ است.

^۲ پیام رضوان ۱۴۵ بدیع بیت‌العدل اعظم، بند ۸

لازمهء هر کدام از این راه‌های خدمت یک عمر تلاش در جهت مبادرت به اقدام و اصلاح و ترمیم آن است. اما دقیقاً از طریق این تلاش هر روزه است که رشد می‌کنیم و مجراهایی برای جریان قدرت روحانی خواهیم شد. این عمل ما را قادر می‌سازد به هدفی که برای خود و ترقی عالم انسانی داریم نائل شویم.

این کتاب به بهترین وجه می‌تواند مقدمه‌ای برای هر یک از این زمینه‌های خدمتی باشد. فصل‌های کتاب نمی‌توانند، فی‌المثل، حاوی توصیف بسیاری از مشخصات خلق و خوی بهائی یا راهنمایی تفصیلی در مورد نحوه تبلیغ باشد که در آثار مبارکه ذکر شده است. برای یافتن کتابها و مراجع در آثار مبارکه جهت بررسی مفصل‌تر عناوین ارائه شده در هر فصل، راهنمایی اضافه عرضه شده است.

با این حال، تمرکز این کتاب بر عمل است، نه صرفاً بر مطالعه. در اثر عمل است که کاربرد هدایات حضرت بهاءالله برای متحول ساختن خود و جهان اطرافمان را به حد کمال می‌رسانیم.

جوانان، در زمان‌های متوالی، از طریق آرمان‌گرایی و توجه به کمال مطلوب، جهان و بی‌عدالتی‌هایش را که بزرگترها به آنها عرضه داشتند، رد کردند. بعضی نسل‌ها در صدد ایجاد تحول برآمدند. اما هیچ نسلی به اندازه نسل فعلی به ابزارها، مبانی، و فرصتی برای ایجاد تحولی چشمگیر در سرنوشت عالم انسانی مجهز نبوده و آمادگی نداشته است. ابزارها عبارت از تعالیم حضرت بهاءالله است. اساس و شالوده وسعت گسترش امر مبارک در سراسر جهان و تأسیس جوامع بهائی و نظم اداری آن است. فرصت عبارت از اوج دو جریان سازنده و مخرب در این زمان است.

باز هم باید گفت که این موضوع به انتخاب فردی بستگی دارد. می‌توانید اعلام انصراف نموده خود را کنار بکشید. می‌توانید در طلب راحت و آسایش خود برآیید. یا می‌توانید این تلاش بزرگ را انتخاب کرده، برای ایجاد تحول بهتر در جهان، تحولی جاوید و پایدار، از ابزار، اساس، و فرصت استفاده نمایید.

"جوانان ما قدرت و توانایی آن را دارند که در تشیید و تجهیز جوامع آینده در قرن آتیه سهم به‌سزایی را ایفا نمایند. آری، جوان تواند که عالمی را به حرکت در آورد."^۳

^۳ پیام ۳ ژانویه ۱۹۸۴ به جوانان / مجموعه جوانان، ص ۶

أَتْنُوْحُ أَوْ أُنُوْحُ بَلْ أَصِيْحُ مِنْ قِلَّةِ نَاصِرِيْكَ

لوح احتراق

ادعيه محبوب، طهران، ص ١٦٦

نبرد تاریکی و نور

مقدمه

جوانان همیشه در پیشبرد امر مبارک نقشی اساسی ایفا کرده‌اند. بیت‌العدل اعظم در پیامی خطاب به جوانان بهائی طالب "جنودی از جوانان مصمم و برخوردار از بیداری روحانی" شدند که قیام نمایند و "به میزانی به مراتب اعظم از قبل قوای ارزشمند خود را" وقف ترویج امر "پروردگار همواره ناظر و منتظر خود" نمایند.^۴

نیاز به چنین جنودی هیچ زمانی به این اندازه نبوده است. زیرا در این زمان برخورد قوای تاریکی که خصیصه نظم کهن جهانی است و قوای نور که خصیصه نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاءالله است، مقدر است که به اوج خود برسد. تحولات عظیم در داخل و خارج از امر مبارک، سرنوشت عالم انسانی را از پایه دگرگون می‌سازد. جنود حضرت بهاءالله، یعنی سپاه نور، در خط مقدم این نبرد قرار گرفته است.

در این کتاب، نقش جوانان در طی این بحرانی‌ترین لحظه در تاریخ بشری مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل اول و دوم به بررسی شرایط این نبرد حماسی نور و ظلمت، نقش مردان و زنان جوانی می‌پردازد که قیام خواهند کرد تا "جنود" روحانی این سپاه نور شوند.^۵ فصل‌های ۳-۶ به مطالعه مسئولیت‌های معین این جنود روحانی اختصاص دارد و فصل‌های ۷ و ۸ بر فعالیت عملی تمرکز خواهد داشت.

نمای کلی

حضرت ولی امرالله دو جریانی را که در عالم در حال فعالیت است، توصیف می‌فرمایند.^۶ جریان اول عبارت از نقشه اعظم الهی^۷ است که اساساً جریانی از تخریب است که نظم کهن جهانی را فرو می‌پاشد و راه را برای نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاءالله مهیا می‌سازد. جریان دیگر، جریان سازندگی است. این وظیفه بهائیان است که الگوی نظم بدیع جهانی را مطرح سازند.

دو فرایند سازندگی و تخریب در انتهای قرن به اوج خود نزدیک می‌شوند. قوای آزاد شده در اثر ظهور حضرت بهاءالله، یعنی قوای نور، مقدر است با قوای تاریکی نظامی که به سرعت در حال سقوط است، برخورد داشته باشند.

قوای آزاد شده در اثر ظهور حضرت بهاءالله نیاز به افرادی دارد که به عنوان مجاری پاکیزه جهت اجرای امور امر مبارک عمل نمایند. از همان ابتدای ظهور امر الهی، جوانان برای خدمت در این طریق قیام کردند. حال، در لحظه‌ای چنین خطیر از ظهور و بروز امر الهی و تاریخ عالم انسانی، جوانان بهائی بار دیگر فرا خوانده می‌شوند تا به عنوان جنود روحانی سپاه نور به اجرای اعمال دلیرانه و اقدامات دلاورانه قیام نمایند.

^۴ ترجمه - پیام ۲۳ ژوئن ۱۹۸۳ به جوانان بهائی سراسر جهان

^۵ اصطلاح "جند" و "جنود" توسط حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء و بخصوص حضرت ولی امرالله به کار رفته است. برای مشاهده مراجع به فهرست پایان کتاب مراجعه نمایید.

^۶ حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۹ / پیام رضوان ۱۹۹۸ (۱۵۵) / مکتوب ۸ دسامبر ۱۹۶۷ معهد اعلی به یکی از اجتهاد مندرج در صفحات ۴-۱۳۳

Wellspring of Guidance

^۷ نقل ترجمه اصطلاح از صفحه ۵۸ قرن انوار

توضیح

حضرت عبدالبهاء قرن بیستم را "قرن انوار"^۸ توصیف فرموده‌اند. ایشان برای اجتناب توضیح دادند که قوای آزاد شده در اثر ظهور حضرت بهاء‌الله در حال متحوّل ساختن جهان طبق تعالیم ایشان است. ایشان همچنین "حصول اصطدام بین سپاه نور و لشکر ظلمت"^۹ را پیش‌بینی فرمودند.

حضرت ولی امرالله توضیح فرمودند که دو جریان سازندگی و تخریب روز به روز در حال سرعت گرفتن و به نحوی بی‌امان به سوی حدّ اعلاّی خود در حال حرکتند.^{۱۰} ایشان به بهائیان وعده دادند که "زمان اعظم مساعی و مجهودات آنان و اعلاّی فرصت انجام فتوحات باهرهء ایشان باید با اضطراب شدیدی که در مکاشفات یوحنا به آن اخبار گشته و نشانهء ادنی مرحلهء انحطاط عالم انسانی است مقارن باشد."^{۱۱}

ظهور و بروز این نمایش عظیم در وهلهء اولی به تأسیس صلح اصغر توسط ملل عالم منجر خواهد شد.^{۱۲} این اقدام عظیم و تاریخی ... به نوبت خود به بیداری حسن روحانیت جمهور منجر خواهد شد و این نیز نتیجهء معرفت مقام و شناسایی دعاوی امر حضرت بهاء‌الله است که شرط ضروری امتزاج نهایی تمام اجناس و مذاهب و طبقات و ملل می‌باشد و این امتزاج نیز نظم بدیع جهانی حضرتش را باید اعلام دارد.^{۱۳}

بیت‌العدل اعظم خاطر نشان ساختند که "از آغاز این امر مبارک، یعنی از دوران اولیهء تاریخ بهائی، نسل جوان در ترویج و انتشار امرالله سهم بسزایی داشته و در این سبیل به خدمات فائقه نائل آمده است. حضرت باب وقتی اظهار امر فرمودند از سن مبارکشان بیش از بیست و پنج سال نمی‌گذشت... حضرت مولی‌الوری ... در عنفوان جوانی مسئولیت‌های عظیم در خدمت آب بزرگوار به عهده گرفتند... حضرت شوقی ربّانی موقعی برای استقرار بر اریکهء ولایت امر دعوت شدند که در رعیان شباب بودند."^{۱۴} و گروهی از سایر جوانان، در سبیل شهادت و تبلیغ امرالله به ایثار جان قیام کردند.

با نزدیک شدن دو جریان سازنده و مخرب به اوج خود، جوانان دیگر بار نقش بسیار مهمی را باید ایفا کنند. بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "جوانان بهائی ضمن ترک و طرد ارزش‌ها و موازین دنیای قدیم، شائق و مشتاقند موازینی را که حضرت بهاء‌الله وضع فرموده‌اند تحصیل نمایند و خود را با موازین مزبور منطبق سازند و به این طریق خلأئی را که از ترک نظام کهنه و فرسوده حاصل می‌شود با ارائهء نظم بدیع ملکوتی مرتفع سازند."^{۱۵}

ویژگی‌های جنود روحانی را نباید با هیچ مفهوم نزاع و قدرت حاکمیت اشتباه گرفت. حضرت ولی امرالله توضیح می‌فرمایند که، "فارسان دلیر حضرت بهاء‌الله به نام مقدّس آن وجود نازنین و به امدادات غیبیه‌اش جهت تطهیر و ایجاد وحدت و روحانیت در جامعهء کنونی عالم که از لحاظ اخلاق و ملکات روحانی ورشکست و در پرتگاه فنا و اضمحلال قرار گرفته" اقدامات و مجهودات جلیله معمول و مُجرا می‌دارند.^{۱۶}

^۸ ترجمه - خطابه ۱۳ مه ۱۹۱۲ مندرج در ص ۱۲۵ *The Promulgation of Universal Peace*

^۹ نقل ترجمه از صفحه ۱۰۳ ارکان نظم بدیع (مندرج در تلگرام ۴ ژوئن ۱۹۵۷)

^{۱۰} *Messages to America*, page ۵۳

^{۱۱} نقل ترجمه از صفحه ۶-۷۵ حصن حصین شریعت‌الله

^{۱۲} توفیق قد ظهر یوم‌المیعاد، ص ۱۲۳ انگلیسی و ۲۴۱ فارسی

^{۱۳} نقل ترجمه از صفحه ۲۴۱ توفیق قد ظهر یوم‌المیعاد

^{۱۴} نقل ترجمهء پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ از صفحه ۳۵ مجموعهء "جوانان"

^{۱۵} نقل ترجمهء پیام رضوان ۱۳۰ (۱۹۷۳) از صفحه ۳۱۴ مجموعه دستخط‌های بیت‌العدل اعظم

^{۱۶} نقل ترجمه از صفحه ۸-۲۷۷ توفیقات مبارکه، ۱۱۴-۱۰۹

جوانان برای این که وظیفه خود را در این نبرد ایفا کنند، نمی‌توانند صرفاً خود را بهائی بنامند. آنها نمی‌توانند به این قانع باشند که در فعالیت‌های جامعه بهائی به طور انفعالی شرکت کنند. جوانان باید جنود تحوّل یافته و منضبط در سپاه نور شوند. آنها باید برای متحوّل ساختن جهان برای پروردگارشان، بر خود غلبه کرده قلوب اهل عالم را فتح نمایند. بیت‌العدل اعظم تأیید فرمودند که، "شبهه‌ای نیست که جوانان ما قدرت و توانایی آن را دارند که در تشیید و تجهیز جوامع آینده در قرن آتیه سهم بسزایی را ایفا نمایند. آری جوان تواند که عالمی را به حرکت در آورد."^{۱۷}

مطالب خواندنی

- ۱- حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند، "مشاهده فرمایید سالها است نه ارض ساکن است و نه اهل آن ... بأسا و ضراء ارض را احاطه نموده؛ مع ذلک احدی آگاه نه که سبب آن چیست و علت آن چه. (دریای دانش، ص ۱۴)
- ۲- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "جریانی مرکب از دو نیروی متضاد سرگرم تغییر و تبدیل وضع کنونی جهان است؛ در حالی که هر یک از این دو نیرو با شتابی فزاینده مسیری مخالف با مسیر نیروی دیگر را طی می‌کند. این دو نیرو یکی سازنده و الفت دهنده است و دیگری مخرب و متلاشی‌کننده... آن سیر سازنده به آئین نوزاد حضرت بهاء‌الله وابسته است و طلّیعه نظم بدیع جهان‌آرایی است که به زودی امر بهائی تأسیس خواهد کرد؛ و بالعکس، این نیروی مخرب، که نماینده آن سیر دیگر است، وابسته به مدنیتی است که از اجابت مقتضیات زمانه اعراض نموده و بالنتیجه به کابوس هرج و مرج و انحطاط دچار شده است. در این دوران تحوّل ... در نتیجه برخورد آن دو سیر متضاد، تلاطمی عظیم و اصطکاک سخت بر خاسته که شدت و وسعتش بی‌سابقه و عظمت جلال نتایج نهائی‌اش وصف‌ناپذیر است." (نظم جهانی بهائی، ص ۲-۱۱۱)
- ۳- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "حضرت ولی امرالله به ما فرمودند که دو جریان عظیم در عالم انسانی در حال فعالیت است: یکی نقشه عظیم الهی که در پیشروی خود ایجاد تلاطم و آشوب می‌کند و در کلّ عالم انسانی در حال فعالیت است؛ موانع وحدت جهانی را در هم می‌شکند و نوع بشر را، در آتش آلام و تجارب، در هیأتی واحد متحد می‌سازد. این جریان، در میقات معین الهی، موجد صلح اصغر، یعنی اتحاد سیاسی عالم خواهد بود.. جریان ثانی، که وظیفه دمیدن دم حیات در این هیأت متحد - ایجاد وحدت و روحانیت حقیقی در صلح اعظم - است، به عهده بهائیان است که آگاهانه، با رهنمودهای تفصیلی و هدایای مداوم و مستمرّ الهی، برای برپا کردن بنای ملکوت الهی بر وجه ارض در حال بذل مجهوداتند..." (ترجمه - *Wellspring of Guidance*، ص ۴-۱۳۳)
- ۴- بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۱۴۰ (۱۹۸۳) می‌فرمایند، "تسریع تحقّق دو مرحله، طیّ دهه گذشته، از جهتی زوال و اضمحلال نظم قدیم و از جهت دیگر پیشرفت و اعتلاء و استحکام نظم بدیع جهان‌آرای الهی، که الیوم به رأی‌العین مشاهده می‌گردد و به قسمی است که حضرت ولیّ عزیز امرالله آن را بیان و تبیان فرموده‌اند، بلا تردید به وسیله مورّخین آینده به عنوان یکی از بارزترین حوادث این زمان و خصوصیات برجسته این دوران، در عالم امکان عنوان می‌گردد. حتی افزایش حدّت اخیر و سرعت حدوث این وقایع مهمّه، بیش از پیش آشکار و پدیدار است. هم‌اکنون در داخل و خارج امرالهی، قوای عظیمه‌ای در سرّیان است تا این دو مرحله متضادّ در جریان را در این قرن عظیم فخیم به اوج خود رسانند."

^{۱۷} نقل ترجمه پیام ۳ ژانویه ۱۹۸۴ بیت‌العدل اعظم از صفحه ۶ مجموعه "جوانان"

۵- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "فعالیت نقشه‌ء اعظم الهی به نحوی اسرارآمیز در جهتی که تنها نفس حضرتش هدایت می‌فرماید در حال حرکت است، اما نقشه‌ء صغیری که به ما عنایت فرموده تا، به عنوان نقش ما در طرح عظیم حضرتش برای نجات و فلاح نوع بشر، اجرا نماییم، به وضوح توصیف و تشریح شده است. ما باید جمیع قوای خود را به این امر اختصاص دهیم، زیرا هیچ نفس دیگری برای اجرای آن وجود ندارد." (ترجمه - *Wellspring of Guidance*، ص ۱۳۴)

۶- بیت‌العدل اعظم در پیام ۸ مه ۱۹۸۵ خطاب به جوانان می‌فرمایند، "افق تیره و تاریکی که جهان غافل از موعود و منشأ نجات و نجات خود با آن مواجه است، دیدگاه و بینش نسل جوان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است: نومیدی دردناک و مصیبت‌بارشان و التجاء آنها به راه‌حل‌های وخیم اما بی‌پوده و حتی خطرناکی که از روی استیصال به آن روی می‌آورند قاطعانه مستلزم بذل توجه اصلاحی و درمانی جوانان بهائی است، که در اثر عرفان به منبع و منشأ مزبور و بینشی روشن که به آنها عنایت شده، نمی‌توانند در اعطاء مسرت حیات‌بخش، امید سازنده و اطمینان‌تابناک ظهور عظیم حضرت بهاء‌الله به آنها درنگ نمایند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۵۳)

۷- بیت‌العدل اعظم در پیام ۴ ژوئیه ۱۹۸۳ خطاب به جوانان بهائی اروپا می‌فرمایند، "این نسل جوانان بهائی از وجه تمایزی بی‌مثیل برخوردار است. شما در دورانی زندگی خواهید که کرد که قوای تاریخ به نقطه‌ء اوج خود، که نوع بشر شاهد تأسیس صلح اصغر خواهد بود، در حال حرکت است؛ دورانی که در طی آن، امر الهی در بازسازی جامعه بشری نقشی ایفا خواهد کرد که یوماً فیوماً از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد. در سالهای آینده از شما خواسته خواهد شد، در مقابل شرایط و تحولاتی که هنوز به زحمت می‌توان تصور و تجسم نمود، سکندار امر الهی شوید." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۴۴)

۸- بیت‌العدل اعظم در پیام ۲۵ مه ۱۹۷۵ خطاب به کلیه محافل ملی می‌فرمایند، "جوانان عزیز که با نیروی حیات و قوای جوانی هر مشکلی را آسان شمرده طاقت تحمل سختی‌ها و شداید را دارند و به سهولت خود را با اوضاع محلّ وفق داده با حرارت و محبت خود نفوسی را که ملاقات می‌کنند مشتعل و منجذب می‌نمایند و از عهده‌ء حلّ معضلات جدید برمی‌آیند، چون با صفات و کمالات روحانی که سجتیه جوانان بهائی است مجهز گردند، قادر خواهند بود در طرح‌هایی که در نظر گرفته شده سهمی بسیار عظیم به عهده گیرند. فی‌الحقیقه جوانان بهائی با این خصائص و امتیازات در میدان خدمت چون طلیعه‌ء لشکر، پیشرو جمیع هستند و در هر مشروعی که شرکت نمایند، چه در سطح محلی و چه در دایره ملی، قوه‌ء محرکه و فعاله خواهند بود. چشم انتظار این مشتاقان به سوی جوانان بهائی دوخته است." (نقل ترجمه از صفحه ۱۳ مجموعه "جوانان" / انوار هدایت، شماره ۲۱۲۲)

۹- بیت‌العدل اعظم در پیام ۴ ژوئیه ۱۹۸۳ خطاب به کنفرانس جوانان اروپا می‌فرمایند، "در کمال محبت و اشتیاق از شما می‌خواهیم در بحر تعالیم الهی مستغرق شوید، حامی و علمدرا امر الهی و شریعت ربّانی گردید، و برای احیاء عالم انسانی قیام نمایید." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۴۶)

۱۰- حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند، "یا مَلَأُ الْأَرْضِ سَارِعُوا إِلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ وَ جَاهِدُوا حَقَّ الْجِهَادِ فِي إِظْهَارِ أَمْرِهِ الْمُبْرَمِ الْمَتِينِ. قَدْ قَدَّرْنَا الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِجُنُودِ الْحِكْمَةِ وَ الْبَيَانِ وَ بِالْأَخْلَاقِ وَ الْأَعْمَالِ. كَذَلِكَ قُضِيَ الْأَمْرُ مِنْ لَدُنْ قَوِيٍّ قَدِيرٍ." (لوح مبارک خطاب به شیخ نجفی، ص ۱۸)

۱۱- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "نفس مبارک موعود در کتاب مقدّس به ربّ‌الجنود تعبیر گشته؛ یعنی جنود آسمانی. و مقصود از جنود آسمانی نفوسی هستند که به کلی از عالم بشریت منسلخ و منقلب به نفوس ملکوتی و ملائکه‌ء آسمانی گشته‌اند. این نفوس اشعه‌ء شمس حقیقتند که آفاق را روشن می‌نمایند و هر یک صوری در دست و نفخه‌ء حیات بر آفاق می‌دمند. از صفات بشریت و عالم طبیعت نجات یافته متخلّق به اخلاق الهی گردند و منجذب به نفعات رحمانی شوند. مانند حواریون مسیح که مملوّ از مسیح شدند، این نفوس نیز مملوّ از حضرت بهاء‌الله گردند؛ یعنی محبت بهاء‌الله چنان مستولی بر اعضاء و اجزاء و ارکان آنها گردد که عالم بشریت را حکمی نماید. این نفوس جنود الهی هستند و فاتح شرق و

غرب. اگر نفسی از این نفوس توجّه به جهتی نماید و نداء به ملکوت الهی کند، جمیع قوای معنویّه و تأییدات ربّانیّه مُعین و ظهیر او گردد؛ ... یک سواره به سپاه عالم زند، لشکر آفاق را از یمین و یسار درشکند و صفوف عالم را خرق کند و هجوم بر قلب آفاق نماید. این است جنود الهی... ملاحظه نمایید که حضرت بهاءالله چه ابوابی از برای شما گشوده است و چه مقام بلند اعلیٰ مقدرّ نموده است و چه موهبتی میسر کرده است." (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۹-۲۷)

۱۲- حضرت ولی امرالله در تلگرام ۲۸ مه ۱۹۵۳ می‌فرمایند، "یک مرتبه دیگر از اعضاء کلیه جوامع تقاضا می‌کنم، قبل از آن که فرصت حالیه به نحوی علاج‌ناپذیر از دست برود، قیام نمایند و در زمره جنود مجاهدین حضرت بهاءالله در آیند... انشاءالله جنود دلاور بهائی ... در اسرع اوقات قیام نمایند و برای فتح اهداف در زمره صفوف جنود الهی قرار گیرند..." (ترجمه - صفحه ۴۹ *Messages to the Baha'i World*)

تشریح با مثال

نیروهای نور و تاریکی که در حال فرو شکستن شالوده‌های جامعه بشری‌اند، تأثیر خود را بر بهائیان نیز گذاشته‌اند. جامعه بهائی در ایران، که در سال ۱۸۴۴ در آن قدم به عرصه وجود نهاد، به طور متناوب در معرض اذیت و آزار قرار گرفته است. شروع دور جدید اذیت و آزارها اواخر دهه ۱۹۷۰ به دست روحانیون مسلمان شروع شد که، تا حدّی، تا به امروز ادامه دارد. در نتیجه نسل جدیدی از جنود روحانی برای علمداری و حمایت از امر الهی قیام کرده‌اند. در یکی از وقایع در هجدهم ژوئن ۱۹۸۳، ده تن از بانوان بهائی، از هجده تا ۲۵ ساله، بدان علّت که نخواستند از ایمان و عقیده به حضرت بهاءالله دست بشویند، به دار آویخته شدند. یکی از این بانوان، زرّین مقیمی بود. داستان محاکمه او قبل از شهادتش چنین بازگو شده است:

"زمانی که زرّین را نزد حاکم شرع بردند تا از امر مبارک تبرّی نماید، و آنچنان که معمول است به او گفته شد یا دست از عقیده خود بردارد یا خود را برای اعدام شدن آماده سازد، در جواب گفت، "راه منتهی به حقیقت را یافته‌ام و به هیچ قیمتی حاضر نیستم آن را از دست بدهم. بنابراین، تسلیم حکم دادگاه می‌شوم." در موقعیت دیگری، قاضی از زرّین پرسید، "تا چه حدّی آماده‌ای به عقیده خود پای‌بند باشی؟" زرّین پاسخ داد، "امیدوارم تا آخرین نفس بر عقیده خود ثابت و راسخ بمانم." قاضی پرخاش کنان گفت، "اما تو باید دست از عقیده‌ات برداری!" زرّین، رنجیده‌خاطر از تکرار پیشنهادی یکسان، فریاد زد، "حضرت آقا، روزهای بسیاری است که مرا محاکمه می‌کنید، و یک سؤال را مرتباً تکرار کرده‌اید و من به شما جوابی قاطع و قانع کننده داده‌ام. تصوّر نمی‌کنم تکرار یک جواب لزومی داشته باشد!" اما قاضی گستاخانه همان پیشنهاد را تکرار کرد. زرّین عزیز گریست و به صدای بلند گفت، "به چه زبانی می‌خواهید به شما بگویم؟ چرا مرا تنها نمی‌گذارید؟ چرا مرا به حال خود رها نمی‌کنید؟ تمام وجود من بهاءالله است؛ عشق من بهاءالله است؛ قلب من وقف بهاءالله است." قاضی، خشمگین و غضبناک داد زد، "قلبت را از سینه‌ات در می‌آورم!" زرّین جواب داد، "اگر چنین کنید، قلب من ندا در خواهد داد و به صدای بلند خواهد گفت، «بهاءالله! بهاءالله!»" قاضی تحت تأثیر این نمایش پراحساس، برخاست و اطاق را ترک گفت.^{۱۸} (نقل از صفحه ۵۳ *Unrestrained as the Wind*)

^{۱۸} اذیت و آزار احتیای ایران در این دوران، خود، عامل شتاب‌دهنده‌ای برای رهایی قوای روحانی بود که به خروج امر مبارک از مرحله مجهولیت منجر شد. بیت‌العدل اعظم در پیام ۲۶ ژانویه ۱۹۸۲ خطاب به بهائیان عالم فرمودند، "هر قطره خونی که توسط شهدای شجاع بر زمین ریخت، هر آهی که از بن جان قربانیان ظلم و ستم بر آمد، هر تمنّایی که برای حصول امدادات الهی توسط احتیای وفادار تقدیم ساحت حق شد، به نحوی اسرارآمیز، قوایی را آزاد کرده و همچنان آزاد خواهد ساخت که احدی از اعدای امر مبارک قدرتی بر آن نخواهد داشت، و، آنچنان که خداوند همیشه حاضر و ناظر اراده و هدایت فرموده، سبب گردید صیت و شهرت امر مبارک در جمیع قارّات عالم به سمع جمیع نفوس برسد... تزییقات حالیه سبب شده که توجّه اهل عالم، به نحوی که در تاریخ سابقه ندارد، به سوی اسم و آوازه امر محبوب ما جلب شود." (ترجمه)

مطالعه بیشتر

یکی از فقرات را از بخش "مطالب خواندنی" انتخاب کنید

این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟	محتوای این فقره چیست؟
---	-----------------------

سؤالات بلاجواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی و منبعی که رد زیر آورده شده برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید.

-۱ -۲ -۳ -۴

قرن بدیع اثر حضرت ولی امرالله - تاریخ صد ساله اول امر مبارک که توسط حضرت ولی امرالله نوشته شده و طی آن ستیزه بین قوای نور و ظلم در طی دوران مزبور به تصویر کشیده شده است.

سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعه فردی تهیه شده است. برای ملاحظه سؤالاتی جهت مطالعه گروهی، به بخش "بحث" در صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- عوامل مرتبط با نقشه بزرگ الهی (نقشه اعظم) را با ضربدر علامت بزنید:

الف - صلح اصغر یا صلح اعظم

ب - جریان سازنده یا جریان مخرب

ج - فعالیت جهان یا فعالیت بهائیان

د - مدنیت در حال انحطاط یا نظم بدیع جهانی

۲- چهار مورد از شش ویژگی جوانان را که بیت‌العدل اعظم تعیین فرموده‌اند و آنها را قادر خواهد ساخت "پیشرو جمیع باشند و در هر مشروعی که شرکت نمایند، قوه محرکه و فعاله" گردند، ذکر کنید.

الف -----

ب - -----

ج - -----

د - -----

۳- سه هدفی را که جنود روحانی حضرت بهاء‌الله برای آن نبرد می‌کنند ذکر کنید:

الف -----

ب - -----

ج - -----

جوابها

ذیلاً جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطه شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

۱- نقشه اعظم الهی به دو جریانی اشاره دارد که "از طریق کلّ عالم انسانی عمل می‌کند" در حالی که نقشه صغیر از آن بهائیان است. صلح اصغر، جریان تخریب و فروپاشی، و مدنیت در حال انحطاط نشان دهنده ظهور و بروز نقشه عظیم الهی است. به سه بیان شماره ۱ تا ۵ در بخش "مطالب خواندنی" توجه کنید.

۲- به بیان شماره ۸ توجه کنید. شش مورد احتمالی عبارتند از:

- طاقت تحمل سختی‌ها و شدايد
- حرارت و محبت
- به سهولت خود را با اوضاع محل وفق می‌دهند
- از عهده حلّ معضلات جدید بر می‌آیند
- مشتعل و منجذب ساختن دیگران
- صفات و کمالات روحانی که سببیه جوانان بهائی است

۳- به بیان حضرت ولی امرالله در بخش "توضیح" توجه کنید. سه هدف را مشخص می‌فرمایند:

- تطهیر
- ایجاد وحدت
- روحانیت

بحث

به کلام خود دو جریان سازنده و مخرب را که هم‌اکنون در جهان در حال فعالیت هستند، توصیف نمایید. چه شواهدی از این دو جریان مشاهده می‌کنید؟ (به بیانات شماره ۱ تا ۵ اشاره کنید).

وجه تمایز بی‌مثیل این نسل از جوانان بهائی چیست؟ (به بیان شماره ۷ اشاره شود).

مسئولیت‌های جوانان بهائی در این دوران بحرانی چیست؟ (به شماره‌های ۱۲-۵ اشاره شود).

صفات جنود روحانی چیست؟ دست زدن به نبرد روحانی به چه معنی است؟ از چه لحاظ به نبرد عملی شباهت دارد؟ از چه لحاظ تفاوت دارد؟ (به بیانات ۱۲-۹ اشاره شود).

ضمیمه :

تحقیق :

۱- با توجه به سؤال ۱ بحث و با تحقیق در شرایط فعلی اوضاع جهان و بالاخص ایران مثالهایی عینی از دو جریان سازنده و مخرب که هم‌اکنون در حال فعالیت هستند را شرح دهید .

۲- حال با توجه به نوایای معهد اعلی ، شما به عنوان جنود روحانی سپاه نور تامل نمائید که در جهت حرکت جریان سازنده چه اقداماتی در زندگی شخصی خود می‌توانید انجام دهید ؟

انضباط جنود روحانی

مقدمه

حضرت ولی امرالله فرمودند، "احباء باید در جمیع اوقات مدّ نظر داشته باشند که آنها، از جهتی، مانند جنودی هستند که مورد حمله و هجوم قرار گرفته باشند. عالم در این زمان، از لحاظ روحانی، فوق العاده مظلّم و تاریک است؛ نفرت و انواع تعصبات، جدّاً و حقیقتاً در حال متلاشی کردن آن است. از طرف دیگر، ما حارسان قوای مقابل، یعنی قوای محبّت، وحدت، صلح و ائتلافیم، و باید مستمراً مراقب باشیم ... مبدا این قوای منفی مخرب از طریق ما در جمع ما رخنه و نفوذ نمایند."^{۱۹}

سپاه نیرومند محتاج سربازان منضبط است. سپاه نور از این قاعده مستثنی نیست. کسانی که قیام می‌کنند تا در نبرد نور و تاریکی در زمره جنود روحانی قرار گیرند باید مسئولیت تقویت روابط خود با خداوند را به عهده گرفته، برای تحوّل روحانی تلاش نمایند و به اعمال ارزشمندی در خدمت به امر مبارکش مبادرت ورزند.

وصول به این اهداف، فرایندی تدریجی و مستلزم انضباط و تلاش مداوم برای فرد است. چهار فصل آینده بر چهار طریق خدمت برای جوانان متمرکز خواهد بود. هر یک از این طرق خدمت باید با شور و حرارت دنبال شود. توفیق در هر یک از آنها بر پایه انضباط روحانی که در این فصل مورد بحث قرار می‌گیرد، استوار است.

نمای کلی

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "کلّ مسئولیت ترقی و تقدّم" امرالله، به عهده جوانان است.^{۲۰} برای تحقّق این وظیفهء عالیّه، جوانان بهائی باید متحوّل گردند و جنود روحانی - "نور مجسم"^{۲۱} - شوند.

نبرد تاریکی و نور متضمّن برخورد قوایی است که جهان را شکل می‌دهند. ماده پرستی، تعصّب، ملیت پرستی، بی‌دینی، و سایر قوای ظلمت، جهت جذب قلوب و در اختیار گرفتن سرنوشت نوع انسان، در حال ستیزه و نزاع با محبّت، وحدت و روحانیت هستند.

ماهیت سلاح‌هایی که در این نبرد استفاده می‌شود اساساً روحانی است. این سلاح‌ها عناصر انضباط نفس و تحوّل است که در آثار بهائی توصیف شده است. جوانان بهائی می‌توانند از این سلاح‌ها برای جذب قوه روحانی جهت غلبه بر قوای ظلمت استفاده کنند و مجرای پاکیزه برای جریان یافتن قوای نور شوند که در حال ایجاد نظم بدیع جهانی هستند.

^{۱۹} ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۳۴۷

^{۲۰} ترجمه - توفیق دوم نوامبر ۱۹۳۲ مندرج در صفحه ۴۲۹ جلد دوم *Compilation of Compilations*

^{۲۱} مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۲۸

توضیح

حضرت ولی امرالله به "ظهور و بروز انقلاب عظیم جهانی" اشاره فرمودند که "قوای" آزاد شده ناشی از آن "تعادل اجتماعی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی جامعه عمومی سازمان یافته را به شدت دچار اختلال و تزلزل ساخته است."^{۲۲} هیکل مبارک توضیح می‌فرمایند که از جمله این قوای ظلمت "تعصب نژادی"^{۲۳}، "الحاد، ملت پرستی، بی‌دینی و ماده‌پرستی" است.^{۲۴}

ما با نفس ضعیفی که داریم نمی‌توانیم امیدوار باشیم که در نبرد علیه این قوای ظلمت به پیروزی دست یابیم. باید متحوّل شویم. این تحوّل از طریق مبادرت به عمل و تفکر و تأمل مبتنی بر آثار حضرت بهاءالله میسر می‌شود.

بنا به بیان حضرت بهاءالله، هدف از هر ظهوری تغییر و تبدیل در هر یک از افراد بشر است.^{۲۵} ظهور حضرت بهاءالله قوای نیرومند روحانی را آزاد نموده که می‌توانند به مدد ما بیایند و ما را تغییر دهند. به مدد این قوا "پشه ضعیف"، "عقاب قوی" گردد و "گنجشک نحیف" به "شهباز" تبدیل گردد.^{۲۶} به مدد این قوا، جوانی حقیر به سلحشوری روحانی بدل گردد.

این جریان که به وسیله آن، شخص متحوّل می‌گردد، الزاماً کند و مستلزم بردباری و تلاش مداوم و سیستماتیک برای به کار بردن تعلیم بهائی در زندگی روزمره است.

حضرت عبدالبهاء در یکی از بیانات خود از جوانان بهائی می‌خواهند که "شاگردان حق"^{۲۷} باشند. این به چه معنی است؟ کارآموز و شاگردی را در کارگاه خیطاطی در نظر بگیرید. شاگرد کارش را از استاد خیطاط یاد می‌گیرد. این یادگیری از طریق عمل و راهنمایی، و نه صرفاً با خواندن کتاب، صورت می‌گیرد.

شاگرد با به کار بردن مهارت‌های عملی خیطاط، روز به روز بیشتر پیشرفت می‌کند. در آغاز، شاگرد دوختن را یاد می‌گیرد؛ سپس متر کردن و برش را می‌آموزد. بالاخره روزی فرا می‌رسد که شاگرد بسیاری از مهارت‌ها را کنار هم می‌گذارد و لباس کامل را از کار در می‌آورد. اگرچه این لباس کامل و بی‌نقصی نیست که استاد خیطاط می‌دوزد، اما با تمرین بیشتر، کار بهتر خواهد شد.

جُند روحانی آینده، به عنوان "شاگرد حق" به کار ملکوت مشغول می‌شود. روزهای متوالی با قوای ظلمت مقابله و مبارزه می‌کند. روز به روز مهارت‌های روحانی‌اش را فزونی می‌بخشد، بر نقائصش فائق می‌آید، خُلق و خویش را متحوّل می‌سازد، از طریق دعا، مطالعه، تبلیغ و خدمت به عالم انسانی به خدایش نزدیکتر و نزدیکتر می‌شود. به مدد خداوند، قوای نور را که برای متحوّل ساختن جهان فعالیت دارند، جذب می‌کند.

^{۲۲} ترجمه - *The Advent of Divine Justice*، ص ۳ / ترجمه فارسی مطلب فوق در صفحه ۵ متن فارسی موجود است؛ اما با متن انگلیسی

تطبیق نام ندارد.

^{۲۳} حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۹۶

^{۲۴} نقل ترجمه از فصل پانزدهم گوهر یکتا / اصل بیان در صفحه ۱۶۹ *Messages to the Baha'i World*

^{۲۵} ایقان، ص ۱۸۷ ("مقصود از هر ظهور، ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرأ و جهرأ، ظاهراً و باطناً؛ چه اگر به هیچ وجه امورات ارض تغییر نیابد، ظهور مظاهر کلیه لغو خواهد بود.")

^{۲۶} منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۱

^{۲۷} مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی، ص ۸۰

حضرت ولی امرالله فرمودند، "در مقابل چشمان جنودی که در ظلّ این رایت نورا داخل می‌شوند، آنچنان میادین وسیع و گستردهء تحقیق و تحکیم وجود دارد که سبب بُهت عیون و حیرت و دهشت قلب هر نفسی می‌شود که مانند مستظّلین در ظلّ رایت سمحای این امر مبارک، قاطع و مصمّم نیستند. مدارج عالیّه‌ای که علّمداران این دین مبین باید به آن ارتقاء جویند فی‌الحقیقه صعب و مهیب؛ مشکلات و معضلاتی که در این سبیل با آن مواجهند، متعدّد و کثیر؛ طریق منتهی به فتح و ظفر کَلّی و نهایی، سخت بغرنج، ناهموار و باریک است. معهدا، کلام نازله از قلم اعلی، مشحون از اطمینان مؤکّد، از آن آنها است: «لَوْ يَقَوْمٌ وَاحِدٌ مِنْكُمْ عَلَى نُصْرَةِ أَمْرِنَا لَيَغْلِبَنَّ اللَّهُ عَلَى مَائِئَةِ أَلْفٍ وَ لَوْ أُرْدَادًا فِي حُبِّهِ لَيَغْلِبَنَّ اللَّهُ عَلَى مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ.»^{۲۸، ۲۹}

مطالب خواندنی

۱- حضرت ولی امرالله در ۱۱ اوت ۱۹۵۷ می‌فرمایند، "احتیای الهی باید قدرت روح‌القدس را که در این زمان، به واسطهء ظهور اعظم جمال رحمن، ظاهر و عیان گشته و در حال تجدید حیات روحانی آنان است، درک کنند. اگر احتیاء خود را کاملاً در معرض نفوذ و هدایت روح قدسی الهی قرار دهند، هیچ قدرتی، اعم از سماوی یا ارضی، قادر نخواهد بود لطمه‌ای به آنان وارد آورد."^{۳۰}

۲- حضرت بهاءالله در ایقان شریف می‌فرمایند، "همین گروه ... به مجرد این که صهبای ایمان را از کأس ایقان از ایادی مظاهر سبحان می‌نوشیدند، بالمرّه تقلیب می‌شدند، به قسمی که از زن و فرزند و اموال و ائقال و جان و ایمان، بلکه از ما سوی‌الله، می‌گذشتند؛ و به قسمی غلبات شوق الهی... ایشان را اخذ می‌نمود که دنیا را و آنچه در آن هست به پر کاهی ندانسته ... و یک نفر از این جنود در مقابل گروهی مقاتله می‌نمود. مع‌ذلک چگونه می‌شود که اگر این نفوس همان نفوس قبل باشند، این گونه امورات، که مخالف عادات بشریّه و منافی هوای جسمانیّه است، از ایشان ظاهر شود؟" (ص ۱۲۱)

۳- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "ملکوت الهی از قوّت و قدرت لایتنهای برخوردار. جنود حیات باید متهوّر و شهیم باشند تا تأییدات ملکوت مستمراً مکرراً بر آن نازل گردد ... میدان وسیع، و زمان برای حرکت فارسان مقتضی. حال باید قوّت و قدرت به منصّهء ظهور رساند، شهامت قلب و شجاعت نفس و قوّت و قدرت نمایان نمود."^{۳۱}

^{۲۸} نقل بیان حضرت بهاءالله، از توقیع مبارک نوروز ۱۱۰ / توقیعات مبارکه ۱۱۴-۱۰۹، ص ۱۱۵

^{۲۹} ترجمه - توقیع مبارک آوریل ۱۹۵۶ خطاب به انجمن‌های شور روحانی سالانه در جمیع قارّات | *Messages to the Baha'i World*، ص ۱۰۱

^{۳۰} ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۷۶۶ / *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۲۱

^{۳۱} ترجمه - نقل در توقیع مبارک ۲۸ ژانویه ۱۹۳۹ مندرج در صفحه ۱۷ *Messages to America*

۴- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "حضرت اعلیٰ روحی له الفدا می‌فرماید، «لَوْ أَرَادَتْ نَمْلَةٌ أَنْ تُفَسِّرَ الْقُرْآنَ مِنْ ذِكْرِ بَاطِنِهِ وَ بَاطِنِ بَاطِنِهِ لَتَقَدَّرَ؛ لِأَنَّ السَّرَّ الصَّمَدَانِيَّةَ قَدْ تَلَجَّلَجَ فِي حَقِيقَةِ الْكَائِنَاتِ.» چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل، دیگر معلوم است که در ظلّ فیوضات جمال مبارک ... چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود.

پس ای نورسیدگان نورانی شب و روز جهد نمایند تا به حقائق و معانی پی برید و اسرار یوم ظهور را ادراک کنید و حجج و براهین اشراق اسم اعظم را اطلاع یابید. زبان به ثنا بگشایید و ادله و برهان اقامه نمایید؛ تشنگان را به معینِ ماء حَیَوَان برسانید و مریضان را شفای حقیقی بدهید. شاگردان حق گردید و طبیبان الهی شوید؛ مریضان انسان را معالجه نمایید." (آثار مبارکه درباره تربیت بهائی، ص ۸۰-۷۹)

۵- کاتب حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک مرقوم داشته است: "هیچ بهائی حقیقی و باوفایی در این یوم نباید عاطل و باطل ماند یا طالب راحت و آسایش خویش یا حتی رضایت نفس خود باشد. ما باید مستمراً بر قوای ظلمت که کره ارض را احاطه کرده هجوم آوریم و طلوع فجر یوم بدیع را که حضرت بهاءالله از آن اخبار فرموده، سرعت بخشیم." (رقیمه مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۳۳)

۶- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "نمایندگان محلی و ملی جامعه ... حتی ولی امرالله نیز بنفسه ... هیچ‌یک نمی‌توانند وظیفه فرد را تعیین نمایند و یا در ایفای چنین وظیفه‌ای جای او را بگیرند. تنها فرد است که باید اهمیت موضوع را تشخیص داده، به وجدان خود رجوع کند و با توسل به دعا و مناجات جوانب امر را در نظر گیرد و مردانه با غریزه راحت‌طلبی، که مانع از قیام اوست، مبارزه کند و قاطعانه، به کمال بسالت، علائق ناچیز و بیهوده را، که مانع از حرکت اوست، به دور افکند و از هر فکری که سبب سدّ سبیل شود، خود را آزاد و فارغ ساخته ... با عموم طبقات جامعه، از مرد و زن، مؤانست جوید ... و با حکمت و محبت و دعا و پافشاری، نفوس را به امری که خود به آن ایمان آورده، جلب نماید.

مادیت خشک و خشنی که در حال حاضر سرتاسر ملت را فرا گرفته، تعلق به اشیاء دنیوی که نفوس بشری را احاطه نموده، ترس و اضطرابی که افکار را پریشان کرده، لذات و تفریحاتی که اوقات را معطوف به خود ساخته، تعصبات و خصوماتی که آفاق را تیره و تار کرده، لاقیدی و رخوتی که مشاعر روحانی را فلج ساخته - اینها از جمله موانع عظیمه‌ای هستند که هر طالب مجاهدی که قصد خدمت در سبیل امر حضرت بهاءالله را دارد با آن مواجه می‌گردد و برای تجدید حیات و رستاخیز هموطنانش باید با آن به مبارزه برخاسته، بر آن غلبه نماید.

مجاهدی که در جبهه داخلی به خدمت قیام می‌کند به هر اندازه که از آلودگی‌ها پاک و مطهر و از مشغولیات ثانویه و اضطرابات ملال‌انگیز آزاد و از تعصبات و خصومات بری و از نفس فارغ و مملو از قوه امداد و شفاعت الهی گردد، موفق به غلبه بر قوایی شود که علیه او قد علم کرده و صف کشیده است. آن وقت است که می‌تواند نفوسی را که طالب هدایت آنان است، به مغناطیس محبت جذب نموده، سبب ایمان و ولای ثابت و راسخ آنان به امر حضرت بهاءالله گردد.

هر چند این امر دقیق و دشوار و مستلزم سعی و کوشش ممتد و فراوان است و نفسی که به حمایت امری قیام می‌نماید که با شیوع قوای مادیت و ملتیت و لامذهبی و تعصب نژادی و مقاومت علمای رسوم در حال جنگ و مبارزه است، در راه خود با انواع خطرات و دام‌های گوناگون مواجه خواهد گردید؛ ولیکن قدرت غالبه فضل و تأیید الهی که از ظهور حضرت بهاءالله شامل او می‌گردد، بدون تردید به نحوی اسرارآمیز و محیرالعقول پیروزی و غلبه کامل را نصیب او خواهد فرمود." (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۹۶-۱۹۴)

۷- حضرت بهاء الله می فرمایند، "وَ اجْعَلُوا إِشْرَاقَكُمْ أَفْضَلَ مِنْ عَشِيَّتِكُمْ وَ غَدَكُمْ أَحْسَنَ مِنْ أَمْسِكُمْ." (لوح حکمت، آثار قلم اعلیٰ، ج ۲، ص ۱۳۱ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۸)

۸- حضرت بهاء الله می فرمایند، "اتلوا آیات الله فی کلّ صباحٍ و مساءٍ؛ إِنَّ الَّذِي لَمْ يَتَلُ لَمْ يُوفِ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ مِيثَاقِهِ..." (کتاب اقدس، بند ۱۴۹)

۹- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده، چنین آمده است: "حضرت ولی امرالله فوق العاده تقدیر می فرمایند که شما در کمال وفاداری و صیای حضرت بهاء الله در مورد ادای نماز روزانه را اطاعت و اجرا می کنید، و به این وسیله برای جوانان بهائی سرمشق مطلوبی را فراهم آورده اید. این نمازهای روزانه از قوت مخصوص برخوردار است که تنها کسانی که آنها را به طور مرتب ادا می کنند می توانند آنچنان که شاید و باید به آن پی ببرند." (ترجمه - صفحه ۲۴۰ جلد دوم *Compilation of Compilations*)

۱۰- حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات مبارکه می فرمایند، "اصول تعالیم حضرت بهاء الله، یک به یک، باید به دقت مطالعه شود تا قلب و روان به آن پی ببرد و آن را درک کند - به این ترتیب پیروان قوی نور، سربازان حقیقی روحانی و آسمانی خداوند می شوید و به کسب و انتشار مدنیت حقیقی در ایران، اروپا و در تمام عالم می پردازید." (ترجمه - صفحه ۲۲ *Paris Talks*)

۱۱- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده، چنین آمده است، "آنچه که هر یک از احباء، اعم از قدیم یا جدید، باید درک کند این است که امر مبارک از قدرتی روحانی برای خلق جدید ما برخوردار است مشروط بر آن که سعی کنیم قوه مزبور در ما رسوخ و نفوذ نماید... ما باید به حضرت بهاء الله التجاء نماییم که در غلبه بر نقائص اخلاقی خود و نیز در استفاده از قوه اراده خویش برای تسلط بر خود، به ما مساعدت نمایند." (صفحه ۴۴۲ *Unfolding Destiny*)

۱۲- حضرت بهاء الله در سوره الملوک می فرمایند، "ثُمَّ أَنْصَبْ مِيزَانَ اللَّهِ فِي مُقَابِلَةِ عَيْنَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ فِي مَقَامِ الَّذِي كَانَتْ تَرَاهُ ثُمَّ وُزِّنْ أَعْمَالَكَ بِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ بَلْ فِي كُلِّ حِينٍ وَ حَاسِبْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبَ..." (الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۴۱)

۱۳- حضرت ولی امرالله می فرمایند، "این تقدیس و تنزیه ... مستلزم توجه و مراقبت تام در احتراز از مشتتهیات نفسانی و ترک اهواء و تمایلات سخیفه ... است." (ظهور عدل الهی، ص ۶۳)

۱۴- حضرت بهاء الله می فرمایند، "غفلت را به نار حبّ و ذکر بسوزاند و از ما سوی الله چون برق درگذرد." (ایقان، ص ۱۵۰)

۱۵- حضرت عبدالبهاء می فرمایند، "آیات الهی را تلاوت کنید، در معانی آن دقت و تأمل نمایید و به موجب آن عمل کنید." (ترجمه - صفحه ۸۵ جلد اول *Tablets of Abdu'l-Baha*)

۱۶- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده آمده است، "دعا و مناجات از عوامل بسیار مهم در تحکیم حیات روحانی فرد است، اما باید با عمل و سرمشق توأم باشد، زیرا این دو نتایج ملموس دعا و مناجات است." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۴۸۳)

۱۷- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده آمده است، "باید اطمینان داشته باشید که تمسک تامّ شما به احکام و حدودی که حضرت بهاءالله عمل به موجب آن را واجب فرموده‌اند، یکی از قوایی است که به نحوی مؤثر می‌تواند شما را هدایت کند و قادر سازد تا در امتحانات و افتتانات زندگی خود سربلند و پیروز باشید، و به شما کمک کند که از لحاظ روحانی از رشد و ترقّی مداوم نصیب برید." (ترجمه - صفحه ۲۴۰ جلد دوم *Compilation of Compilations*)

۱۸- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده آمده است، "ابتداً نباید بگذارند یومی بگذرد بدون آن نفسی تبلیغ شود؛ باید به حضرت بهاءالله اعتماد نمود که بذر کاشته شده رشد خواهد کرد." (ترجمه - صفحه ۳۲۱ *Compilation of Compilations*)

۱۹- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده آمده است، "توصیه برادرانه هیکل مبارک به شما و کلیه احبّای باوفا و مشتاق مانند شما آن است که باید معلومات خود در مورد تاریخ و اصول اعتقادی امر مبارک را، نه تنها با مطالعه دقیق و کامل، بلکه با مشارکت فعال، جدّی، صمیمانه و مستمر در جمیع فعالیت‌های اداری و غیر اداری جامعه‌تان، از عمق و وسعت بیشتر برخوردار نمایید. حیات جامعه بهائی آزمایشگاهی لازم و حیاتی در اختیار شما قرار می‌دهد که می‌توانید در آن، اصولی را که از تعالیم مبارکه درک و برداشت می‌کنید، به عمل سازنده و استوار تبدیل نمایید." (ترجمه - صفحه ۲۱۹ جلد اول و صفحه ۴۲۴ جلد دوم *Compilation of Compilations*)

۲۰- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "شرط، استقامت است؛ و در هر امری که ثبوت و استقامت گردد، البته نتیجه بخشد و الاّ ایامی چند دوام نماید، بعد مختل گردد." (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۴۰ / آثار مبارکه درباره تربیت بهائی، ص ۷۸)

۲۱- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده آمده است، "کافی نیست که در کمال جدّیت برای کسب هدایت دعا شود، بلکه بعد از دعا باید در مورد بهترین روش‌های عملی به تفکّر و تعمق پرداخت و سپس به عمل مبادرت کرد. حتّی اگر عمل بلافاصله منجر به نتایج نگردد، یا شاید تماماً صحیح نباشد، تفاوت زیادی نخواهد داشت، زیرا دعا را از طریق عمل می‌توان اجابت کرد و اگر عمل کسی صحیح نباشد، خداوند می‌تواند از آن برای نشان دادن مسیری که صحیح است استفاده نماید." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۵۰۸ / صفحه ۳۲۵ جلد دوم *Compilation of Compilations*)

مطالعه بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

<p>این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟</p>	<p>محتوای این فقره چیست؟</p>
--	------------------------------

سؤالات بدون جواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید.

<p>۱- ۲- ۳- ۴-</p>

"شاگردان حق" بودن به چه معنی است؟ این حالت چه کمک می‌کند که مجرایی برای جاری شدن قوه الهی شویم؟

شهامت چه ارتباطی با جذب قوه الهی دارد (اشاره به شماره ۳ در "مطالب خواندنی")؟

قوای ظلمت را که در این فصل ذکر شده، فهرست کنید. هر یک از این قوا چه هستند؟ مثال‌هایی از نحوه فعالیت هر یک در جهان بیان کنید. (اشاره به بخش "توضیح" و شماره ۶ در "مطالب خواندنی").

به کلام خود تلاش فردی برای غلبه بر قوای ظلمت را که حضرت ولی امرالله در شماره ۶ در "مطالب خواندنی" توصیف کرده‌اند، توضیح دهید. فرد به چه اقدامی باید مبادرت نماید؟ چه موانعی برای غلبه وجود دارد؟ فرد چگونه به پیروزی دست می‌یابد؟ مفاهیم ضمنی این فقره برای وضعیت شخصی شما چیست؟

عناصر انضباط شخصی روحانی روزانه چیست؟ برای خودتان ملاحظه نمایید که آیا به این فعالیت‌ها می‌پردازید یا خیر. چه کاری می‌توانید برای تغییر الگوی فعالیت‌های روحانی خود می‌توانید انجام دهید تا اقداماتی را که در آثار مبارکه از شما خواسته در آن بگنجانید؟ (به شماره‌های ۷ به بعد در "مطالب خواندنی" اشاره شود).

تمرین :

جند خداوند هدایات خود برای مبادرت به عمل را از آثار حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم دریافت می‌دارد. جند مؤثر بودن به توانایی شما برای شناسایی هدایت‌هایی در مطالبی که خوانده‌اید، و سپس عمل به موجب آنها بستگی دارد. تمرین زیر به شما اجازه می‌دهد این وظیفه را عملی سازید.

هدایات برای اقدام و عمل به آسانی شناسایی می‌شود. معمولاً آنها فعل‌های عملی هستند که همراه با واژه‌های معدودی بیان می‌شوند که معنا و مفهوم را بسط می‌دهند. غالباً چندین فرمان در یک ردیف وجود دارد. این هدایات غالباً همراه با نتایج اطاعت همراه است. در فقراتی که ذیلاً نقل می‌شود، هدایات برای عمل را بیابید و زیر آنها خط بکشید. چند مورد اول برای شما انجام شده است. سپس، هدایات را به زبان خودتان فهرست کرده راه‌هایی را که می‌توانید به موجب آن عمل کنید، بیان نمایید.

از آثار حضرت بهاءالله:

- ۱- أَنْ يَا أَحِبَّاءَ اللَّهِ لَا تَسْتَقِرُّوا عَلَى فِرَاشِ الرَّاحَةِ وَإِذَا عَرَفْتُمْ بَارِعَكُمْ وَ سَمِعْتُمْ مَا وَرَدَ عَلَيْهِ قَوْمُوا عَلَى النَّصْرِ ثُمَّ انْطَقُوا وَ لَا تَصْمَتُوا أَقَلَّ مِنْ أَنْ وَ إِنَّ هَذَا خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ كَنُوزِ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ. (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۱۵۴)
- ۲- يَا مَلَأَ الْبِهَاءَ لَا تَكُونُوا بِمَثِ الَّذِينَ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَهُ فِي أَنْفُسِهِمْ أَنْ اجْهَدُوا بِأَنْ يَظْهَرَ مِنْكُمْ عَلَى الْأَرْضِ آثَارُ اللَّهِ وَ أَوَامِرُهُ؛ ثُمَّ اهْدُوا النَّاسَ بِأَفْعَالِكُمْ ... الْأَعْمَالُ يَمْتَازُكُمْ عَنِ دُونِكُمْ وَ يَظْهَرُ أَنْوَارِكُمْ عَلَى مَنْ عَلَى الْأَرْضِ. (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۹۵)

از آثار حضرت ولی امرالله

- ۳- تنها فرد است که باید ... به وجدان خود رجوع کند و با توسل به دعا و مناجات جوانب امر را در نظر بگیرد و مردانه یا غریزه راحت طلبی که مانع از قیام اوست مبارزه کند و قاطعانه در کمال بسالت علائق ناچیز و بیهوده را که مانع از حرکت اوست به دور افکند و از هر فکری که سبب سدّ سبیل شود خود را آزاد و فارغ ساخته، به امثال نصایح صاحب امر و به پیروای از مثل اعلاى آن با عموم طبقات جامعه از مرد و زن مؤانست جوید و با شمیم و صفات ممتازه از حسن افکار و اقوال و اعمال جاذب قلوب گردد و با حکمت و محبت و دعا و پافشاری نفوس را به امری که خود به آن ایمان آورده است، جلب نماید. (حصن حصین شریعت الله، ص ۵-۱۹۴)

باز خورد

ذیلاً جوابهای پیشنهادی به تمرین فوق ذکر می شود. نقشه های مربوط به اقدام، البته، از فردی تا فرد دیگر تفاوت خواهد داشت.

- ۱- أَنْ يَا أَحِبَّاءَ اللَّهِ لَا تَسْتَقِرُّوا عَلَى فِرَاشِ الرَّاحَةِ وَإِذَا عَرَفْتُمْ بَارِعَكُمْ وَ سَمِعْتُمْ مَا وَرَدَ عَلَيْهِ قَوْمُوا عَلَى النَّصْرِ ثُمَّ انْطَقُوا وَ لَا تَصْمَتُوا أَقَلَّ مِنْ أَنْ وَ إِنَّ هَذَا خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ كَنُوزِ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ.

هدایات	اقدامات
<ul style="list-style-type: none">این طرف و آن طرف بیهوده و بیکار دراز نکشیدحالا که به عرفان حضرت بهاءالله نائل شدید، قیام کرده حرکت کنید.با تبلیغ به نصرت حضرت بهاءالله بشتابیددر مورد امرالله ساکت ننشینید - تبلیغ کنید	<ul style="list-style-type: none">کمتر تلویزیون تماشا کنم - یک ساعت در روزدر طرح تبلیغی جامعه شرکت کنم - مارسیا را صدا بزنم و به او پیشنهاد کمک بدهم.برای مساعدت، نقشه داشته باشم - بلافاصله!سعی کنم امیلی، ژوزف، می و معلم تاریخم را تبلیغ کنم.

۲- یا ملأ البهء لاتكونوا بمث الذين يقولون ما لايفعلونه في أنفسهم أن اجهدوا بأن يظهر منكم على الأرض آثار الله و أوامره؛ ثم اهدوا الناس بأفعالكم ... الأعمال يمتازكم عن دونكم و يظهر أنواركم على من على الأرض.

هدايات	اقدامات
<ul style="list-style-type: none"> ● مثل ديگران نباشيد که قولشان با فعلشان منطبق نيست. ● سعی کنید آثار الهی را به ظهور برسانيد. ● از طريق اطاعت و عمل، در مورد احکام به تفکر و تأمل پردازيد. ● سعی کنید اعمال شما برای ديگران سرمشق باشد. 	<ul style="list-style-type: none"> ● همان کاری را انجام می‌دهم که می‌گويم اعتقاد دارم. ● محبت یکی از آثار الهی است - سعی می‌کنم با خدمت کردن به مردم بیش از پیش به آنها محبت داشته باشم. ● احکام بهائی را اجرا می‌کنم - ديگر غيبت نمی‌کنم. ● اگر غيبت نکنم، به غيبت‌های ديگران هم گوش ندهم، نهایتاً غيبت کم خواهد شد.

۳- تنها فرد است که باید ... به وجدان خود رجوع کند و با توسل به دعا و مناجات جوانب امر را در نظر بگیرد و مردانه با غريزه راحت‌طلبی که مانع از قيام اوست مبارزه کند و قاطعانه در کمال بسالت علائق ناچيز و بيهوده را که مانع از حرکت اوست به دور افکند و از هر فکری که سبب سدّ سبيل شود خود را آزاد و فارغ ساخته، به امثال نصايح صاحب امر و به پيروای از مثل اعلاى آن با عموم طبقات جامعه از مرد و زن مؤانست جويد و با شيم و صفات ممتازه از حسن افکار و اقوال و اعمال جاذب قلوب گردد و با حکمت و محبت و دعا و پافشاری نفوس را به امری که خود به آن ايمان آورده است، جلب نماید.

هدايات	اقدامات
<ul style="list-style-type: none"> ● به وجدان خود رجوع کنید که بدانيد برای امرالله چه کاری باید انجام داد. ● در مقابل ميل به بيهودگی و عدم فعاليت مقاومت کنید. ● از علائق ناچيز که مانع از حرکت است خود را رها کنید. ● تفکر منفی در مورد موانع را کنار بگذاريد - مثبت فکر کنید. ● با انواع مردم مؤانست جويد؛ سعی کنید با اخلاق و اعمال در قلب آنها نفوذ کنید و آنها را تبليغ کنید. 	<ul style="list-style-type: none"> ● وقتی را برای دعا و تفکر در مورد آن کنار بگذارم. ● هر صبح ۱۵ دقيقه زودتر بلند شوم تا برای تبليغ آماده گردم. ● کمتر وقت و پول را صرف مد کنم و از اينگونه موارد ناچيز بگذرم. ● خودم آيتی بشوم - مثبت فکر کنم؛ موانع را به صورت مشکلاتی ببينم که باید بر آن غلبه کرد. ● با افراد خارج از "گروه" خود طرح دوستی بریزم و آنها را به بيت تبليغی دعوت کنم؛ همسايه بيمارم، آقای لی را ، با مراقبت از حياطش تبليغ کنم.

تحقیق :

یکی از مفاهیم عمیق و اساسی که هر طالب تاریخ امر بهائی باید بداند اینست که پیشرفت امرالله در اثر یک سلسله از بحرانها و پیروزی ها حاصل می گردد. قوای جهل و نادانی ، ظلم و بیداد ، قساوت و بیرحمی و تعصبات بر جامعه امر هجوم می نماید و موجب بحران میگردد. اما هر بار به اراده مطلقه الهیه نیروهای ظلمت شکست خورده و فتح و ظفر نصیب می گردد. و امرالله دائما مراحل متوالی بحران و پیروزی را طی می نماید و هیچ قدرتی بر روی زمین نمیتواند از پیشرفت آن جلوگیری نماید.

مفهوم بحران و پیروزی آنچنان قابل اهمیت است که ارزش دارد در اینجا کمی مکث نموده و در قدرت و نفوذ امر الهی تفکر و تأمل نمائید که چگونه بر هر مانع و حائلی در طی طریق غلبه می نماید. برای کمک در این خصوص پیشنهاد می شود نصوص ذیل را که یکی از آثار جمال مبارک و دیگری قسمتی از رقیمه ارسالی از طرف حضرت شوقی افندی می باشد قرائت نموده و سپس تمرینات را انجام دهید:

" چنانچه در این کور ملاحظه شد که این همج رعاع گمان نموده اند که بقتل و غارت و نفی احبای الهی از بلاد توانند سراج قدرت ربانی را بیفوسرند و شمس صمدانی را از نور باز دارند غافل از اینکه جمیع این بلایا بمنزله دهن است برای اشتعال این مصباح کذلک یبدل الله ما یشاء و انه علی کل شی قدیر... " (منتخباتی از آثار حضرت بها الله لجنه نشر آثار امری آلمان _ ۱۴۱ بدیع شماره ۲۹ ص ۵۴)

مضمون قسمت عربی به فارسی چنین است : " اینگونه خداوند بدل می نماید و تغییر می دهد هرچه را اراده فرماید و او بر هر چیز توانا است . "

" امرالله مانند هریک از ادیان الهی نمی تواند بنحوی مؤثر استقرار یابد مگر آنکه با قوای مخالف و مهاجم مقابله و مبارزه نماید و به فتح و ظفر نائل آید. تاریخ امر مبارک فی نفسه دلیل کافی بر این مطلب است . امتحانات و تزییقات و بلایا همواره نصیب برگزیدگان حق بوده و خواهد بود. ولی ایشان باید این بلایا را مواهب الهیه دانند زیرا موجب تقویت ایمان و استحکام و تطهیر آنان خواهد گشت. حضرت بهاءالله این بلایا و مصائب را به دهنی که سراج امر الهی را روشن نگاه می دارد ، تشبیه می فرمایند . " (ترجمه توثیق صادره از طرف حضرت ولی امرالله ۲۴ جون ۱۹۳۶ خطاب به یکی از یاران نقل شده در مجموعه بحران و پیروزی)

۱. با یکی از یاران در جامعه خود که تاریخ امرالله را بخوبی میداند مشورت نموده و از او بخواهید که بعضی از بحرانها و پیروزیهای را که امرالله در خلال چند دهه گذشته تجربه نموده برای شما تعریف نماید.

۲. با یکی از اعضای جامعه خود که تاریخ مربوط به آن جامعه را خوب می‌داند مشورت نموده و از او بخواهید که برای شما تعریف کند امرالله چه تضییقاتی را در مملکت شما تجربه نموده و چه نتایجی در بر داشته است .

۳. دانستن اینکه امرالله از طریق تسلسل بحران و پیروزی پیشرفت مینماید چگونه بشما کمک میکند تا در مقابل بلایا و مشکلاتی که در زندگانی با آن روبرو میشوید واکنش و عکس العمل نشان دهید؟ وقتیکه سعی مینمائید یک سری اهداف را در زندگانی خود تحقق بخشید، آیا باید در مقابل اولین علامت سختی تسلیم شوید؟

مطالعه پیام مورخ ۲۹ جون ۲۰۰۶ بیت العدل اعظم خطاب به احبای ایران و مجموعه منتشره تحت عنوان " بحران و پیروزی " می تواند در اجرای بهتر این تحقیق کمک شایانی نماید

تقویت روح

مقدمه

در این فصل به اولین مورد از چهار طریق عملی برای جوانان بهائی، یعنی تقویت روح، توجه می‌کنیم.

حضرت ولی امرالله خاطر نشان فرمودند، "چگونه روحانیت حاصل می‌گردد حقیقتاً سؤال است که هر زن و مرد جوانی بایستی دیر یا زود برای آن جواب رضایت بخشی بیابد. لیکن دقیقاً به جهت نداشتن جواب قانع‌کننده، جوانان امروزی خود را سرگردان می‌یابند و بالنتیجه تحت تأثیر قوای مادی که با نهایت قدرت بنیاد اخلاقی و حیات معنوی انسان را ویران می‌سازد، قرار می‌گیرند. فی الحقیقه، علت عمده سیئات که حالیه در جامعه شایع و بسیار متداول است، فقدان روحانیت است."^{۳۲}

به این ترتیب، اولین سلاح جُند روحانی برای مبارزه با قوای تاریکی عبارت از روحی نیرومند است که از ارتباط تزلزل‌ناپذیر با منبع قوای الهی نشأت می‌گیرد. جُند روحانی به این طریق به مجرای برای جریان یافتن قوای ربّانی نور تبدیل می‌شود.^{۳۳}

نمای کلی

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "... هسته ایمان مذهبی آنگونه احساسات پنهانی و عرفانی است..."^{۳۴} اولین وظیفه ما به عنوان جنود روحانی این است که دل به خدا بندیم تا قوه الهی را، که خون حیات برای موجودیت روحانی ما است، جذب نماییم.

حضرت ولی امرالله حدّ اقلّ بر چهار اقدام مرتبط به هم اشاره می‌فرمایند که در اثر این ارتباط روحانی صورت می‌گیرد. این موارد عبارت از حبّ الهی، ثبوت بر عهد و پیمان، تعامل با کلام الهی، و توکّل به ذات حق است. در هر یک از این راهها، قلوب ما پیوندی محکم‌تر با خداوند می‌یابد.

با تقویت ارتباط روحانی با خداوند و اراده او از طریق دعا و اجرای تعالیم حضرت بهاءالله، به مجاری مؤثرتر برای جریان یافتن قوای روحانی تبدیل خواهیم شد.

^{۳۲} مکتوب ۸ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۱۸۴۵ / نقل ترجمه از ص ۸ راهنمای جوانان

^{۳۳} *The Power of Divine Assistance*، صفحه ۲۰؛ از طرف حضرت ولی امرالله

^{۳۴} مکتوب ۸ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۱۸۴۵ / نقل ترجمه از ص ۹ راهنمای جوانان

حضرت ولی امرالله با این کلام به جنود روحانی حضرت بهاءالله متوسل می‌شوند: "درع حبّ در بر، بر مرکوب استقامت سوار، سنان کلام ربّ الجنود در دست، و با توکل مسلّم به وعود حضرتش به عنوان بهترین توشهء سفر، به میادین توجه نمایند که هنوز بکر و نامکشوف باقی مانده و قدم به سوی اهدافی بردارند که هنوز وصول به آن میسر نشده..."^{۳۵}

این بیان بر چهار اقدامی تأکید دارد که از تمسک تام به مولی‌الانام نشأت می‌گیرد و ما را در نبرد روحانی مجهز می‌سازد. هر یک از آنها بر توانایی ما برای جذب قوای روحانی اثر می‌گذارد.

- **حبّ الهی** جاذب محبت خداوند به سوی ما است و ما را در سوزاندن و از بین بردن "حجابهای نفس شیطنی"^{۳۶} که مانع از رشد روحانی ما است، کمک می‌کند.
- **ثبوت بر عهد و پیمان** به معنای استقامت و اطاعت از احکام و تشکیلات امریه است. ثبوت و رسوخ ما را از امتحانات حفظ می‌کند و جاذب "نفحات الروح"^{۳۷} است.
- **تعامل با کلام الهی** قلوب ما را به خداوند اتصال می‌دهد^{۳۸}، ما را به "قوت عرفان"^{۳۹} مجهز می‌سازد، و می‌تواند "سبب طهارت قلوب انسانی"^{۴۰} شود.
- **توکل به ذات حق** عبارت از اعتماد به وعود الهی در مورد نزول تأییدات و حصول فتح و ظفر نهایی است که ما را قادر می‌سازد بدون آن که ضعف و عجز فردیمان ما را فلج کند، در میدان عمل قدم برداریم.^{۴۱}

مسئولیت هر یک از جنود روحانی است که ارتباط با خدا را تقویت نماید و به مجرای جهت جریان یافتن "قوای عجیبهء دافعه"^{۴۲} حضرت بهاءالله در عالم وجود که از "قوهء قاهرهء الهیه ... فوق احصاء و احاطهء عباد"^{۴۳} برخوردار است، تبدیل گردد. نتیجهء حاصله عبارت از جریان قوی تر قوهء الهی است که با آن باید به مبارزه و نبرد با قوای تاریکی پرداخت.

^{۳۵} ترجمه - پیام آوریل ۱۹۵۶ مندرج در صفحه ۱۰۲ *Messages to the Baha'i World*

^{۳۶} هفت وادی؛ آثار قلم اعلی، ج ۳، ص ۱۰۲

^{۳۷} مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۳۸

^{۳۸} خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۵۸

^{۳۹} منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۵۴

^{۴۰} مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۲۵

^{۴۱} بیانات منتسب به حضرت نقطهء اولی مندرج در صفحه ۸۱ مطالع الانوار

^{۴۲} دور بهائی، ص ۱۴

^{۴۳} ظهور عدل الهی، ص ۳۴

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "فقط یک نفس که به بلوغ معنوی واصل شده و از درک روحانی و معرفت عمیق نسبت به امر الهی نصیب و بهره برده، می‌تواند مملکتی را مشتعل سازد - قوه‌ی امر الهی آنقدر عظیم است که می‌تواند از طریق مجرای پاک و پاکیزه و عاری از هر گونه نفس‌طلبی باشد، عمل کند."^{۴۴} بدیهی است که با اعانت نیروی شگرف، دستاوردها به مراتب بیشتر می‌تواند باشد. در مقایسه با نیرو بشری به تنهایی، با استفاده از اسب و شخم قطعه‌گسترده‌تری از زمین را می‌توان شخم زد و آماده‌کشت نمود. اگر تراکتوری جایگزین اسب شود، تأثیر حاصله چند برابر خواهد شد.

"اسّ اساس و مقصود از شریعت الهی " تقویت روابط با خداوند - یعنی "ترقی روحانی باطنی" است.^{۴۵} این رابطه باید در انضباط روحانی روزمره‌ها، به دقت تمام پرورش یابد. این جریان مشابه عملکرد رادیو است.

اطلاعات توسط امواج رادیو توسط ایستگاه فرستنده راهی هوا می‌شود. انرژی در آنجا است، اما شنونده تنها در صورتی از آن متأثر می‌گردد که رادیو روشن شده در کانال صحیح قرار گیرد. هرچه رادیو نسبت به امواج انتقالی دقیق‌تر تنظیم شده باشد، پرازیت کمتر و دریافت صدا واضح‌تر خواهد بود. به همین ترتیب نفس مستعد، از طریق دعا و سایر اقدامات روحانی، می‌تواند به مجرای که به طور دقیق تنظیم شده و مرتبط با خداوند و قوه‌ی ربّانی اوست تبدیل گردد. در این صورت این نفس از توان لازم برای نفوذ در دیگران برخوردار می‌شود.

مطالب خواندنی

۱- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "کافی نیست که شخص مؤمن فقط تعالیم الهیه را قبول و رعایت نماید؛ بلکه علاوه بر این، شخص باید احساسات روحانی خویش را که مخصوصاً از طریق دعا و مناجات حاصل می‌شود، در خود پرورش دهد. لذا آئین مبین بهائی مثل سایر ادیان الهی اصولاً دارای خصیصه معنوی و عرفانی است و هدف اصلی آن رشد فرد و اجتماع از طریق تحصیل فضائل روحانی و کسب قوای معنوی است." (راهنمای جوانان، ص ۱۰)

۲- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "مواهبی که انسان را از سایر مظاهر وجود ممتاز می‌کند در لطیفه‌ای مکنون است که از آن به روح انسانی، که عقل نیز از خواصّ ذاتی آن است، تعبیر می‌شود. این مواهب سبب شده که انسان را قادر بر ساختن بنیان تمدن سازد و از لحاظ مادی مرقه‌اش نماید. اما موفقیت در این امور هرگز سبب ارضاء روح انسانی نگشته است؛ زیرا روح انسانی لطیفه‌ای است که به عالم برتر مایل و به جهان غیب راغب است؛ پروازش به سوی حقیقت مطلقه و ذات لایدرک یا جوهرالجواهری است که نامش خداست و ادیان، که پی در پی در هر زمان به واسطه شمس ساطعه روحانی ظاهر شده و مهم‌ترین رابطه بین بشر و آن حقیقت غیبیه مطلقه بوده‌اند، همه سبب شده‌اند که استعداد و قوای بشری بیدار و مصفا گردد و توفیقات روحانی انسان با ترقیات اجتماعیش هم‌عنان شود." (وعده صلح جهانی، بند ۱۲)

^{۴۴} ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۱، شماره ۵۱۳/ج ۲، شماره‌های ۱۷۱۷ و ۱۹۷۲

^{۴۵} ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله مندرج در *Directives from the Guardian*، شماره ۲۲۳

- ۳- حضرت ولی امرالله می‌فرماید، "مع کلّ ذلك، احتبای الهی ... صرفاً مجراهایی هستند که ذات الهی از طریق آنها پیامش را به نوع بشر ابلاغ می‌کند. آنها وسائلی هستند که خداوند توسط آنها منویاتش را به خلقش انتقال می‌دهد... آنها باید به امدادات الهیه که حضرت بهاءالله به آنها وعده فرموده اطمینان راسخ داشته باشند، و با کسب قوت و روح حیات از این اعتماد تا آخر الحیات به بذل مجهودات ادامه دهند." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۰۴)
- ۴- حضرت بهاءالله در کلمات مکنونه عربی (فقره ۴) می‌فرماید، "یا ابن الانسان أُحِبُّتُ خَلْقَكَ فَخَلَخْتُكَ؛ فَأَحْبِبْنِي كَيْ أَدُكَّرَكَ وَ فِي رُوحِ الْحَيَاةِ أُتَبِّتَكَ." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۰۴)
- ۵- حضرت عبدالبهاء می‌فرماید "امیدوارم که ... روز به روز در محبت الهی و انجذاب به جمال باقی نیر آفاق بیفزاید. زیرا عشق الهی و محبت روحانی انسان را طیب و طاهر نماید ... و چون انسان به کلی به حق دل بندد و به جمال مطلق تعلق یابد، فیض ربّانی جلوه نماید." (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۹۷)
- ۶- حضرت بهاءالله می‌فرماید، "پس متابعت نفس ننمایید و عهدالله را مشکنید و نقض میثاق مکنید. به استقامت تمام به دل و قلب و زبان به او توجه نمایید و مباشید از بی‌خردان... از پروردگار خود مگسلید و مباشید از غفلت‌کنندگان." (دریای دانش، ص ۱۲۵ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۲۸)
- ۷- حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، "... باید اول قدم را بر میثاق ثابت نمود تا تأییدات بهاءالله از هر جهت احاطه کند و جنود ملاً اعلیٰ معین و ظهیر گردد و نصاب و وصایای عبدالبهاء در قلوب مانند نقش در حجر نافذ و باقی و برقرار ماند." (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۳۰)
- ۸- حضرت بهاءالله در (بند ۱۸۲) کتاب اقدس می‌فرماید، "اِغْتَسِمُوا فِي بَحْرِ بَيَانِي لَعَلَّ تَطَّلِعُونَ بِمَا فِيهِ مِنْ لِنَالِي الْحِكْمَةِ وَ الْأَسْرَارِ." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۰۴)
- ۹- بیت‌العدل اعظم در تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۸۸ می‌فرماید، "هر یک از یاران باید مستمراً به زیارت آثار مبارکه و نیز بیانات حضرت ولی محبوب امرالله پردازد، همیشه سعی و تلاش نماید که در مورد اهمیت آنها برای او و جامعه‌اش، به درکی جدید و بهتر نائل گردد. هر فردی باید در کمال اشتعال و انجذاب برای کسب هدایات الهیه، حکمت و قوت ربّانیه برای مبادرت به امور جالب رضای الهی دعا نماید و در جمیع اوقات و با منتهای قوت به خدمت حق پردازد." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۲۰۷)
- ۱۰- حضرت بهاءالله در سوره الملوک می‌فرماید، "مَنْ كَانَ لِلَّهِ، كَانَ اللَّهُ لَهُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ يَحْرِسُهُ عَنْ كُلِّ مَا يَضُرُّهُ وَ عَنْ شَرِّ كُلِّ مَكَّارٍ لَيْئِمٍ." (الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۳۷)
- ۱۱- در مکتوبی که کاتب حضرت ولی امرالله از طرف ایشان ترقیم نموده، آمده است، "... هیکل مبارک به شما توصیه می‌فرماید که در ایفای وظیفه‌ای که به اجرای آن موصّم شده‌اید، مداومت نمایید و اطمینان داشته باشد که با اعانت الهی قادر خواهید بود، دیر یا زود، به هدف خود نائل گردید. اتکاء و اتکال به ذات الهی فی الحقیقه قوی‌ترین و ایمن‌ترین سلاحی است که هر مبلغ بهائی می‌تواند به آن مجهّز باشد. زیرا به این وسیله هر قوه دنیوی مغلوب گردد و عبور از هر مانعی میسر شود." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۲۲۱؛ شماره ۱۷۰۸)

۱۲- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، " زیرا هسته ایمان مذهبی آن گونه احساسات پنهانی و عرفانی است که انسان را با خداوند مرتبط می‌سازد. این حالت ارتباط روحانی را می‌توان به وسیله دعا و تفکر به وجود آورد ... احتیاء، مخصوصاً جوانان، باید ضرورت دعا و مناجات را کاملاً احساس نمایند. زیرا دعا و مناجات برای رشد و کمال روحانی آنها اهمیتی بسزا دارد..." (راهنمای جوانان، ص ۹ و ۱۱)

۱۳- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "صلوة فرض و واجب است چه که منتج به خضوع و خشوع گردد و منجر به توجه الی الله و بیان خلوص و ایمان به او شود. انسان با نماز با خداوند انس و الفت گیرد و به او تقرب جوید و با محبوب قلب خود مکالمه کند و به مدارج روحانیه واصل شود." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۴۴)

۱۴- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "سؤال کرده‌اید که آیا ادعیه ما از حضرت بهاءالله هم فراتر می‌رود؛ همه چیز به این بستگی دارد که آیا ما مستقیماً به سوی آن حضرت دعا می‌خوانیم یا از طریق ایشان خدا را مخاطب قرار می‌دهیم. هر دو کار را می‌توان انجام داد، و می‌توان مستقیماً نیز به سوی خداوند دعا کرد؛ اما اگر خداوند را از طریق مظهر ظهورش، یعنی حضرت بهاءالله، خطاب کنیم، به مراتب مؤثرتر و برخوردار از نورانیت بیشتر خواهد بود." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۴۸۹)

۱۵- حضرت بهاءالله در (بند ۱۴۹) کتاب اقدس می‌فرمایند، "أتلوا آیاتِ اللهِ علی قدرٍ لا تأخذُكمُ الكِسَالَةُ و الأحرانُ لا تحمِلوا علی الأرواحِ ما یکسلها و یثقلها بل ما یخفها لتطیر بأجنحة الآیات الی مطلعِ البیتات. هذا أقربُ الی اللهِ لو أنتم تعقلون."

۱۶- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "وَ إِذَا نَجَى رَبُّهُ وَ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ وَ اسْتَفَاضَ مِنْ بَحْرِهِ فَفَنَسَ هَذَا التَّضَرُّعَ نَوْراً لِقَلْبِهِ وَ جَلَاءَ لِبَصَرِهِ وَ حَيَاةً لِرُوحِهِ وَ غُلُوّاً لَكَيْنُونَتِهِ ... فبهذه الانجذابات تزداد السعة و الاستعداد؛ و إذا اتسع الآناء زاد الماء و إذا زاد العطش، عذب فی ذوقِ الانسان فیض الغمام." (بهاءالله و عصر جدید، ص ۱۰۸)

۱۷- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "عابد حقیقی در حین نماز و دعا، باید سعی کند از خداوند زیاد تقاضای اجابت امیال و آمالش ننماید، بلکه آمال و منویات خویش را با مشیت الهیه منطبق سازد. فقط با چنین تلقی و نگاهی است که می‌توان به آن احساس آرامش و رضایت باطنی نائل شد که فقط قدرت دعا به تنهایی می‌تواند ایجاد کند." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ص ۲۳۹)

تشریح با مثال

حضرت شوقی افندی جوانی فوق‌العاده استثنایی بودند، و البته ایشان حضرت عبدالبهاء را می‌پرستیدند. و وقتی که حضرت عبدالبهاء صعود فرمودند، دنیا در نظرشان تیره و تار شد. گویی هر چه نور بود، رخت بر بسته بود. وقتی ایشان به ارض اقدس برگشتند، از آنچه که حضرت عبدالبهاء به ایشان فرموده بودند، این را در نظر داشتند - حالا به شما می‌گویم که ایشان چه فرمودند. ایشان فرمودند، "در نظر داشتیم که حضرت عبدالبهاء این افتخار را به من خواهند داد که مجمع عظیمی را دعوت کنم تا اعضاء بیت‌العدل اعظم را انتخاب نمایند. و تصور می‌کردم که در الواح وصایای مبارک در این مورد هدایات لازم را فرموده‌اند که چه باید کرد."

ایشان فرمودند، "اما به جای آن متوجه شدم که به عنوان ولی امرالله منصوب شده‌ام ... میل نداشتم ولی امرالله باشم. اولاً فکر نمی‌کردم لیاقت آن را داشته باشم. ثانیاً، مایل نبودم با این مسئولیت‌ها روبرو شوم ... نمی‌خواستم ولی امرالله باشم. می‌دانستم که به چه معنی است. می‌دانستم که زندگی من به عنوان یک بشر عادی تمام شده است." ایشان فرمودند، "میلی به آن نداشتم و مایل نبودم با آن مواجه شوم."

در ادامه فرمودند، "لذا ... یادم می‌آید که ارض اقدس را ترک کردم و به ارتفاعات کوهستانی سویس پناه بردم و با خودم جنگیدم تا بالاخره بر خودم غلبه کردم. بعد مراجعت کردم و توجه خود را بر خداوند متمرکز کردم و ولی امر شدم." بعد فرمودند، "حالا، هر یک از احبّاء در عالم، هر شخصی در جهان باید همین کار را بکنند. چه ایادی امر باشی، یا در زمره فارسان حضرت بهاءالله؛ چه عضو محفل ملّی باشی، یا مبلغ امرالله؛ چه مهاجر باشی یا عضو هیأت‌های اداری؛ صرف نظر از آنچه که هستی یا هر کاری که برای امر مبارک انجام می‌دهی؛ هر بهائی باید با خودش بجنگد و بر خود غلبه کند. و وقتی که بر خود غلبه کرد، فقط بعد از آن که بر خود غالب آمد، وسیله‌ای حقیقی برای خدمت به امرالله خواهد شد. مادام که چنین کاری را نکرده باشد، ابداً به توفیقات عظیمه نائل نخواهد شد. این نکته‌ای است که هر یک از احبّاء در سراسر عالم باید به آن واقف باشند."

این یکی از نکات اصلی است که مایلم از سخنرانی امشب فرا بگیرید و به خاطر بسپارید: یعنی هدایات حضرت ولی امرالله که هر فردی باید با خود بجنگد و بر خود غلبه کند، بر ماهیت پست و طبیعت دون خویش غلبه نماید، بر خود پیروز شود و توجه خود را بر خداوند متمرکز سازد تا روح قدسی الهی بتواند از طریق او عمل نماید. و وقتی روح القدس از طریق شما عمل کند، در این صورت شاهد انتصارات پیاپی خواهید بود. چون روح القدس وجه خلاق الهی است و جز حصول فتح و ظفر و حصول توفیقات برای امر مبارک کاری نمی‌تواند انجام دهد. (نقل از سخنرانی ایادی امرالله جناب لروی آیوآس، *In the Days of the Guardian*)

مطالعهء بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

<p>این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟</p>	<p>محتوای این فقره چیست؟</p>
--	------------------------------

سؤالات بدون جواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید.

۱-
۲-
۳-
۴-

سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعه فردی تهیه شده است. برای ملاحظه سؤالاتی جهت مطالعه گروهی، به بخش "بحث" در صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- چهار طریقی را که افراد با خداوند رابطه‌ای روحانی ایجاد می‌کنند تا مجرای برای جریان قوه الهی گردند، ذکر کنید:

الف - -----

ب - -----

ج - -----

د - -----

۲- کدام یک از عبارات زیر در مورد دعا و مناجات صحیح است:

الف - انس و الفت با خداوند از طریق دعا صورت می‌گیرد.

ب - دعا برای رشد روحانی ضروری و حتمی است

ج - تا حدی که می‌توانید باید دعا کنید.

د - شما در دعا با خدا مکالمه می‌کنید

ه - هر چه که بخواهید می‌توانید از خدا تقاضا کنید

و - دعا برای استعداد و قابلیت شما می‌افزاید

جوابها

در زیر جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطه شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

۱- از طریق تعامل با کلام الهی، حبّ الهی، ثبوت بر عهد و پیمان، و توکل به ذات حق

۲- الف، ب، د، ه، و صحیح است. در مورد الف و ب به بیان شماره ۱۲؛ برای د به بیان شماره ۱۳؛ برای و به بیان شماره ۱۶ مراجعه کنید. در مورد ج، حضرت بهاءالله توصیه می‌فرماید آنقدر دعا و مناجات نخوانید که سبب کسالت روح شود و بار سنگینی بر روان شما وارد گردد. به شماره ۱۵ مراجعه نمایید. در مورد ه، اگرچه حضرت ولی امرالله می‌فرماید بهترین راه این است که دعا بخوانید تا خود را با اراده الهی تطبیق دهید (بیان شماره ۱۷)، اما حضرت عبدالبهاء می‌فرماید که، "آنچه خواهی از فضل لانهایه الهی خواه." اما در ادامه آن توصیه می‌فرماید، "اما اگر به وصیت من توجه داشتی جز دخول به ملکوت ابهی نمی‌خواستی، و غیر از مواهب جمال ابهی نمی‌طلبیدی..." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۴۱)

بحث

ماهیت چهار وجه پیوند ما با خداوند را که در این فصل مطرح شده مورد بحث قرار دهید. آنها چه ارتباطی با یکدیگر دارند. آیا در استعاره‌ای که حضرت ولی امرالله در بیان مبارک در بخش "توضیح" برای هر یک از وجوه مزبور به کار برده‌اند، اهمیت خاصی مشاهده می‌کنید؟ (مثلاً کلام الهی به عنوان سنان، و غیره.)

درباره دیدگاه بهائی در مورد دعا بحث کنید. چرا دعا می‌کنیم؟

مقصود حضرت بهاءالله چیست که می‌فرماید، "اتلوا آیات الله علی قدر لاتأخذکم الکیسأله"؟ این مورد در خصوص دعا و مناجات شما چگونه صادق می‌آید؟ (به شماره ۱۵ در "مطالب خواندنی" اشاره شود.)

تفکر و تعمق چیست؟ چگونه به تعمق می‌پردازید؟

برای خودتان: حالت "احساس عرفانی پنهانی" بین خود و خدا را ارزیابی کنید. برای تقویت این پیوند چه می‌توانید بکنید؟

ضمیمه :

در انتهای این فصل قسمتی تحت عنوان ((عبادت جمعی خداوند)) قرار گرفته است که دارای ۳ فصل می‌باشد و در انتهای آن به عنوان فعالیت عملی این فصل افراد می‌بایست به تشکیل جلسات دعا اقدام نمایند .

عبادت جمعی خداوند

فصل اول

قوا و مزایای جلسات دعا

هدف : درک اهمیت جلسات دعا و مزایای روحانی عمیق آن

بخش اول

می دانیم که شوقی طبیعی در هر نفس برای تقدیم مدح و ستایش به ساحت خداوند آفرینش وجود دارد. بنابراین، سودمند خواهد بود که به بعضی از فقرات مزبور نگاهی دیگر بیندازیم و در این باب لختی بیندیشیم، تا آن که با مسرت تام و شادمانی تمام، در حالتی که قوای طبیعی ارواح ما مشتاق است با روح اتحاد با دیگر مؤمنین به پروردگار به عبادت حضرت کردگار بپردازد، به کار جمعی مبادرت ورزیم.

در تلاوت مناجات لذتی است و رای جمیع لذتها و خوشی ها، و حلاوتی در تلاوت آیات و ترنم کلمات الهی است که در نهایت آرزوی مؤمنان است و منتهی رجای عاشقان. (ترجمه) ۱

مزایای بسیاری که در تلاوت مناجات و مدح و پرستش خداوند برای هر فرد و خانه او به ارمغان می آورد. در آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در کمال وضوح و روشنی ذکر شده است.

طوبی لمحمل و لبیت و لمقام و لمدينة و لقلب و لجبل و لكهف و لغار و لأودیة و لبر و لبحر و لجزیره و لدسكرة
ارتفع فیها ذکر الله و ثنائہ. ۲

پس بدان در هر خانه ای که خداوند پرستش شود و به سوی او مناجات تلاوت گردد، و ملکوتش اعلام گردد، آن خانه براستی باغ الهی است و بهشت مسرت خدایی. (ترجمه) ۳

خوشا به خانه ای که به رحمت آکنده از مهرم نائل گشته باشد، خانه ای که یاد من در آن گرمی داشته شود، و به حضور احبای من زینت یافته باشد، احبائی که به ستایش و پرستش من پردازند، به ریسمان لطف و عنایت من محکم چنگ زنند و به افتخار تلاوت آیاتم کامیاب شوند. براستی آنها بندگان والای منند که خدا آنها را ستوده است... براستی که او شنواست، پاسخ هر دعا را بدهد، و نسبت به همه چیز داناست. (ترجمه) ۴

۱- اصل بیان یافت نشد. مأخذ ۱۳. *Importance of Obligatory prayer fasting*, No. ۱۳. موارد مشابه از بیانات حضرت عبدالبهاء وجود دارد : " چون به مناجات در صلوة مشغول گردیم کل غموم زائل و روح و ریحان حاصل گردد؛ حالتی دست دهد که وصف نتوانم و تعبیر ندانم و چون در کمال تنبه و خضوع و خشوع در نماز بین یدی الله قیام نمائیم و مناجات صلوة را بکمال رقت تلاوت نمائیم حلاوتی در مذاق حاصل گردد که جمیع وجود حیات ابدیه حاصل کنند." (گنجینه حدود و احکام، ص ۲)

"عاشق را لذتی اعظم از مکالمه با معشوق نیست و طالب را نعمتی بهتر از مؤانست با مطوب نه. این است هر نفس منجذب به ملکوت الهی آرزویش که هر وقتی فراغت یابد و به محبوب خویش تضرع و زارر کند، طلب الطاف و عنایت نماید و مستغرق در بحر خطاب و تضرع و زاری گردد." (منتخباتی از مکاتیب، ج ۲، ص ۹۹)

۲- مضمون بیان حضرت بهاءالله چنین است : " خوشا به محلی، به خانه ای، به مکانی، به شهری، به قلبی، به کوهی، به پناهگاهی، به غاری، به دره ای، به سرزمینی، به دریایی، به جزیره ای و نه سبزه زاری که نام خداوند در آن یاد شود و به ستایش و پرستش پرداخته شود."

۳- *Tablets of Abdu'l-baha, vol. I, page ۶۸* و نیز انوار هدایت، شماره ۸۳۱

۴- اصل بیان حضرت بهاءالله عربی است. ترجمه انگلیسی آن در *Compilation of Compilation, vol. I, page ۳۸۵* مندرج است.

تمرین :

۱- عبارات بالا اشاره دارد که خانهای که در آن جلسات دعا برگزار می شود :

الف- -----

ب- -----

ج- -----

د- -----

بخش دوم :

غیر از خانه، قوای روحانی ساطعه از این اقدام می تواند تأثیرات گسترده ای در شهر و در کل کشور داشته باشد. وقتی که احبای مجتمع در جلسات دعا این اندیشه ها را به روشنی در ذهن داشته باشند، پیشرفتی را که می توانند نصیب جامعه و کشور خود سازند می تواند وسیع باشد.

به انعقاد جلسات پردازید و تعالیم آسمانی بخوانید و تلاوت کنید، تا آن بلد به نور حقیقت منیر گردد و آن کشور به قوه روح القدس جنت حقیقی شود، چه که این دور دور ربّ ابهی است و نغمه وحدت و یگانگی عالم انسانی باید به آذان اهل شرق و غرب برسد. (ترجمه) ۱

بقرار مسموع و معلوم، محفلی در نهایت جمال ترتیب دادهاید و تعدادی از شما در منتهای محبت و وحدت حضور پیدا می کنید و به انس و الفت می پردازید، آیات تلاوت می کنید، به مکالمات روحانی و بیان ملکوت مشغول می شوید. نفوس مبارکی هستید که چنین جلسه ای را به حضور خود آراستید و چنین ضیافتی بر پا کردید. آن اجتماع از ملاء اعلی کسب فیوضات کند و آن مرکز تحت صیانت فضل ابهی واقع گردد. (ترجمه) ۲

جلساتی که در کمال تقدیس و تنزیه ترتیب یابد، که نفوس به ذکر و فکر خداوند مشغول باشند، و آیات وحدانیت تلاوت گردد وادعیه ساحت رب الایات بیان شود و وصایا و نصایح جمال مبارک خوانده شود، چنین جلسات نورانی، روحانی، ربانی و آسمانی است. آنها وسایل تربیت عالم انسانی هستند. (ترجمه) ۳

۱- بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در *Tables of Abdu 'l-Baha, vol. III, page ۶۳۱*

۲- بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در *Tables of Abdu 'l-Baha, vol. III, page ۶۳۲*

۳- بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در *Tables of Abdu 'l-Baha, vol. III, page ۶۷۶*

تمرین:

- ۱- ما باید به انعقاد جلسات و ----- و ----- تعالیم آسمانی بپردازیم تا ----- به نور ----- ، ----- گردد و آن ----- به قوه ----- ، ----- حقیقی شود.
- ۲- آن اجتماع از ----- اعلی کسب ----- کند و آن ----- تحت ----- فضل ابهی واقع شود.
- ۳- جلساتی که در کمال ----- و ----- ترتیب یابد، که نفوس حاضر به ----- و ----- خداوند مشغول باشند و ----- وحدانیت ----- گردد و ادعیه ساحت رب الایات بیان شود و ----- و ----- جمال مبارک خوانده شود، چنین جلساتی ----- ، ----- و ----- است. آنها وسایل ----- عالم انسانی هستند.

بخش سوم

اگر چه مدتی طول خواهد کشید تا هر شهر و بلده ای دارای مشرق الاذکار شود، اما برای اقدام به دعای جمعی نیازی نیست که منتظر چنین زمانی شویم. این جلسات را می توان در خانه احباء، در حظایر القدس و سایر اماکن مناسب تشکیل داد.

در سالهای اخیر در اثر تشویق های بیت العدل اعظم بسیاری از جوامع شروع به سازماندهی جلسات مرتب دعا کردند، که به روی کلیه مردم باز است. در بعضی از جوامع، احباء، به عنوان مبادرت به خدمت، داوطلب شده اند که جلسات مرتب دعا در خانه خود تشکیل دهند، و به این طریق توانسته ایم تعداد اجتماعات دعا و مناجات و از این قبیل را به میزان قابل توجهی افزایش دهیم. امید چنان است که مطالعه فقرات ذیل شما را قادر سازد مبادرت به اقدامات مشابهی در جامعه خود را مد نظر قرار دهید.

یکی از ویژگیهای جامعه بهائی عبارت از اجتماع احباء در هر یوم در ساعاتی بین طلوع فجر و دو ساعت بعد از طلوع شمش برای استماع کلام الهی و تلاوت آیات و ادعیه خواهد بود. در بسیاری از جوامع در حال حاضر، علی الخصوص نواحی روستایی، چنین اجتماعاتی طبیعه متناسب با الگوی زندگی روزمره یاران خواهد بود، و در نقطه ای که به این ترتیب عمل شود تاثیر به سزایی در پرورش اتحاد جامعه محلی و تربید معارف یاران نسبت به تعالیم مبارکه خواهد داشت مشروط بر آنکه چنین جلساتی توسط محفل روحانی محلی به طور منظم و مرتب سازماندهی شود. حضور در این جلسات اجباری نیست، اما امید می رود که یاران به نحوی دائم التزاید در این اجتماعات حضور یابند. این هدفی است که می توان تدریجاً به آن نائل گردید. (ترجمه، پیام نوروز ۱۳۱ بدیع مهد اعلی)

تمرین:

- ۱- چه امری به عنوان یکی از ویژگیهای جامعه بهائی توصیف می شود؟
- ۲- مزایای چنین اجتماعاتی چیست؟

همانطور که اخیراً در پیام دیگری (۱) متذکر شدیم شکوفایی جامعه مخصوصاً در سطح محلی نیاز به تحولی مهم در نحوه رفتار دارد؛ نحوه رفتاری که نمایانگر فضایل افراد عضو جامعه به صورت گروهی و نحوه عمل محفل روحانی در ایجاد وحدت و یگانگی در جامعه و تحرک و رشد آن باشد... لازمه این تغییر، دعا و مناجات و تبتّل دسته جمعی یاران است. بنابراین برای حیات روحانی جامعه لازم است که احبّاء جلسات منظمی برای دعا و مناجات در حضیره القدس های محلی (اگر وجود داشته باشد) یا در محل های دیگر، حتی در منازل خود، تشکیل دهند. (پیام رضوان ۱۵۳ بدیع)

تمرین:

- ۱- تجلی جمعی فضائل افراد عضو جامعه به چه صورت می تواند ظاهر شود؟
- ۲- در حیات روحانی جامعه چه امری ضرورت دارد؟

رشد روحانی حاصل از عشق و ایمان فرد به وسیله معاشرت محبّت آمیز بین یاران در هر نقطه با عبادت به عنوان یک جامعه و نیز با خدمت به امر مبارک و سایر آحاد نفوس بشری تقویت و تحکیم می شود. این وجوه جمعی حیات معنوی با حکم مشرق الاذکار که در کتاب اقدس نازل شده مرتبط است. اگر چه هنوز زمان مقتضی برای ساختن مشارق الذکار محلی فرا نرسیده، امّا انعقاد جلسات مرتّب دعا و مناجات که شرکت در آن برای عموم آزاد است و مشارکت جوامع بهائی در طرح های خدمت انسان دوستانه تجلیات این عنصر و مرحله ای دیگر در اجرای حکم الهی است. (ترجمه- پیام ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹ بیت العدل اعظم)

تمرین:

- ۱- چه امری رشد روحانی منبعث از عشق و ایمان فرد را تحکیم می بخشد؟
- ۲- در زمان حاضر برای تجلی حکم مشرق الاذکار چه کاری می توانیم انجام دهیم؟

انسان ممکن است بگوید هر وقت میل داشته باشم به دعا می پردازم، وقتی که احساسات قلبیه ام را منجذب الی الله یابم، خواه در بیابان خواه در شهر یا هر کجا باشم. چه لزومی دارد به جایی بروم که دیگران در روز مخصوص و ساعت معین مجتمعند تا متفقاً با آن نفوس به دعا پردازم در صورتی که شاید حالت روحی آماده برای دعا و مناجات نداشته باشم. این طرز فکر خیالی باطل است، زیرا هر جا جماعتی مجتمعند قوتشان بیشتر است؛ افراد سپاه اگر تنها و منفرداً بجنگند هرگز قوه یک لشکر متحد را ندارند. پس اگر در این جنگ روحانی همه افراد لشکر متحد شوند آنوقت عواطف روحانی متّحده آنها معین یکدیگر بوده و ادعیه شان مقبول می شود. (از یادداشتهای خانم روزنبرگ، بهاءالله و عصر جدید، طبع برزیل، ص ۱۰۹)

تمرین:

- با توجه به متن فوق به اهمیت جلسات دعا در پیشرفت جامعه محلی خود تأمل و تفکر کنید.

۱- مقصود پیام ۳۱ دسامبر ۱۹۹۵ است که در طی آن نقشه چهار ساله اعلام گردید- م

فصل دوم

سازمان دهی جلسات دعا

هدف: درک ویژگی های برجسته جلسات که اقدام به دعای جمعی را الهام می بخشد

بخش اول

در یکی از یادداشت های اخیر (۱)، دارالتحقیق بیت العدل اعظم منتخباتی از مکاتیب نوشته شده توسط بیت العدل اعظم یا از طرف آن معهد اعلی را در اختیار گذاشتند که حاوی هدایات ارزشمندی درباره جلسات دعا بود. چندین مضمون در این منتخبات برجسته تر بود.

- باید دقت کرد که از برقراری هر گونه اقدامات انعطاف ناپذیر و مناسک و شعائر تشریفاتی اجتناب شود. (گزیده های ۶۱)

- به احباء توصیه می شود که از ادعیه نازله از قلم حضرت بهاءالله و حضرت باب و نیز مناجات های صادره از قلم حضرت عبدالبهاء استفاده کنند. استفاده از ادعیه و منتخباتی از آثار مقدسه سایر ادیان مجاز است. (گزیده های ۷۲ و ۷۳)

- شکل برنامه باید تا حدی مبتنی بر محیط، موقعیت و اهداف جلسه باشد. (گزیده های ۷۶)

- اقدام به عبادت جمعی یکی از عوامل مهم در شکوفایی حیات جامعه است؛ همچنین رشد روحانی فرد را تقویت می کند. (گزیده های ۴۳ و ۵)

- با توجه به علاقه ... به موضوع جلسات دعا، به نظر می رسد که ایشان احتمالاً مراجعه به مجموعه کلی تحت عنوان "دعا، تفکر و حالت تبتّل" را که چندی قبل توسط دارالتحقیق تهیه گردید و توسط تعدادی از مؤسسات مطبوعات امری انتشار یافت، مفید بیابند. این مجموعه در جلد دوم کتاب *Compilation of Compilations* نیز درج شده است.

لطفاً گزیده های زیر را مرور کنید و مضامین مربوطه را که در بالا به آن اشاره شد شناسایی کنید. در انتهای گزیده های مزبور مجموعه ای از پرسشهای مربوط به این گزیده ها مطرح می شود که به درک بیشتر و عمیق تر شما نسبت به هدایت ارزشمند محتوی آنها کمک می کند.

گزیده هایی از مکاتیب نوشته شده توسط بیت العدل اعظم یا از طرف معهد اعلی:

وقتی کسی در خلوت خویش به دعا و مناجات می پردازد ممکن است به موجب آنچه که ندای قلب او در این مواضع است عمل کند. اما وقتی که مناجاتها در جلسات زیارت می گردد، باید دقت کرد که حالت اقدامات

انعطاف ناپذیر و مناسک تشریفاتی به خود نگیرد. (ترجمه - مکتوب ۸ آوریل ۱۹۸۲ از طرف معهد اعلی به یکی از احباء)

بهائیان از این موهبت بر خوردارند که ادعیه نازله از قلم مظاهر ظهور الهی، حضرت باب و حضرت بهاءالله، و نیز مناجات های صادره از قلم حضرت عبدالبهاء را در اختیار دارند، که ما را در عشق و اخلاصمان هدایت میکنند، اما هیچ منعی بر زیارت دعاها یا منتخباتی از آثار مقدسه سایر ادیان وجود ندارد. اما حضرت ولی امرالله می

فرمایند(۲)، مقرون به صلاح و حکمت آن احباء از ادعیه عنایتی حضرت بهاءالله استفاده نمایند، نه آن که شکل تثبیت شده ای را که از طرف شخص دیگری عرضه می گردد به کار ببرند. (مکتوب ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۲ از طرف معهد اعلی خطاب به یکی از احباء)

شکوفایی جامعه خصوصاً در سطح محلی نیاز به تحولی مهم در نحوه رفتاری که نمایانگر فضایل افراد عضو جامعه به صورت گروهی و نحوه عمل محفل روحانی در ایجاد وحدت و یگانگی در جامعه و تحریک و رشد آن باشد. این تحول در نحوه رفتار ایجاب می کند که مابین عناصر تشکیل دهنده جامعه یعنی بزرگسالان، جوانان و کودکان در فعالیت های روحانی، اجتماعی و اداری هماهنگی ایجاد شود و همگی در نقشه های محلی به منظور تبلیغ و توسعه مشارکت یابند. لازمه این تغییر، دعا و مناجات و تبتل دسته جمعی یاران است. بنابراین برای حیات روحانی جامعه لازم است که احبّاء جلسات منظمی برای دعا و مناجات در حظیره القدس های محلی (اگر وجود داشت) یا در محل های دیگر، حتی در منزل خود تشکیل دهند. (پیام رضوان ۲۵۳ بدیع)

رشد روحانی حاصل از عشق و ایمان فرد به وسیله معاشرت محبت آمیز بین یاران در هر نقطه با عبادت به عنوان یک جامعه و نیز با خدمت به امر مبارک و سایر نفوس بشری تقویت و تحکیم می شود. این وجوه جمعی حیات معنوی با حکم مشرق الأذکار که در کتاب اقدس نازل شده مرتبط است. اگر چه هنوز زمان مقتضی برای ساختن مشارق الاذکار محلی فرا نرسیده، اما انعقاد جلسات مرتب دعا و مناجات که شرکت در آن برای عموم آزاد است و مشارکت جوامع بهائی در طرح های خدمت انسان دوستانه تجلیات این عنصر و مرحله ای دیگر در اجرای حکم الهی است. (ترجمه- پیام ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹ بیت العدل اعظم)

در تحولاتی نظیر افزایش استعداد افراد برای تبلیغ امر الهی که نمونه آن ازدیاد ابتکارات فردی است و در ازدیاد توانایی محافل روحانی و شوراها و لجنات برای هدایت مساعی یاران و نیز در ارائه نحوه های جدید تفکر و عمل که در طرز اقدامات جامعه محلی مؤثر واقع شده ضرورت نظام مؤسّسات آموزشی به منزله قوه محرکه جریان تبلیغ جمهور (۳) به ثبوت رسیده است ... همزمان با این اقدامات اعضای جامعه جهانی بهائی به توسل به نیروی دعا و مناجات توجه بیشتری مبذول داشته و به تأمل و تعمق در آثار مقدسه پرداخته و از فوائد و آثار روحانی شرکت در مجالس دعا و مناجات بهره مند شده اند. در اثر این عوامل که تقلیب روحانی فردی و گروهی را شدت می بخشد، جامعه روز به روز بزرگتر می شود. تعداد مصدقین جدید گرچه نسبت به سالهای اخیر افزایش قلیلی داشته اما مایه کمال خشنودی است که ملاحظه می شود از نظر جغرافیا یی گسترده بوده و پیوسته بخش های وسیع تری از جامعه را در بر گرفته و در جذب مصدقین جدید به حیات بهائی توفیق حاصل شده است استفاده از هنر از وسایل مهم نشر نجات الله و تبلیغ امرالله و تزئین معلومات امری و اعمال عبادتی و تبتل و ابتهاال در جامعه بهائی گشت. (پیام رضوان ۱۵۷/۲۰۰۰ بدیع)

بیت العدل اعظم هیچ تشکیل تثبیت شده ای را توصیه نفرموده اند که در مرقد مبارک رعایت شود، اعم از اینکه دعا باشد، یا تبتل و تضرع یا زیارت آثار مبارکه، مشروط بر آنکه اقداماتی که انجام می شود در حالت توجه و دعای نفوس حاضر در مرقد مبارک ایجاد اختلال ننماید. معهد اعلی نسبت به اجرای آوازهایی که با موسیقی در

مجاورت مقامات مقدسه اجرای شود نظر مساعد ندارند. همانطور که کاملاً متوجه هستید، خواندن آوازهایی از این قبیل کاملاً ممکن است مخلّ حالات روحانی کسانی شود که در داخل اعتاب مقدسه به دعا و نیایش مشغولند. البته در مراقع خاصی مانند تکریم ایّام متبرکه در مرکز جهانی بهائی، ادعیه و مناجات‌ها در جلسات منعقد در مجاورت یکی از مقامات متبرکه زیارت می‌گردد، و زیارت نامه تلاوت می‌گردد. یک برنامه روحانی، همراه با موسیقی تکنوازی یا ارکستر، نیز جهت اجرا در ماه می ۲۰۰۱ در مدخل ورودی طبقات مجاور مقام اعلی برنامه ریزی شده است. (ترجمه - مکتوب ۶ نوامبر ۲۰۰۰ از طرف معهد اعلی خطاب به یکی از محافل روحانی محلی)

سؤال کرده اید که تلاوت ادعیه ای جز آنچه که از قلم طلعات مقدسه امر مبارک نازل شده توسط یاران مجاز است یا خیر و سؤال خود را با نقل موردی آغاز کرده اید که دعایی از منبعی متفاوت در یکی از جلسات عمومی امری تلاوت شده است. هیچ منعی بر تلاوت ادعیه از منابعی جزء آثار مقدسه بهائی در آثار مبارکه ملاحظه نشده است. بلا تردید آگاهی که در برنامه های دعا و مناجات در مشارق اذکار استفاده از کتب مقدسه سایر ادیان آسمانی، که می تواند شامل ادعیه نیز بشود، مجاز است. شما تصریح نکرده اید که آیا نگرانی شما در مورد ادعیه ای است که از سایر کتب مقدسه می باشد یا توسط افراد نوشته شده است. به بهائیان عموماً توصیه می شود که از کلام خلاق الهی، از جمله ادعیه و الواح نازله از کلک اطهر حضرت بهاءالله، حضرت باب و صادره از قلم حضرت عبدالبهاء، که موثق و مندرج در کتب و نشریات امری است، استفاده نمایند. در مکتوب ۸ اوت ۱۹۴۲، که از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از محافل روحانی ملی نوشته شده، خاطر نشان شده است که اگر چه ادعیه خود انگیخته مجاز است، اما آیات نازله مرجحند زیرا " کلام منزله الهیه موهوب به قوه ای از آن خود است." بنابراین، یاران باید در حین تبتل به درگاه حق در کمال سرور و بشاشت از این ادعیه استفاده نمایند. اما، این بدان معنی نیست که علاوه بر این ادعیه و مناجات‌ها، آنها حق ندارند، در خلوت خود، هر زمان که احساس تمایل نمودند، از کلام خود استفاده کنند. (ترجمه - مکتوب ۲۷ ژوئن ۲۰۰۱ از طرف بیتالعدل اعظم خطاب به یکی از احباء)

۱- یادداشت مورخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۱ - م

۲- مکتوب ۲۷ ژانویه ۱۹۵۲ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء

۳- توضیح مترجم: در متن انگلیسی " جریان دخول افواج مقبلین " آمده شده است.

فصل سوم

جلسات دعا و تبلیغ

هدف : درک اهمیت ازدیاد جلسات دعا در یک مجموعه هم جوار و استفاده از آن به عنوان بانی برای " دخول افواج مقبلین "

بخش اول

جلسات دعا چگونه با تبلیغ ارتباط می یابند؟

در هر کجا که مؤسسه کار آموزی به خوبی پایه گذاری شده و پیوسته فعالیت داشته سه جزء اصلی یعنی گروه های مطالعاتی، جلسات دعا و کلاسهای تربیت امری به آسانی رو به تزاید است. شرکت متحریان حقیقت به دعوت دوستان بهائی شان در این فعالیتهای، بعدی جدید به اهداف و مقاصد این مؤسسات افزوده که منتج به تسجیل مؤمنین جدید شده است. این تحول مطمئناً راهی را می گشاید که نوید بخش امکانات اعظیم برای اقدامات تبلیغی است. فعالیت های مؤسسات کار آموزی که در ابتدا به منظور استفاده احباء الهی ترتیب داده شده بود، به طور طبیعی ابوابی را برای ورود افواج مقبلین مفتوح می سازد. ترکیب شدن گروه های مطالعاتی با جلسات دعا و مناجات و کلاسهای تربیت امری در محدوده مجموعه های نقاط امری هم جوار الگو و نمونه ای از هم بستگی در اقدامات بدست می دهد که تشکل یافته و نتایج مطلوبی را نیز به بار آورده است. اطمینان داریم که به کار بستن این الگوها در سراسر جهان امکانات فراوانی برای پیشرفت امر الهی در سال های آینده فراهم خواهد آورد. (پیام رضوان ۱۵۹ بدیع)

تمرین :

- ۱- افزایش مشارکت متحریان در چه اقداماتی، راهی را می گشاید که نوید بخش امکانات عظیمی برای اقدامات تبلیغی است؟
- ۲- معنای کلمه " باب و ابواب " چیست؟
- ۳- بحث کنید که چگونه سه زمینه عملی می توانند ابوابی برای ورود افواج مقبلین باشند؟
- ۴- معنای کلمه همبستگی چیست؟
- ۵- نمونه های ملموسی بیان کنید که چگونه می توان سه زمینه عملی را به یکدیگر ارتباط داد به طوری که " نمونه ای از همبستگی در اقدامات " شوند.
- ۶- آیا " همبستگی در اقدامات " به این معنا است که باید سعی کنیم جلسات دعای خود را به بیوت تبلیغی تبدیل کنیم؟ اهمیت خلوص نیت و انگیزه در ارتباط با جلسات دعا را مورد بحث قرار دهید و سایر طرقی را که ما می توانیم برای هدایت مبتدیان خود جهت یادگیری مطالب بیشتر درباره امر بکار ببریم، را مورد بحث قرار دهید.

بخش دوم

نقشه فردی شما برای اقدام در جهت جلسات دعا چیست؟

سؤالات زیر را مد نظر قرار دهید :

- ۱- آیا می توانیم جلسه دعایی را در خانه خود یا نقطه دیگری بر گزار کنیم که بتوانیم دوستانم را به آن دعوت کنیم؟
- ۲- در چه فواصل زمانی جلسه دعا را برگزار خواهیم کرد؟
- ۳- چه تدارکی را باید برای تشکیل جلسات دعا پیش بینی کنیم؟
- ۴- چه لوازمی (کتاب های مناجات، نوار ضبط صوت، کارت های دعوت و غیره) نیاز خواهیم داشت؟
- ۵- چه کسانی را دعوت خواهیم کرد؟ فهرستی از نفوسی را که به امر مبارک نزدیکترند به عنوان اولویت اول تهیه کنید، نفوسی که آشنایان نزدیک هستند و استعداد و پذیرشی از خود نشان می دهند در اولویت دوم قرار دارند و آشنایان اتفاقی در اولویت سوم هستند.
- ۶- اگر نتوانیم جلسه دعا را شروع کنیم، آیا می توانم از جلسات دعای جامعه حمایت کنم؟

اخلاق حسنه

مقدمه

خُند روحانی باید ملبّس به خلعت اخلاق پسندیده باشد. حضرت بهاءالله می‌فرماید، "هر نفسی الیوم به جنود اخلاق و تقوی نصرت نماید و لله و فی سبیل الله بر خدمت قیام کند، البتّه آثارش در اشتهار ظاهر و هویدا گردد."^{۴۶}

وسیلّه لازم برای کسب اخلاق پسندیده همان قواعد روحانی است که در فصل ۲ بحث شد. قواعد انضباطی دعا و مطالعه، نبرد روزانه روحانی، تلاش برای به کار بستن تعالیم، و استقامت در عمل باید طوری عملی گردد که فضائل ربّانی کسب شود و به موجب آن عمل شود. در این فصل، تعدادی از موضوعات مرتبط در خصوص ماهیت و هدف از خُلق بهائی حقیقی مدّ نظر قرار خواهد گرفت.

این فصل دومین مورد از مسیر عملی است که جنود روحانی در امر حضرت بهاءالله باید در آن قدم بردارند. این چهار طریق مستقل از یکدیگر نیستند. اخلاق حسنه بر رابطه ما با خداوند (فصل ۳)، و تلاش‌های ما برای خدمت (فصل ۵) و تبلیغ (فصل ۶) تأثیر دارد. کسب صفات الهی بدون مشارکت در این سه زمینه امکان‌پذیر نیست. به این ترتیب، ترقی اخلاقی را در انزوا و دور از دیگران نمی‌توان به دست آورد. در واقع، تأمل و تفکر بیش از حدّ بر بعضی نقاط ضعف و نقائص خارج از متن حیات کامل بهائی ممکن است مانع از ترقی روحانی ما شود.^{۴۷}

اگر خود را بهائی بنامیم، و خلیقات ما در حال تغییر و تحوّل نباشد، در این صورت تعالیم حضرت بهاءالله، حیات ایشان، و فداکاری‌های ایشان تماماً بی‌نتیجه خواهد بود. زیرا هدف از ظهور مظهر الهی متحوّل ساختن نفوس انسانی و مزین کردن آنها به فضائل آسمانی است.^{۴۸} هیکل مبارک می‌فرماید، "اگر به هیچ وجه امورات ارض تغییر نیابد، ظهور مظاهر کلّیه لغو خواهد بود."^{۴۹}

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، "الیوم اعظم امور تعدیل اخلاق است و تصحیح اطوار و اصلاح رفتار."^{۵۰} حضرت ولی امرالله خاطر نشان می‌فرماید که، "... جوانان بهائی مخصوصاً بایستی همیشه کوشا باشند که سرمشق و نمونه حیات بهائی باشند." زیرا، "جهان از حرف خسته شده و تشنه عمل است و جوانان بهائی باید جوابگوی این انتظار باشند."^{۵۱}

^{۴۶} مجموعه اشراقات، ص ۲۸۰

^{۴۷} بیان بیت‌العدل اعظم مندرج در ص ۱۵۰ *Unrestrained as the Wind*

^{۴۸} لثالی حکمت، ج ۳، ص ۳۷۴ / مانده آسمانی، ج ۸، ص ۸

^{۴۹} کتاب ایقان، ص ۱۸۷

^{۵۰} مکاتیب عبدالبهاء، ج ۴، ص ۱۹۲

^{۵۱} نقل ترجمه از صفحه ۳۳ نمونه حیات بهائی، نشر دوم (۱۳۱ بدیع)

در این فصل به موضوعات زیر در رابطه با کسب اخلاق و صفات بهائی توجه خواهد شد:

- چرا باید حُسن خُلق داشته باشیم؛
- معیار بهائی در مورد اخلاق پسندیده؛
- جریان کسب اخلاق حسنه؛ و
- خودداری از ریا: اعمال ما باید منطبق با کلام ما باشد

توضیح

"سيف الأَخلاق و الآداب أحدٌ من سيوف الحديد." ^{۵۲} جُنْد روحانی، با این سلاح، می‌تواند در جهت "اصلاح عالم" ^{۵۳} بکوشد و می‌تواند به "هدف از این حیات" که "آماده ساختن روح برای جهان بعد است" ^{۵۴} نائل گردد.

تعالیم حضرت بهاءالله در مورد اخلاق حسنه را می‌توان با قوانین طبیعت مربوط به بوم‌شناسی مقایسه کرد. اگر آلودگی هوا یا تخریب محیط زیست تعادل بوم‌شناختی را بر هم زند، عواقب مصیبت‌باری دامن افراد و جامعه بشری را خواهد گرفت. اگر رهنمودهای مربوط به اخلاق حسنه ندیده گرفته شود، اثراتش در ترقی روحانی افراد و پیشرفت جامعه محسوس خواهد بود.

آثار مبارکه حاوی فقراتی است که رئیس کلی معیار اخلاقیات بهائی را به دست می‌دهد. حضرت بهاءالله به احتیاء توصیه می‌فرماید که خود را "مألاً به جمیع صفات مزبور، که مقام حقیقی انسان را به حیّر شهود آورد" ^{۵۵} متّصف سازند.

کسب اخلاق حسنه تلاشی است مربوط به تمام عمر که مستلزم بذل مجهودات و رعایت انضباط روحانی است. در جواب فردی که سؤال کرد چگونه به صفات بسیاری که برای فرد بهائی لازم است، متّصف شود، حضرت عبدالبهاء فرمودند، "کم کم؛ روز به روز."

"راه سخت و ناهموار است؛ ... اگر یاران بیاموزند که بر طبق تعالیم حضرت بهاءالله زندگی کنند، متوجه خواهند شد که حقیقتاً قوای غیبیه شامل حال آنها گشته و همواره حمایت و اعانت الهی در دسترس است و موانع مرتفع و در خاتمه موفقیت حتمی و قطعی است." ^{۵۶}

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "انسان آنچه به لسان گوید، باید به اعمال و افعال اثبات کند. اگر ادعای ایمان نماید، باید به موجب تعالیم ملکوت ابهی عمل نماید." ^{۵۷}

^{۵۲} حضرت بهاءالله - لوح مبارک خطاب به شیخ نجفی، ص ۲۲

^{۵۳} لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸۸ / دریای دانش، ص ۸۷

^{۵۴} ترجمه - بیت‌العدل اعظم؛ ۶ فوریه ۱۹۷۳ به یکی از احتیاء / انوار هدایت، شماره ۱۲۰۹

^{۵۵} ترجمه - منقول در صفحه ۷ *Trustworthiness*

^{۵۶} نقل ترجمه بیان حضرت ولی امرالله (۲۳ آوریل ۱۹۵۶)، از صفحه ۴۹ نمونه حیات بهائی، نشر دوم

^{۵۷} منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۳۵

کلمات زیبا بدون پشتیبانی عمل و اقدام مانند سرابی است در بیابان. برای کسی که در بیابان، مستأصل و سرگردان باشد، ظهور دریاچه می‌تواند این امید را بیافریند که تشنگی به پایان خواهد رسید و زندگی نجات خواهد یافت. متأسفانه، اگر دریاچه فقط سراب باشد، امید به پایان می‌رسد و وعده بعدی در مورد آب با تردیدی و بدبینی مواجه خواهد شد. اما، اگر دریاچه واقعیت داشته باشد، تشنگی را می‌توان فرو نشانید، روحیه را دیگر بار ارتقاء بخشید، و امید را به قلب باز گرداند.

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "موازین امری، بالاصحّ در مقایسه با اخلاقیات کاملاً فاسد دنیای فعلی، بسیار متعالی است."^{۵۸} این موضوع غالباً سبب می‌شود که زندگی طبق تعالیم مبارکه دشوار شود. با این همه، مقتضیات فعلی امر مبارک، که در حال خروج از مجهولیت است، "وظیفه‌ای اجتناب‌ناپذیر را بر عهده جوانان می‌گذارد که اطمینان حاصل نمایند زندگی آنها، در حدّ چشمگیری، آینه تمام‌نمای قوه متحوّل کننده ظهور جدید است ... اگر پیام شفابخش حضرت بهاءالله در جوانان، که در زمره پرانرژی‌ترین، تأثیرپذیرترین و نویدبخش‌ترین عناصر در جامعه هستند، هیچ تأثیر محسوس نداشت باشد، چگونه باید توسط عالم انسانی شکاک مورد تصدیق و تأیید قرار گیرد؟"

مطالب خواندنی

- ۱- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "حق ظاهر شده که ناس را به صدق و صفا و دیانت و امانت و تسلیم و رضا و رفق و مدارا و حکمت و تقی دعوت نماید و به اثواب اخلاق مرضیه و اعمال مقدّسه، کلّ را مزین فرماید." (لثالی الحکمه، ج ۳، ص ۳۷۴ / مائده آسمانی، ج ۸، ص ۹)
- ۲- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "از خداوند جلّ جلاله مسألت نماییم که جمیع احتبای آن ارض را به اتّصاف به اخلاق حسنه مؤید فرماید تا به ترویج عدالت و انصاف در میان امم ارض منتهی شود. مقصود اولیه و اساسیه از خلقت جز ظهور امانت و دیانت، صداقت و حسن نیت در میان نوع انسان نبوده و نیست؛ چه که این صفات سبب و علت صلح، امنیت و آرامش است. طوبی از برای کسی که به این فضائل متخلّق گردد." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۲۰۱۹)
- ۳- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "بهائیان باید در حفظ موازین امریه، هر قدر که در ابتدا مشکل به نظر برسد، منتهای جدّ و جهد را مبذول دارند. اگر جوانان پی ببرند که مقصود از احکام و موازین امریه آزاد شدن آنها از معضلات غیر قابل وصف روحانی و اخلاقی است، بذل این مجهودات آسانتر خواهد شد همانطور که درک صحیح از قوانین طبیعت، شخص را قادر می‌سازد که منطبق با نیروهای کره ارض زندگی کند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۲۱۶)
- ۴- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "اساس و بنیان زندگی در سبیل الهی بذل مساعی جهت وصول به اعتلاء اخلاقی و وصول به شخصیتی است که موهوب به صفات مرضیه الهیه باشد. بهائیان باید خود را به این قمیص مقدّس مزین و ملبّس سازند؛ با این سیف قویم باید حصون قلوب انسانی را تصرف کنند." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۱، شماره ۱۶۲)
- ۵- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "یا حزب‌الله به خود مشغول نباشید. در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید. اصلاح عالم از اعمال طیّبه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده. ناصر امر اعمال است و معینش اخلاق. یا اهل بهاء به تقوی تمسک نمایید. هذا ما حکم به المظلوم و اختاره المختار." (دریای دانش، ص ۸۷)

^{۵۸} ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۲۱۰

۶- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "اعمال و افعال حق مشهود و ظاهر؛ چنانچه در جمیع کتب سماویّه نازل و مسطور است، مثل امانت و راستی و پاکی قلب در ذکر حق و بردباری و رضای بما قضی الله له و القناعه ب ما قَدَرَ له و الصبر فی البلايا بل الشکر فیها و التوکل علیه فی کلّ الأحوال. این امور از اعظم اعمال و اسبق آن عند حق مذکور و دیگر مابقی احکام فروعیّه در ظلّ آنچه مذکور شد بوده و خواهد بود." (اقتدارات، ص ۱۶۲)

۷- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "حسن اخلاق و اصالت کردار که از مقتضیات آن صدق و صفا و محبت و وفا و امانت و دیانت و انصاف و عدالت و پاکی و طهارت است، باید در جمیع شئون و احوال مابه‌الامتیاز حیات جامعه و صفت ممیزه هر فرد بهائی مستظلّ در ظلّ کلمه ربّانی قرار گیرد." (ظهور عدل الهی، ص ۵۱)

۸- حضرت ولی امرالله، در توقیع ظهور عدل الهی، می‌فرمایند، "عفت و عصمت به نحو مستقیم و اخصّ مربوط به جوانان بهائی است که می‌توانند نسبت به پاکی و طهارت و تحرّک و فعالیت حیات جامعه کمک‌های قاطع و مؤثر مبذول داشته و در تعیین مقدرات و خطّ مشی آن در مستقبل ایّام همچنین ظهور کامل قوا و استعداداتی که به مشیت نافذۀ رحمانیّه در نهاد آن ودیعه گذاشته شده، سهم عظیمی بر عهده گیرند (س ۴۹)..."

این تقدیس و تنزیه با شئون و مقتضیات آن از عفت و عصمت و پاکی و طهارت و اصالت و نجابت مستلزم حفظ اعتدال در جمیع مراتب و احوال از وضع پوشش و لباس و ادای الفاظ و کلمات و استفاده از ملکات و قرائح هنری و ادبی است؛ همچنین توجه و مراقبت تامّ در احتراز از مشتتهیات نفسانیّه و ترک اهواء و تمایلات سخیفه و عادات و تفریحات رذیله مفطره‌ای است که از مقام بلند انسان بکاهد و از اوج عزّت به حضيض ذلّت متنازل سازد و نیز مستدعی اجتناب شدید از شرب مسکرات و افیون و سایر آلاینش‌های مضرّه و اعتیادات دنیّه نالایقه است (ص ۶۳)..."

۹- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "اقوال، افعال، افکار، عدم تعصّب، شرافت خصائل، نیت متعالی خدمت به سایر نفوس - در یک کلام، صفات و اعمالی که فرد بهائی را متمایز می‌سازد باید مستمراً توصیف‌کننده حیات باطنی و سلوک ظاهری بهائیان و روابط متقابل آنها با دوست و دشمن باشد... امید چنان است که عزم جزم نمایند که فضای محلّ تحرّک خود را، اعم از کلاس‌های درس یا تالارهای آموزش عالی، محلّ کار، تفریحات، فعالیت امری یا خدمات اجتماعی، اعتلاء و ارتقاء بخشند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۵۳ و ۲۱۵۴)

۱۰- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "تزیید معلومات و معارف، به کمال رساندن خود از لحاظ موازین فضیلت بهائی و تحسین اخلاق باید اعظم وظیفه هر جوان بهایی باشد." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۳۱)

۱۱- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "باید اوقات مخصوصه تذکّر و تنبّه و دعا و مناجات را فراموش ننمود ... نمی‌دانید که محبت خالصانه و صداقت و خلوص نیت چه اثری در نفوس نماید. ولی تحقّق این امر منوط به سعی و کوشش هر فردی از افراد در هر یومی از ایّام است." (مائده آسمانی، ج ۶، ص ۶)

۱۲- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "باید به خاطر داشت که هدف از این حیات مهیا کردن روح برای عالم بعداست. در این جهان باید سلطه بر نفس و هدایت غرایز حیوانی را آموخت، نه آن که برده آنها شد. حیات در این عالم عبارت از توالی امتحانات و کامیابی‌ها، شکست‌ها و ترقیات جدید روحانی است. گاهی اوقات مسیر ممکن است سخت دشوار به نظر برسد، اما می‌توان مکرراً شاهد بود که روح انسانی که در کمال استقامت از حکم حضرت بهاءالله اطاعت می‌نماید، هر قدر که سخت و دشوار به نظر برسد، از لحاظ روحانی رشد می‌کند، اما کسی که برای رسیدن به لذات ظاهری به مصالحه با حکم الهی می‌پردازد مشاهده می‌شود که تابع وهم و خیال است: او به لذت و مسرتی که طالب آن است واصل نمی‌شود، بلکه ترقی روحانی خود را به تعویق می‌اندازد و غالباً برای خود مشکلات جدیدی می‌آفریند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۲۰۹)

۱۳- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "برای بیت‌العدل اعظم نه امکان‌پذیر و نه مطلوب است که به وضع مجموعه مقرراتی بپردازد که در جمیع اوضاع و احوال کاربرد داشته باشد. این از جمله وظائف هر یک از احاد احباء است که، در کمال تضرع و ابتهال و با درک و برداشتی که از آیات غنی متعال دارد، تصمیم بگیرد که، در رابطه با اوضاع و شرایطی که در زندگی روزمره با آن مواجه می‌شود، نحوه سلوک او دقیقاً چگونه باید باشد. اگر بخواهد رسالت و مأموریت حقیقی حیاتش را به عنوان مؤمن به جمال مبارک تحقق بخشد، باید تعالیم مبارکه را الگو و سرمشق زندگی‌اش قرار دهد. فردی که به ردای ایمان مطرز شده، صرفاً به زندگی طبق مجموعه‌ای از مقررات خشک و انعطاف‌ناپذیر، نمی‌تواند به این مقصود نائل گردد. وقتی زندگی او در جهت خدمت به حضرت بهاءالله تنظیم گردد، و زمانی که به هر عمل آگاهانه‌ای طبق این ملاک و میزان مبادرت نماید، از وصول به مقصود حقیقی از حیات ممنوع نخواهد شد." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۲۰۷)

۱۴- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "قدرت الهیه قادر است خلقیات و خصائل ما را بالمره تبدیل نماید و ما را به موجودی دقیقاً مغایر با آنچه که قبلاً بوده‌ایم تبدیل فرماید. با دعا و تضرع، اطاعت از احکام الهی که حضرت بهاءالله نازل فرموده، و خدمت دائم‌التزاید به امر مبارکش، می‌توانیم خود را متحول سازیم." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۷۰)

۱۵- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "قل ایاکم یا ملأ البهء لاتکونوا بمثل الذین یقولون ما لایفعلونہ فی أنفسہم." (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۹۵)

۱۶- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "لازال هدایت به اقوال بوده و این زمان به افعال گشته؛ یعنی باید جمیع افعال قدسی از هیکل انسانی ظاهر شود. چه که در اقوال کلّ شریکند، ولكن افعال پاک و مقدّس مخصوص دوستان ما است. پس به جان سعی نمایید تا به افعال از جمیع ناس ممتاز شوید." (کلمات مکنونه، فقره ۷۵ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۹۵)

۱۷- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "جریان فعلی در جامعه متجدد و تباین و تضاد آن با اصول و تعالیم عالیه امر مبارک در زمینه سلوک اخلاقی، اصولی که با بذل مساعی باید بدان متّصف بود، احتیای الهی را در تصمیم راسخشان در جهت تمسک تام به موازین متعالیه عفت و عصمت و تنزیه و تقدیس که امر مبارک برای آنها وضع نموده، نه تنها متأثر و متزلزل نخواهد کرد، بلکه بالعکس باید آنها را تحریک و تحریض نماید که با عزمی جزم و تصمیمی راسخ، به ایفای وظائف مقدّسه خود و بالنّتیجه مبارزه با قوای اهریمنی که به انحطاط و اضمحلاس اساس حیات روحانی و اخلاقی فردی اشتغال دارند، مشغول و مألوف گردند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۲۱۹)

۱۸- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "در این یوم، تنها موردی که می‌تواند سبب نجات عالم از مصائب و ابتلائاتش گردد و قلوب اهل آن را مجذوب سازد، اعمال است نه اقوال؛ سرمشق عملی است، نه حکم و قاعده؛ فضائل قدسیه است، نه عبارات و منشورهای صادره از دولتها و ملت‌ها در خصوص امور اجتماعیه سیاسیة. در جمیع امور، اعم از کلی یا جزئی، قول باید مکمل عمل باشد، و عمل ملازم قول: هر یک باید مکمل، مؤید و تقویت کننده دیگری باشد. بهائیان در این رابطه است که باید متمایز باشند..." (ترجمه - توقیع فارسی ۸ دسامبر ۱۹۲۳ به احتیای بمبئی / *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۲۰۷۵)

۱۹- کاتب حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک خطاب به نوجوانان می‌نویسد، "امید هیکل مبارک چنان است که شما از لحاظ خلق و اعتقاد بهائی باشید. هدف غایی حضرت بهاءالله آن است که ما خلق جدید شویم؛ یعنی مردمی نیکوکار، مهربان، باهوش، صدیق و شریف که بر مبنای احکام و موازین این امر اعظم، که در این مرحله جدید از تکامل عالم انسانی ظاهر شده، عمل نمایند. خود را بهائی نامیدن کافی نیست، بلکه باید تا اعماق وجودمان، با تخلق به حیات بهائی، از نورانیت و شرافت برخوردار گردیم. (نقل ترجمه با اندکی اصلاحات، از صفحه ۲۵ "نمونه حیات بهائی" / *Compilation of Compilations*، ش ۱۳۰۰)

۲۰- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "باید اطفال صغیر به جان و دل مطلع بر آن شوند که بهائی به لفظ نیست، به معنی است. هر طفلی باید به تربیت الهی تربیت شود تا مجمع اخلاق حمیده گردد و سبب عزت امرالله شود، والا لفظ بهائی، بی ثمر، نتیجه ندارد." (منتخباتی از مکاتیب، ص ۱۳۹ / تربیت بهائی، ص ۴۰)

تشریح با مثال

خانمی از احتیای اولیه به عکا رفت. او از خانواده‌ای ثروتمند و از گروه مردمان اهل مد نیویورک بود. زندگی‌اش معمولی بود و تقریباً رضایتش را جلب نمی‌کرد. او قبلاً مسیحی مخلص و مؤمنی بود، اما نتوانسته بود آنطور که شاید و باید از دیانت خودش آرامش لازم را کسب کند. اندکی افسردگی پیدا کرده بود. موقعی که در سفر خارج از کشور بود، مطالبی در مورد حضرت عبدالبهاء شنید. با اشتیاق تمام پیام آن حضرت را گرفت و راهی شهری شد که ایشان در آنجا زندانی بودند. وقتی به مقصد رسید همه چیز او را مجذوب کرد و از همه بیشتر حضرت مولی‌الوری. او متوجه شد که حضرت عبدالبهاء همواره در هنگام روبرو شدن با او، می‌فرمودند، "مسرور باش." هیکل مبارک با سایر اعضاء گروه این برخورد را نداشتند. این موضع آزارش می‌داد. بالاخره از کسی خواست که از حضرت مولی‌الوری بی‌رسد که چرا اینگونه با او برخورد می‌فرمایند. هیکل مبارک با همان لبخندی که به نحو غریبی نور و سرور می‌بخشید، جواب دادند، "به تو می‌گویم مسرور باشی چون اگر مسرور نباشیم نمی‌توانیم به حیات روحانی پی ببریم."

در این حال، ترس و نگرانی خانم به پایان رسید و عدم اعتماد به نفسش همراه با نومیدی از بین رفت.

اشک‌ریزان پرسید، "اما بفرمایید که حیات روحانی چیست. از زمان تولدم درباره حیات روحانی مطالبی شنیده‌ام، اما هیچکس برایم توضیح نداده که این حیات روحانی چیست."

حضرت عبدالبهاء نگاهی دیگر، همراه با همان لبخند امیدبخش، به او انداختند و در کمال آرامش و متانت فرمودند، "به خصائل الهی متصف شو؛ حیات روحانی را می‌شناسی" - چند کلمه، اما برای رساندن مقصود کافی بود. خانم از خود پرسید مقصود حضرت عبدالبهاء چه بود. صفات و خصائل الهی چیست؟ باید صفاتی مثل محبت و جمال، عدالت و سخاوت باشد.

این معمای الهی تمام روز ذهنش را به خود مشغول ساخت، و در طول روز مسرور بود. ابدأً راجع به وظایفش فکر نکرد، و با این حال وقتی شامگاه فرا رسید تا به کارهایش رسیدگی کند، نمی‌توانست به خاطر بیاورد که کاری را انجام نشده رها کرده باشد.

بالاخره بارقه‌ای ذهنش را روشن کرد و تدریجاً مقصود را دریافت. اگر به سوی آرمانهای آسمانی جذب می‌شد، این افکار عالیه لزوماً در قالب افعال ظاهر می‌شدند، و روزها و شبهایش پر از نور و روشنی می‌گشت. از آن لحظه به بعد هرگز آن هشدار ربّانی را، که به او عنایت شده بود، فراموش نکرد: "به خصائل الهی متصف شو."

و او شناخت حیات روحانی را یاد گرفت.

(مأخذ: *Vignettes from the Life of 'Abdu'l-Baha*, اثر آناماری هانولد، ص ۱۷-۱۱۶)

جناب بدیع یکی از نوزده حواری حضرت بهاءالله بود. او جوانی هفده ساله بود که پیام حضرت بهاءالله خطاب به شاه را به او رساند. بعد از تسلیم موفقیت‌آمیز پیام، سه روز به دست فرآشان شاه شکنجه شد و سپس مجموعه‌اش را خرد کردند و جسدش را در چاه انداختند. بدیع، که زمانی جوانی ددرساز بود که فقط به خود فکر می‌کرد، توسط حضرت بهاءالله متحوّل شد.

در یکی از الواح ذکر شده که جناب بدیع دو مرتبه به تنهایی به حضور حضرت بهاءالله رسید. هیچکس نمی‌دانست در این ملاقات‌ها چه اتفاقی افتاد جز آن که حضرت بهاءالله فرموده بودند که قصد خلق بدیع دارند و جناب بدیع خود بر آن همه آگاه نبود. حضرت بهاءالله در لوح دیگری می‌فرمایند که به دست قدرت و اقتدار او را خلق بدیع فرمودند و چون کره آتش اعزاز داشتند...

وقتی جناب بدیع متوجه شد که حضرت بهاءالله در جستجوی کسی هستند تا لوح مخصوصی را برای ناصرالدین‌شاه، سلطان ایران، ببرد، او، با وقوف بر این که در این راه زندگی‌اش را فدا خواهد کرد، استدعا کرد به او اجازه داده شود این خدمت را انجام دهد. حضرت بهاءالله او را برای این مأموریت مهم پذیرفتند.

حضرت بهاءالله در لوحی خطاب به پدر جناب بدیع، به لحنی تکان دهنده اخبار هیجان‌انگیزی را که در زمان تشرّف پسرش به حضور سلطان ظهور به وقوع پیوسته بود، برای او بیان فرمودند. ایشان خاطر نشان می‌سازند که وقتی خواستند خلق جدیدی بفرمایند، جناب بدیع را احضار کردند که به حجره ایشان برود و یک کلمه به او فرمودند، کلمه‌ای که تمام وجودش را به لرزه در آورد... ید اقتدار، بنا به توصیف حضرت بهاءالله، شروع به خلق جدید او نمود و روح قدرت و اقتدار را در او دمید. القاء این قدرت، بنا به گواهی حضرت بهاءالله، چنان بود که او، اگر مأمور می‌شد، یکّه و تنها، با اعانت الهی و قدرت ربّانی، می‌توانست بر اهل عالم غلبه کند...

حاجی میرزا حیدرعلی گزارش زیر را که یکی از احبّاء به نام حاجی علی، گفته شده نقل می‌کند. حاجی علی در راه ایران با جناب بدیع ملاقات کرد و مسافتی را آنها با هم پیمودند:

"او سراپا نشاط و شادی بود و به صبر و شکرانه می‌پرداخت. من فقط می‌دانستم که او به حضور حضرت بهاءالله مشرف شده و اکنون به ولایت خود در خراسان بر می‌گردد. بارها متوجه شدم که در حدود صد قدم و یا کمتر یا بیشتر راه می‌رفت و سپس از جاده خارج شده رو به عکا سجده می‌نمود و می‌شنیدم که می‌گفت، «خدایا آنچه را که با فضلت به من بخشیدی با عدلت از من مگیر و به من قدرت حفظ آن را عطا بفرما.»" (نفحات ظهور، اثر ادیب طاهرزاده، ج ۳، صفحه ۸۴-۱۷۹)

مطالعهء بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟	محتوای این فقره چیست؟
---	-----------------------

سؤالات بدون جواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید. کلمات مکنونه منبع مناسبی است

۱-	
۲-	
۳-	
۴-	

کلمات مکنونه، اثر حضرت بهاءالله - حضرت عبدالبهاء فرمودند، "کلمات مکنونه تلاوت نمایید و به مضمون دقت کنید و به موجب آن عمل نمایید." (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۹۳)

سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعه فردی تهیه شده است. برای ملاحظه سؤالاتی جهت مطالعه گروهی، به بخش "بحث" در صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- (هر کدام را که مصداق دارد علامت بزنید.) کدام یک از موارد زیر هدف از اخلاق حسنه را توصیف می‌کند:

الف - هدف شما در زندگی است.

ب - هدف از خلقت است.

ج - شما را از مشکلات رها می‌سازد.

د - در انتشار امرالله کمک می‌کند.

۲- چهار فضیلت بنیادی را که بخشی از خُلقیات بهائی است ذکر کنید:

الف - _____

ب - _____

ج - _____

د - _____

۳- (هر کدام را که صحیح است علامت بزنید.) کسب اخلاق پسندیده مستلزم است:

الف - یک تلاش که یک بار انجام می‌شود

ب - از بین بردن غرایز حیوانی خود

ج - تمسک به مقرراتی که وضع شده

د - خدمت به امرالله

جوابها

ذیلًا جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطهء شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

۱- الف، ب، ج و د. در مورد الف نگاه کنید به بیان شماره ۱؛ برای ب نگاه کنید به بیان شماره ۲؛ برای ج نگاه کنید به بیان شماره ۳ و برای د نگاه کنید به دو بیان شماره ۴ و ۵.

۲- حضرت بهاءالله در بیان شماره ۶ به امانت، صداقت، طهارت قلب، تحمّل، تسلیم در مقابل اراده الهیه، صبر و شکر در سختی‌ها و توکل به خدا اشاره دارند. سایر بیانات مبارکه به فضائل دیگر اشاره دارند.

۳- د. در مورد د نگاه کنید به بیان شماره ۱۴. الف درست نیست، زیرا تلاش لازم باید کند و مداوم باشد. نگاه کنید به بیان شماره ۱۱ و نیز به بخش توضیحات. ب صحیح نیست؛ حضرت ولی امرالله توضیح می‌فرمایند که باید بر غرایز خود تسلط داشته باشیم و آنها را هدایت کنیم نه نابود نماییم. نگاه کنید به بیان شماره ۱۲. هدفی از این غرایز در نظر بوده است و ما مجازیم از مواهب زندگی لذت ببریم، اما باید غرایز خود را کنترل کنیم - قرار نیست آنها ما را کنترل کنند. ج نیز غلط است. نگاه کنید به بیان شماره ۱۳. تعالیم حاوی اصول و احکام است - برای هر موقعیتی نمی‌تان مجموعه‌ای از مقررات داشت.

بحث

آیا برای شما اهمیت دارد که اخلاق پسندیده داشته باشید؟ چرا؟

وقتی کسی در مورد اجرای احکام بهائی مصالحه می‌کند، چه اتفاقی می‌افتد؟ (به بیان شماره ۱۲ اشاره شود).

از کجا می‌دانید که به عنوان بهائی در هر موقعیتی که در زندگی روزمره ممکن است پیش آید، چگونه باید رفتار کنید؟ این مورد از چه لحاظ با به کار بردن مجموعه‌ای از مقررات متفاوت است؟ (به بیان شماره ۱۳ اشاره شود). آیا اوضاع و احوالی وجود دارد که در حال حاضر با آن روبرو باشید و مطمئن نباشید که چه باید بکنید؟

ریا چیست؟ چگونه بر مساعی ما برای حصول اخلاق حسنه تأثیر می‌گذارد؟ ما چگونه با این مسأله مبارزه می‌کنیم؟ چگونه ممکن است با بهائیان اطراف خود با تزویر و ریا عمل کنیم؟ (به بیانات نقل شده از ۱۵ تا ۲۰ اشاره شود)

زندگی همراه با خدمت

مقدمه

حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "طوبی از برای نفسی که در اوّل جوانی و ریعان شباب بر خدمت امر مالک مبدأ و مآب قیام نماید و به حبّش مزین شود. ظهور این فضل اعظم از خلقِ سموات و الأرض است. طوبی للراسخین و نعیماً للثابتین..."^{۵۹}

حضرت ولی امرالله نیز بر اهمّیت خدمت برای جوانان تأکید فرمودند، "تمام امید حضرت ولی امرالله برای ترقّی و توسعه آتی امر مبارک به احتیای جوان و فعالی مانند شما است؛ هیکل مبارک مسئولیت حفظ روح خدمت ایثارگرانه در میان سایر احتیای را به عهده جوانان می‌گذارند. بدون روح مزبور هیچ امری با موفقیت انجام نخواهد شد. اما وقتی این روح حاکم باشد، حصول فتح و ظفر، هر قدر که دشوار باشد، مسلم و حتمی است."^{۶۰}

در این فصل به مسیر سوم از طرق عملی برای جوانان توجّه می‌شود، یعنی در پیش گرفتن زندگی همراه با خدمت به حضرت بهاءالله.

نمای کلی

زندگی همراه با خدمت برای هر فرد بهائی متضمّن دو زمینه کاملاً مرتبط است: خدمت به عالم انسانی و خدمت به امر الهی. خدمت به عالم انسانی حول استفاده از داروی شفابخش حضرت بهاءالله برای درمان امراضی است که عالم انسانی با آن مواجه است. خدمت به امر مبارک متضمّن انواع وظایف برای رشد و توسعه امر مبارک است که می‌توان از طریق مهاجرت داخله یا خارجه انجام داد.^{۶۱}

جوانی دوران خاصی است که فرد برای مبادرت به خدمت در هر دو میدان مزبور آماده می‌شود. بیت‌العدل اعظم فرمودند، "تحوّلی که باید در فعالیت اجتماع صورت گیرد، مسلماً تا حدّ زیادی به اثربخشی تدارکاتی است که جوان برای جهانی که میراث آنها خواهد بود، تمهید می‌بیند."^{۶۲} معهد اعلیٰ خاطر نشان ساختند که حصول آمادگی مورد بحث برای جوان

^{۵۹} نقل از مقدمهء مجموعهء "جوانان"

^{۶۰} ترجمه - مکتوب اول سپتامبر ۱۹۳۳ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۹۴۰

^{۶۱} حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "جوانان که عمدهء فارغ‌البال تر از احتیای بزرگسال‌ترند، در موقعیتی جهت قیام به هجرت و سکونت در بلاد جدیدترند. تعداد زیادی از مهاجرین در امریکا، که بلاد محلّ تولّد خود، و غالباً سرزمین‌های بومی خود را ترک کرده‌اند ... جوانان بودند - برخی از آنها آنقدر جوان بودند که محافل ملی به اسکان آنها کمک کردند و خود آنها هنوز به سنی نرسیده بودند که به عضویت محافل انتخاب شوند." (ترجمه - مکتوب ۷ ژوئن ۱۹۴۶ به لجنهء ملی جوانان، ص ۱۸۷ *Unfolding Destiny*)

^{۶۲} ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۵۴

شامل مطالعه تعالیم، روحانی ساختن زندگی خود، و شکل گرفتن شخصیت آنها طبق موازین و معیارهای حضرت بهاءالله، کسب معلومات در زمینه علوم و فنون و هنرها، و فراگیری حرفه و فن است.^{۶۳}

اما، "هرگز نباید تصور کرد که جوانان باید منتظر بمانند تا به سنین بلوغ برسند و بعد بتوانند خدمات ارزشمندی را تقدیم امر الهی نمایند."^{۶۴} جوانان باید بلافاصله با مشارکت کامل در حیات جامعه^{۶۵}، تبلیغ - بخصوص تبلیغ همتایان خود^{۶۶}، و طرحهای توسعه یا خدمتی^{۶۷}، به خدمت پردازند. این خدمت فوری برای تقویت عالم بهائی آنقدر حائز اهمیت است که بیتالعدل اعظم از جوانان خواستهاند اوقات معینی را وقف بعضی از خدمات امری نمایند.^{۶۸}

توضیح

حضرت ولی امرالله خاطرنشان فرمودند که احباء "واسطه وصول فضل و عطاى الهی" اند.^{۶۹} بهراستی، بخصوص جوانان، به علت صفات و خصلت‌های خاص خود، "وسائل نیرومند"^{۷۰} برای اجرای امور مبارکند.

صفات و خصوصیات یک وسیله را در نظر بگیرید؛ ابزاری است بدون آن که از خود دارای اراده یا ارزش باشد. اما، دردست کسی که با مهارت از آن استفاده کند، قادر خواهد بود کار را با کارآمدی و اثربخشی تمام انجام دهد. همینطور، هر فردی از احباء که مایل باشد وسیله‌ای در دست خداوند باشد می‌تواند به ابزاری نیرومند برای تحقق مقصود الهی برای عالم انسانی تبدیل شود.

به‌علاوه، ابزاری با کیفیت بالا و پیچیدگی زیاد بر اثربخشی کارگر در انجام دادن کار می‌افزاید. مثلاً، برای آماده ساختن زمین جهت طرحی ساختمانی، شخصی که بولدوزر را می‌راند قادر است به مراتب بیشتر از کار با بیل، کارایی داشته باشد. به همین ترتیب، فردی از احباء اگر بهتر تعلیم دیده باشد، به نحوی مؤثرتر می‌تواند در اجرای کار خداوند از او استفاده کرد.

قیام به خدمت به امر الهی به عنوان وسیله‌ای برای مشیت الهی، منبع بالقوه انرژی را به خود جذب می‌کند. حضرت ولی امرالله فرمودند، "خدمت مغناطیس تأییدات الهیه است."^{۷۱} در این صورت این قوه روحانی به مجهودات فرد در خدمت به امر مبارک و عالم انسانی کمک می‌کند، و رشد روحانی فرد را تزیید می‌بخشد.

^{۶۳} پیام ۱۰ ژوئن ۱۹۶۶ مندرج در صفحات ۹۴-۹۵ *Wellspring of Guidance*

^{۶۴} پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ مندرج در صفحه ۹۲ *Wellspring of Guidance*

^{۶۵} از طرف حضرت ولی امرالله / مندرج در صفحات ۳۶-۳۷ *The Importance of Deepening*

^{۶۶} بیتالعدل اعظم؛ *Wellspring of Guidance* صفحات ۹۴-۹۵ / برای ملاحظه نگاهی عمیق‌تر به موضوع جوانان و تبلیغ به فصل ششم مراجعه نمایید.

^{۶۷} بیتالعدل اعظم؛ *Unrestrained as the Wind*، ص ۱۸۶

^{۶۸} *Unrestrained as the Wind*، ص ۱۸۶

^{۶۹} انوار هدایت، شماره ۴۵۹ / نقل ترجمه از صفحه ۴۶ قرن انوار

^{۷۰} پیام ۲۵ مه ۱۹۷۵ بیتالعدل اعظم به محافل ملی | *Unrestrained as the Wind*، ص ۱۰۴

^{۷۱} نقل ترجمه از صفحه ۴۵ نمونه حیات بهائی

حضرت ولی امرالله خدمت را به خیشی تشبیه می‌فرمایند که "زمین را شخم می‌کند تا برای بذرافشانی آماده گردد. لذا ضروری است که زمین را شخم زنند تا قوت یابد و موجب رشد سریع دانه گردد. عیناً به همین طریق نیز تکامل روحانی از راه شخم اراضی قلوب حاصل می‌گردد. پس این انعکاس دائمی روح‌القدس است که سبب نمو و ترقی روح انسانی می‌گردد و پیمودن مراحل ترقی را تسریع می‌نماید."^{۷۲}

مطالب خواندنی

۱- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "برای هر فرد جوان، اعم از بهائی یا غیربهائی، سنین جوانی دورانی است بسیار مهم. در این مرحله از حیات است که تصمیمات قاطعه اخذ شده و شخص بنای زندگانی خود را پی‌ریزی می‌نماید؛ در این سنین است که هر فرد به احتمال قوی سرنوشت آتیۀ خود را تعیین و نوع شغل و کار خود را انتخاب، معلومات خود را تکمیل و در امرار معاش تلاش می‌نماید. سپس به مرحله زندگانی مشترک وارد می‌شود و به تشکیل خانواده می‌پردازد و بالاتر از همه، در این دوره است که فکر جوان بیش از هر موقع در صدد تجسس و تحقیق بر می‌آید، مبادی و موازین روحانی را که هادی رفتار و اعمال آینده انسانی است اتخاذ می‌نماید. این عوامل است که بزرگترین فرصت‌ها و بزرگترین مبارزات و بزرگترین آزمایش‌ها را بر وجه جوانان بهائی مفتوح می‌کند؛ یعنی فرصت‌هایی به دست می‌دهد تا تعالیم الهی را کسب نموده و آن تعالیم مبارکه را به دوستان و اقربان خود منتقل نمایند و مبارزاتی پیش می‌آید تا بر مشاغل و ناملازمات حیات غلبه یابند و راه تقدّم و تعالی برای خود و نسل‌های آینده تأمین کنند و آزمایش‌هایی به میان می‌آید تا بتوانند موازین اخلاقی منبعثه از شریعت غراء جمال قدم جلّ اسمہ الأعظم را در زندگانی روزمره خود مجسم و محقق سازند." (پیام ۱۰ ژوئن ۱۹۶۶ / مجموعه دستخط‌ها، ص ۳۲۸ / جوانان، ص ۲۱)

۲- بیت‌العدل اعظم در پیام نوروز ۱۹۷۴ می‌فرمایند، "جوانان بهائی باید تشویق شوند که به تحصیلات و تعلیمات حرفه‌ای و شغلی خود به عنوان بخشی از خدمتشان به امر الهی و در متن ایام حیاتی که وقف پیشبرد مصالح امرالله خواهد شد، بیندیشند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۳۷)

۳- بیت‌العدل اعظم در پیام ۸ مه ۱۹۸۵ می‌فرمایند، "جوانان امروز، موهوب به این برتری و نیز خضوع و تواضع منطبق با آن، با استقامت و پایمردی و عبودیتی مشحون از عشق و محبت، باید به سوی صفوف مقدّم حرف، صنایع، هنرها و فنونی که برای پیشرفت بیش از پیش عالم انسانی ضروری است پیش بروند - این برای حصول اطمینان است که روح امر مبارک انوار خود را بر این زمینه‌های مهمّ مجهودات انسانی خواهد تاباند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۵۴)

۴- حضرت ولی امرالله در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۳۹ فرمودند، "شما، با آن که هنوز در عنفوان شبایید، باید از هم‌اکنون، با برقراری ارتباط نزدیک با سایر احتبای الهی، و با تمسک تامّ به مطالعات امری خود، سعی کنید خود را برای آن یومی مهیّا سازید که به عنوان عضو مسئول جامعه از شما خواسته خواهد شد در فعالیت‌های امری به طور کامل مشارکت داشته باشید، و با این ترتیب ثابت نمایید برای این اخوت جهانی که حضرت بهاءالله مؤسس آن است، عضوی ارزشمند و گرانقدر هستید." (ترجمه، *Compilation of Compilations*، ج ۲، صفحه ۴۲۸، شماره ۱۰۰۱)

^{۷۲} نقل ترجمه از صفحه ۴۷ نمونه حیات بهائی

۵- حضرت ولی امرالله به خطّ خود در تاریخ ۱۸ مه ۱۹۲۶ مرقوم فرمودند، "قویاً به شما توصیه می‌کند، در عین حال که به تحصیلات خود ادامه می‌دهید، تا آنجا که مقدور است اوقاتی را که می‌توانید به مطالعه کامل تاریخ و تعالیم امر مبارک اختصاص دهید. برای مبادرت به خدمت موفقیت‌آمیز آتی به امر مبارک، این شرط لازم است." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۲۲۳۸)

۶- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "محبت بندگان الهی محبت‌الله است و خدمت به عالم انسانی است." (خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۹)

۷- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "آرزوی من چنان است که به آنها مساعدت شود تا خادمان ملکوت آسمان گردند، و اسیران خدمت به مشیت الهی شوند. این اسارت آزادی است؛ این ایثار وصول به جلال و عظمت است؛ این زحمت موجد اجر جزیل است؛ این احتیاج عطای موفور است. چه که خدمت همراه با محبت به عالم انسانی عبارت از وحدت با خداوند است. نفسی که به خدمت پردازد به ملکوت داخل شده و بر یمین ربّ خود جالس شده است." (ترجمه - *Promulgation of Universal Peace*، ص ۱۸۶)

۸- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "در فکر آن باشید که خدمت به هر نفسی از نوع بشر نمایید ... هر نفسی از احتیای الهی باید فکر را در این حصر نماید که رحمت پروردگار باشد و موهبت آمرزگار؛ به هر نفسی که برسد خیری بنماید و نفعی برساند و سبب تحسین اخلاق گردد و تعدیل افکار." (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳)

۹- بیت‌العدل اعظم در پیام ۱۰ اکتبر ۱۹۸۳ به بهائیان عالم می‌فرمایند، "مألاً، از آحاد احتباء، اعم از شیخ و شاب، قدیم و جدیدالتسجیل، خواسته می‌شود [در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی] اقدام نمایند؛ قدم پیش گذارند و در میدان خدمت جایگاه خود را احراز کنند؛ میدانی که در آن، استعدادها و مهارت‌ها، تعلیمات تخصصی، منابع مادی، وقت و قوا و، مهم‌تر از همه، تعلق آنها به اصول امریه، را می‌توان برای بهبود سرنوشت انسان به کار گرفت." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۸۵۵)

۱۰- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "ثانیاً آن که چه اعمال صالحه در وجود اعظم از نفع عموم است؟ آیا موهبتی در عالم اعظم از این متصور که انسان سبب تربیت و ترقی و عزت و سعادت بندگان الهی شود؟ لا والله. اکبر مَثوبات این است که نفوس مبارکه دست بیچارگان را گرفته از جهالت و ذلت و مسکنت نجات دهند و به نیت خالصه، لله، کمر همت را بر خدمت جمهور اهالی بر بندند و خیر دنیوی خویشان را فراموش ننموده، به جهت نفع عموم بکوشند ... «خیرالنّاس من ینفع النّاس و شرّ النّاس من یضرّ النّاس»." (رساله مدنیّه، طبع کردستان العلمیه، ص ۱۲۲ / طبع آلمان، ص ۶۹)

۱۱- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "ای خوشا حال نفسی که خیر ذاتی خود را فراموش نموده، چون خاصان درگاه حقّ گوی همت را در میدان منفعت جمهور افکنده ... " (رساله مدنیّه، طبع کردستان ص ۱۳۷ / طبع آلمان، ص ۷۶)

تشریح با مثال

آن دسته از ما که او را قبل از رفتنش می‌شناختند، از تحوّل‌ی که پیش آمده بود حیرت کردند. قبلاً او زن خجالتی جوانی بود - البته مؤمن بود، اما جایگاهش در جامعه در ذهن خودش خیلی با احتیاط و دودلی تعیین می‌شد. والدینش سرشناس بودند. گویی در تلقّی و برخوردش نوشته شده بود، "من که هستم؟" اما امشب، سر حال، زیبا و با اعتماد به نفس، بر کرسی افتخار نشست و با لحنی آرام از تجربه‌اش برایمان سخن گفت؛ او جوان سیاه‌پوست امریکایی بود که به افریقا سفر کرد. داستانها پیاپی بر زبانش جاری می‌شد. آرام گفت، "زندگی‌ام را تغییر داد. کسانی که ملاقات کردم، مردمی که هیچ نداشتند، ماهیت حقیقی ایمان به حضرت بهاء‌الله را به من آموختند." بعدها، این داستان را برایم فرستاد:

"سفری تبلیغی، ما را به اعماق صحرای کالاهاری کشاند. عمیق‌تر از سفرهای قبلی بسیاری که به جنوب افریقا کرده بودیم. فقط راکی، از بومیان بوتسوانا صحرایش را می‌شناخت؛ همانطور که ما خیابانهای شهرمان را می‌شناسیم. راکی از کنار بوته‌ها و حوضچه‌های نمک که کیلومترها مانند دریاچه سفیدی گسترده بود، اتومبیل را می‌راند و جویای دوستان قدیمی بهائیش بود. سوار بر کامیونی بودیم؛ یازده جوان، بار و بُنه، ذخیره آب و غذا، و مرغی سخت آزرده‌خاطر و خشمگین؛ اینهمه در آن چپیده بودیم. مرغ هدیه‌ای از آخرین روستایی بود که همان روز صبح آن را ترک کردیم.

بعد از یک سواری طولانی در جاده‌ای پر دست‌انداز، اتومبیل در مقابل کلبه‌ای ایستاد؛ کلبه‌ای تک و تنها در وسط بیابان. راکی پیاده شده؛ زنی از کلبه در آمد؛ راکی او را در بغل گرفت. از دهان زن صداهایی خارج می‌شد، مانند صدای قدم‌های کودکی خردسال.

راکی، با چهره‌ای سنگین و گرفته، گفت، «می‌گه همسرش مریض و بدحاله.» تا آن موقع متوجه شوهرش نشده بودم؛ کنار پرچین دور کلبه داخل یک گودی نشسته بود. از کمر به بالا، هیكلی قوی و سالم داشت؛ اما پایین تنه‌اش چروکیده و جمع شده بود.

راکی ادامه داد، «می‌گه خیلی درد کشیده؛ چند هفته است که حرف نزده. دیروز این خانم آنقدر مستأصل بوده که دست به دعای مخصوصی برداشته؛ دعای شفا؛ و امروز ما اینجا رسیدیم.»

نگاهی به شوهرش انداختیم. با یکی از جوانانی که از کالیفرنیا آمده بود، گرم گفتگو بود؛ گفتگویی شاد و پر شور؛ به دو زبان کاملاً متفاوت، چون هیچکدام زبان دیگری را نمی‌دانستند.

موقع رفتن فرا رسید؛ راکی از آن خانم پرسید که آیا به چیزی احتیاج دارند. شوهرش جواب داد، "ما بهاء‌الله را داریم. هیچ چیز دیگری نیست که بتونیم به آن نیاز داشته باشیم."

(نوشتهء ملانی اسمیت از گزارشی از دورهء خدمت "کمبا توماس" در افریقا)

مطالعه بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟	محتوای این فقره چیست؟
---	-----------------------

سؤالات بدون جواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید.

۱-	
۲-	
۳-	
۴-	

سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعه فردی تهیه شده است. برای ملاحظه سؤالاتی جهت مطالعه گروهی، به بخش "بحث" در صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- سه راهی که جوانان می‌توانند خود را برای خدمات آتی آماده سازند، چه هستند؟

الف -

ب -

ج -

۲- دو زمینه‌ای که ما بهائیان به رقابت با هم‌دیگر تشویق می‌شویم چه هستند؟

الف - -----

ب - -----

۳- چهار طریقی که جوانان اکنون می‌توانند خدمت کنند فهرست کنید:

الف - -----

ب - -----

ج - -----

د - -----

جوابها

ذیلًا جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطهء شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

۱- جوانان با فرا گرفتن حرفه و فنی که بتوانند به عالم انسانی یا امرالله خدمت کند، می‌توانند برای خدمات آینده خود را آماده کنند (بیان شماره ۲)؛ می‌توانند به خطّ مقدّم هنرها، حرفه‌ها و مشاغل، خود را آماده کنند تا نور تعالیم را در این میدان بتابانند (بیان شماره ۳)؛ و تاریخ و تعالیم امر مبارک را به طور کامل مطالعه نمایند (بیان شماره ۴ و ۵).

۲- احباء تشویق می‌شوند که در خدمت به عالم انسانی (بیان شماره ۱۱) و خدمت به امرالله (بیان شماره ۱۶) از یکدیگر پیشی بگیرند.

۳- جوانان اکنون می‌توانند با تبلیغ همتایان خود (بیان شماره ۱ و ۱۳)، مشارکت فعال در حیات جامعه (بیان شماره ۱۴)، شرکت در طرح‌ها (بیان شماره ۱۵)، وارد شدن در دورهء خدمت (بیان شماره ۱۵)، کمک به کسانی که سر راه آنها قرار می‌گیرند (بیان شماره ۸)، شرکت در مجهودات توسعهء اجتماعی و اقتصادی (بیان شماره ۹ و ۱۰) و تأمین سایر خدمات به عالم انسانی (بیان شماره ۱۱-۶) به خدمت بپردازند.

بحث

شما در حال حاضر از چه طریق یا طرقی به عالم انسانی خدمت می‌کنید؟ آیا کاری هست که شما یا گروه دوستانتان بتوانند برای توسعه این مجهودات انجام دهید؟

در حال حاضر از چه طُرُقی به امر خدمت می‌کنید؟ چگونه - به طور فردی یا گروه همتایان بهائی - می‌توانید این مجهودات را توسعه دهید؟ اکنون برای بهتر آماده کردن خود جهت خدمات آینده به امرالله چه قدم‌های دیگری می‌توانید بردارید؟

چگونه به انتخاب حرفه و شغل یا آماده کردن خود برای آن می‌پردازید تا شما را به خدمت بهتر به عالم انسانی و امر الهی قادر سازد؟

ضمیمه :

تمرین :

با توجه به سؤال ۱ بحث برنامه ریزی شخصی شما برای خدمت چیست؟ برای آن که برنامه ریزی مزبور را تدریجاً عملی سازید و جامعه واقعبین بپوشانید چه قدم‌هایی می‌توانید بردارید؟

حال با دوستان هم گروهی خود قراری گذاشته و برنامه ریزی شخصی خود را به مدت یک هفته اجرا نمائید و پس از آن در مورد نتایج و نحوه ادامه دادن این خدمت با هم مشورت کنید .

تبلیغ

مقدمه

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "اعظم موهبت الهیّه تبلیغ است و سبب تأیید و اوّل تکلیف ماست. چگونه از این موهبت باز مانیم تا جان و مال و راحت و آسایش خویش را فدای جمال ابهی نماییم و تبلیغ امرالله کنیم."^{۷۳}

تبلیغ فقط یکی از خدمات بسیاری است که بهائیان تقدیم امر مبارک می‌کنند. با این حال این خدمت بی‌مثیل است و مقامی برتر از جمیع خدمات دیگر دارد. زیرا اگر فرد قیام به تبلیغ نکند، مقصود حضرت بهاءالله برای عالم انسانی تحقق نیابد.^{۷۴} اگر تبلیغ عملی نگردد، قلوب اهل عالم را نمی‌توان با قوای نور روشنی بخشید.

مسئولیت تبلیغ به طور اخصّ به عهدهء جوانان است. بنابراین، نقطهء تمرکز تمام این فصل بر این عنوان خواهد بود. اما تبلیغ - اگرچه از یک لحاظ بسیار ساده است - عنوانی وسیع است که در آثار حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم به آن بسیار توجّه شده است. در این فصل، در بهترین حالت، فقط می‌توان عنوان را معرفی کرد. مبلّغ شدن مستلزم آن است که هر یک از جوانان به طور مستمرّ به مطالعهء آثار مبارکه در مورد تبلیغ و دعا برای نزول تأییدات الهی بپردازند و برای تمرین این امر مهم و توسعهء مهارت‌های تبلیغی به اقدام مداوم مبادرت نمایند.

نمای کلی

بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۱۹۸۸ می‌فرمایند، "هدف اصلی و مقصد غایی کافهء خدمات امری تبلیغ امرالله است."^{۷۵} تبلیغ "خطّ مقدّم" نبرد روحانی نور و ظلمت است. با تبلیغ، قلوب نفوس به روی روح ایمان و عرفان حضرت بهاءالله گشوده می‌شود.

بنا به بیان حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله، جوانان مسئولیت خاصّی در قبال امر تبلیغ دارند. پیشرفت امرالله منوط به اقدام آنها است. این مسئولیت آنقدر مهمّ و حیاتی است که کلّ تعلیمات جوانان باید در جهت هدایت شود که آنها را به مبلّغین فعال و مؤثر تبدیل نماید.^{۷۶}

^{۷۳} ایام تسعه، ص ۴۸۳ (الواح وصایا)

^{۷۴} حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۷۲

^{۷۵} پیام رضوان ۱۹۸۸، بند ۸

^{۷۶} بیان حضرت ولی امرالله مندرج در انوار هدایت، شماره ۲۱۳۰

تبلیغ شامل موارد زیر می‌شود:

- تبلیغ کردن خویشتن (بَلِّغْ نَفْسَكَ) ^{۷۷}
- یافتن نفوس مستعد ^{۷۸}
- ابلاغ کلمه با رعایت حکمت ^{۷۹}
- جذب و هدایت نفوس به اقبال ^{۸۰}
- تحکیم احتیای جدید در خدمت فعال به امر مبارک ^{۸۱}

مبَلِّغٌ مُؤَثِّرٌ بُوْدُنٌ مُسْتَلزِمٌ تَمَسِّكٌ تَامٌ بَهْ هِدَايَاتٍ مُرْبُوْبٌ بَهْ تَبْلِيْغٍ مُنْدَرَجٍ دَرِ اَثَارِ مُبَارَكِهِ اَسْتُ. اِيْنِهَآ مَهَارَتْ هَايِ جَنُوْدِ رُوْحَانِيْ اَسْتُ كِهْ قَصْدُ فَتْحِ قُلُوْبِ اَهْلِ عَالَمٍ بَرَايِ پُرُوْرْدِگَارِشَانِ نَمُوْدَهْ اَنْد.

توضیح

تبلیغ اقدامی روحانی است. کار خدا است. کسانی که به این کار مبادرت می‌کنند، به نصرت الهی می‌پردازند. ^{۸۲}

حضرت بهاءالله خاطر نشان می‌سازند که خداوند به اشیاء مادی که مردم گرامی می‌دارند، میلی ندارد: "حقّ ... آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد بوده." حضرت بهاءالله توضیح می‌فرماید که احتیاء به منزلهء "مفاتیحند" تا ابواب قلوب را بگشایند. ^{۸۳} فرد بهائی با تبلیغ ابواب قلب را به روی روح ایمان و محبت به حضرت بهاءالله می‌گشاید.

حضرت بهاءالله تغییری را که از طریق تبلیغ حاصل می‌شود با تبدیل مس به طلا مقایسه می‌فرمایند. حضرت بهاءالله سؤال می‌کنند: "آیا اکلیل غلبه دارای آن قدرت بوده که اجزای مختلفهء در شیء واحد را تبدیل نماید و به مقام ذهب ابریز رساند؟ اگرچه تبدیل آن صعب و مشکل به نظر می‌آید، ولكن تبدیل قوهء ناسوتی به قوهء ملکوتی ممکن." ^{۸۴}

^{۷۷} آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۱۱۳

^{۷۸} پیام ۲۴ ژانویه حضرت ولی امرالله به احتیای آلاسکا مندرج در صفحه ۶۱ *Messages to Alaska*

^{۷۹} رسالهء راهنمای تبلیغ، تألیف محمدعلی فیضی، طبع ۱۲۸ بدیع، ص ۹۴

^{۸۰} حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۹۵

^{۸۱} حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۵۳

^{۸۲} مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، ص ۱۲۱ (قل إن نصری هو تبلیغ امری)

^{۸۳} مجموعه اقتدارات، ص ۳۲۴

^{۸۴} لغالی حکمت، ج ۳، ص ۳۷۷ / منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۳۱

حضرت بهاءالله توضیح می‌فرمایند که این تحوّل با کلمة الله حاصل می‌شود. به کسانی که به امر الهی اقبال کرده‌اند، "اکسیر احمر" عنایت شده که می‌تواند "نحاس عالم" را به ذهب ابریز تبدیل نماید. به آنها "دریاق اکبر از برای صحت بنی آدم" اعطاء شده است.^{۸۵}

به این ترتیب، تبلیغ عبارت از نصرت خداوند است تا مقصود او، یعنی متحوّل ساختن نفوس، حاصل شود. تبلیغ می‌کنیم چون عاشق جمال مبارکیم. موقع تبلیغ، قلب شخص را به حضرت بهاءالله و قوهء ظهور آن حضرت متصل می‌سازیم. در آن موقع، قوای نور در اختیار نفس مزبور قرار می‌گیرند تا آن را متحوّل سازند. به‌علاوه، سرباز روحانی جدیدی متولّد می‌شود: تبلیغ کامل نمی‌شود مگر آن که فردی که تازه ایمان آورده برای قبول مسئولیت‌های تبلیغ، ترقی روحانی و خدمت قیام کند.

اگر تبلیغ نکنیم، با قوای نور قطع ارتباط کرده‌ایم.^{۸۶} سرباز روحانی از قدرت ساقط می‌شود. به همین ترتیب، اگر ما به نحو مناسب و صحیح از اکسیر احمر استفاده نکنیم، تأثیر مطلوب را نخواهد داشت. قوای نور متمرکز نمی‌شوند. برای آن که بتوانیم در تبلیغ مؤثر باشیم، تا آنجا که می‌توانیم، باید طبق هدایات عمل کنیم و از آنچه که در مورد تبلیغ در آثار مبارکه ذکر شده پیروی نماییم.

مطالب خواندنی

ماهیت روحانی نشر نجات الله :

۱- " قل انا لو نريد لنصر الامر بكلمة من عندنا انه لهو المقتدر القهار لو اراد الله ليخرج من عرين القوة غضنفر القدرة و يزأر زئيرا يحكي هزيم الرعود القاصفة في الجبال انه لما سبقت رحمتنا قدرنا تمام النصر في الذكر و البيان ليفوز بذلك عبادنا في الأرض هذا من فضل الله عليهم ان ربك لهو الغنى المتعال " (لوح سيد مهدي دهجی از مجموعه الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده است. ص ۱۲۲ (لجنة نشر آثار امری لانگنهاین-آلمان. نشر اول -۱۳۷ بدیع)

مضمون پیام مبارک به فارسی: بگو، ما اگر می‌خواستیم خودمان این امر را یاری می‌نمودیم. برآستی که خداوند توانا و بخشنده است. اگر اراده فرماید، از بیشه‌های قدرت شیرهای قوت را نعره زنان بیرون می‌آورد شیرهای تنومندی که نعره آنها یادآور غرش و رعدهای پر صدا در کوهها است. در حقیقت به موجب رحمت و اسعه ای که بر همه اشیا سبقت یافته مقدور فرمودیم که پیروزی این امر تماما از طریق ذکر و بیان صورت گیرد، تا بندگان ساکن ارض به این فضل و رحمت فائز شوند و این موهبتی از جانب خداوند است که نصیب این خلق شده است.

۲- "... و آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد بوده. احبای حق الیوم بمنزله مفاتیح اند انشاءالله باید کل بقوت اسم اعظم آن ابواب را بگشایند. " منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۶۵

^{۸۵} منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۲۲ (شماره ۹۲)

^{۸۶} بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۲۰ *The Individual and Teaching*

۳- " عمیق شدن در امر یعنی آنکه انسان آثار حضرت بهاءالله و حضرت مولی الوری را چنان دقیق و کامل مطالعه کند تا بتواند امر الله را بصورت واقعی به دیگران معرفی نماید بسیاری از افراد دارای نظریات و عقایدی سطحی نسبت به منظور و مقصود امر الهی می باشند و لذا این نفوس آئین الهی را توأم با افکار و تصورات شخصی خود به سایرین معرفی می کنند چون امر الله هنوز مراحل اولیه را طی می کند باید نهایت دقت کنیم که مرتکب خطائی نشویم و آسیبی بر حرکت و جنبشی که آنقدر دوستش داریم نرسانیم .

برای مطالعه امر الهی حد و حصری وجود ندارد هر چه آیات الهی را بیشتر بخوانیم به حقایق بیشتری پی می بریم و به این حقیقت واقف می شویم که افکار و تصورات قبلی ما اشتباه بوده است " ترجمه - رقیمه مورخه ۲۵ اپریل ۱۹۲۶ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از اعضاء چاپ در *The Importance of Deepning Our Knowledge and Understanding of The Faith* (ویلمت- مطبوعات امری ۱۹۸۳) ص ۲۸-۲۹

۴- " ثم اعلم ان كلام الله عز و جل أعلى و أجل من ان يكون مما تدرکه الحواس لأنه ليس بطبيعة و لا بجوهر قد كان مقدسا عن العناصر المعروفة و الأسطقات العوالی المذكورة و انه ظهر من غير لفظ و صوت و هو أمرالله المهيمن على العالمين انه ما انقطع عن العالم وهو الفيض الأعظم الذي كان علة الفيوضات و هو الكون المقدس عما كان و ما يكون." لوح حکمت از مجموعه الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده است. ص ۸۳ (لجنة نشر آثار امری لانگنهاین-آلمان. نشر اول -۱۳۷ بدیع)

مضمون بیان مبارک به فارسی : " بدان که کلام خداوند عز و جل بلند مرتبه تر از آن است که حواس آنرا درک کند . زیرا آن کلام نه طبیعت است و نه جوهر و از تمام مواد شناخته شده و عناصر عالیه که در کتب ذکر شده به دور است . آن کلام بدون هیچ لفظ و صوتی ظاهر گشته است . امر خداوند است ، امری که مهیمن بر همه عالمیان است . هرگز از عالم منقطع نشده ، زیرا آن فیض اعظم خدا است که سبب و علت ظهور همه فیوضات عالم است و همان هستی است که از تمام هستیهای عالم ، یعنی از آنچه بوده و هست مبرا است "

۵- " کَلِمَا يَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ أَنَّهُ لِمَحْيِي الْأَبْدَانِ لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ. " منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، شماره ۷۴ مضمون بیان مبارک به فارسی : " هر آنچه از دهان او خارج می شود همان حیات بخش ابدان خواهد بود ، اگر بدانید . "

۶- " ای حبیب من کلمه الهی سلطان کلمات است و نفوذ آن لا تحصی . حضرت موجود می فرمایند : عالم را کلمه مسخر نموده و می نماید ، اوست مفتاح اعظم در عالم چه که ابواب قلوب که فی الحقیقه ابواب سماء است از او مفتوح. " لوح مقصود از مجموعه الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده است. ص ۱۰۷ (لجنة نشر آثار امری لانگنهاین-آلمان. نشر اول -۱۳۷ بدیع)

۷- " مطمئنا بهترین طریقه تبلیغ این است که نکات خود را با استناد مستمر به بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء مبرهن سازید . این امر باعث می شود که امرالله از تفسیر اشتباه افراد محفوظ ماند. چون هر چه در این آیات الهی است حقیقت است و لهذا باید مرجع مستند مطالب ما باشد .

ولکن منظور این نیست که آزادی ما در بیان محدود است. ما همیشه می توانیم راههای جدیدی برای رسیدن به حقیقت بیابیم و یا توضیح دهیم که چگونه در حیات و زندگی ما تأثیر می گذارد . هر چه مطالعه ما عمیقتر باشد ، درک ما از اهمیت و تاثیر تعالیم بیشتر خواهد شد. " ترجمه رقیمه مورخه ۱۶ فوریه ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء چاپ در *The Importance of Deepning Our Knowledge and Understanding of The Faith* (ویلنت- مطبوعات امری ۱۹۸۳) ص ۳۲.

۸- " اگر نفسی شخصی را بخاطر محبتی که به او دارد تبلیغ نماید ، پس نفسی را که محبتی به او ندارد تبلیغ نخواهد نمود . اگر نفسی را جهت دریافت اجر و ثواب تبلیغ نماید ، این هم لله نیست. اگر بخاطر اراده الهی تبلیغ کند ، تا مردم خدا را بشناسند ، و فقط به این دلیل ، آنوقت علم و حکمت الهی شامل حالش گردد و کلامش مؤثر افتد ، روح القدس تأیید نماید و در ارواح و نفوسی که آماده و مستعد استماع ندای الهی هستند تأثیر گزارد . در این حالت رشد و نمو مبلغ نود در صد و مستمع ده در صد است چه که به فضل و قدرت الهی مانند درختی پر ثمر گردد. " ترجمه (حضرت عبدالبهاء، درج در *Star of the West* " نجم باختر " ، جلد ۳ ، شماره ۱۹ (۲ مارچ ۱۹۱۳) ص ۱

۹- " عالم منقلب است و انقلاب آن یوما فیوما در تزیاید است ما نباید خاموش بنشینیم زیرا با خاموشی و سکوت سستی و تهاون در ایفاء وظیفه مقدس خویش می نمائیم . حضرت بهاءالله تعالیم خود را به ما ارائه فرموده اند که حفظ کنیم و برای سعادت و لذت شخصی خود نگهداریم . آن حضرت این موهبت را بما عنایت فرموده اند تا دهان به دهان تعالیم مبارکش را منتشر کنیم تا اهل عالم با آن آشنا شوند و از تأثیرات روح افزای آن غرق در سعادت و فیوضات الهی گردند. " ترجمه (از رقیمه مورخه ۲۷ مارچ ۱۹۳۳ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی محلی صادر شده، در اخبار امری چاپ شده است، شماره ۷۳، می ۱۹۳۳، ص ۲)

۱۰- بیتالعدل اعظم در پیام رضوان ۱۹۸۸ می فرمایند، " تبلیغ غذای روح است . جانهای خفته را نشئه تازه بخشد و سماء جدید و ارض جدید بیافریند. رایت وحدت و اتحاد در جهان برافرازد، عهد و پیمان را منصور و مظفر سازد و آنان که جان در سبیلش فدا نموده اند به شرف رضای محبوب فائز نماید. "

۱۱- حضرت بهاءالله می فرمایند، " یا حکیم، آیا اکلیل غلبه دارای آن قدرت بوده که اجزای مختلفه در شیء واحد را تبدیل نماید و به مقام ذهب ابریز رساند، اگرچه تبدیل آن صعب و مشکل به نظر می آید، ولیکن تبدیل قوه ناسوتی به قوه ملکوتی ممکن. نزد این مظلوم آنچه این قوه را تبدیل نماید اعظم از اکسیر است. این مقام و این قدرت مخصوص است به کلمه الله. " (لنالی حکمت، ج ۳، ص ۳۷۷)

۱۲- حضرت بهاءالله می فرمایند، " کتاب الهی ظاهر و کلمه ناطق ولیکن نفوسی که به او متمسک و سبب و علت انتشار گردند، مشاهده نمی شود الا قلیل و آن قلیل اکسیر احمر است از برای نحاس عالم و دریاق اکبر از برای صحت بنی آدم. " (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۲۲ (شماره ۹۲)

۱۳- در فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء میفرمایند : " مقصود اینست که باید نیت خالص باشد و قلب مستغنی و روح منجذب و فکر مستریح و عزم و اراده شدید و همت بلند و در محبت الله شعله افروخته باشد. " فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء ، مطبوعات امری ویلمت ۱۹۹۳، ص ۶۰

۱۴- و نیز در همین لوح می فرمایند : " ... از این جهان و جهانیان منزّه و مقدس شوید . نیت را خیر نمائید و تعلق به این عالم را قطع کنید و چون جوهر روح لطیف و خفیف گردید و با عزمی ثابت و قلبی طاهر و روحی مستبشر و لسانی ناطق بترویج تعالیم الهی پردازید... " فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء ، مطبوعات امری ویلمت ۱۹۹۳، ص ۷۲

۱۵- در رقیمه ای که از طرف حضرت ولی امرالله مرقوم گردیده است میفرمایند : " حضرت عبدالبهاء بما اطمینان داده اند وقتیکه خود را فراموش میکنیم و با تمام قوای خود سعی میکنیم که خدمت و تبلیغ امرالله کنیم ، تأییدات الهی شامل حالمان میشود. این ما نیستیم که کار میکنیم ولکن ما وسیله ای هستیم که در آن وقت از ما برای تبلیغ امر او استفاده میشود . " (ترجمه) رقیمه مورخه ۸ نوامبر ۱۹۵۶ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء چاپ در *Teaching The Baha'i Faith* مجموعه ای که بیت العدل اعظم تهیه نموده اند(مونا ویل- مطبوعات امری استرالیا ۱۹۹۵) شماره ۱۵۶، ص ۸۴-۸۵.

۱۶- در رقیمه ای دیگر توضیح میفرمایند : " فقط یک نفس بالغ با درک روحانی و علم عمیق امری میتواند یک کشور را مشتعل سازد. چه قدر عظیم است قوت امرالله که میتواند بوسیله نفوس مجرده خالصه عمل کند " (ترجمه) رقیمه مورخه ۶ نوامبر ۱۹۴۹ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء چاپ در *Teaching The Baha'i Faith* مجموعه ای که بیت العدل اعظم تهیه نموده اند(مونا ویل- مطبوعات امری استرالیا ۱۹۹۵) شماره ۱۲۴، ص ۷۶.

۱۷- حضرت عبدالبهاء می فرمایند : " قلوب خود را از تعلق به شؤون امروزه مبرا نمائید و به آینده بدیده ایمان بنگرید . امروز بذر کاشته شد " ترجمه خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ۱۹۱۱-۱۹۱۲، ص ۶۴

۱۸- نصیحت حضرت ولی امرالله بما است که : " بنابراین باید سعی موفور مبذول دارید تا مشعل ایمان در وجود خود بر افروزید. مطمئنا از طریق آن میتوانید هدایت و راهنمایی و قدرت و توانائی و موفقیت کسب نمائید. " ترجمه رقیمه مورخه ۱ سبتمبر ۱۹۳۳ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء چاپ در *Teaching The Baha'i Faith* مجموعه ای که بیت العدل اعظم تهیه نموده اند(مونا ویل- مطبوعات امری استرالیا ۱۹۹۵) شماره ۹۲، ص ۶۹.

۱۹- حضرت عبدالبهاء به ما میفرمایند : " پس زبان بگشائید و بکمال شجاعت در هر محفلی صحبت بدارید در وقت خطاب اول توجه ببهاءالله نمائید و تأییدات روح القدس بخواهید و زبان بگشائید و آنچه بر قلب شما القا میشود بیان نمائید ولی در نهایت شجاعت و متانت و وقار. " منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۲۱۶

۲۰- و در رقیمه ای که از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء مرقوم گردیده است در باره اطمینان قلب و قدرت و سر موفقیت مبلغ بهائی میفرمایند : " حتی اگر تنها هستی و هر چقدر مردم مخالفت کنند، باید ایمان داشته باشی که جنود ملأ اعلی با تو هستند. و با کمک آنها مطمئنا بر لشگر ظلمت که مقاومت امرالله میکند، غلبه خواهی کرد. بنابراین جهد کن ، خوشحال باش و اطمینان داشته باش. " رقیمه مورخه ۳۰ ژوئن ۱۹۳۷ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء چاپ در *Teaching The Baha'i Faith* شماره ۱۰۰، ص ۷۱. ترجمه

۲۱- حضرت عبدالبهاء به ما میفرمایند : " بساط تبلیغ باید در جمیع احوال ممدود گردد زیرا تأیید الهی موقوف بر آن اگر نفسی بجان و دل در نهایت همت کمر بر تبلیغ امرالله نبندد البته از تأیید ملکوت ابهی محروم ماند ولی باید که بحکمت باشد و حکمت اینست که بمدارای الهی و محبت و مهربانی و صبر و بردباری و اخلاق رحمانی و اعمال و افعال ربانی تبلیغ نماید نه اینکه بصمت و سکوت پردازد و بکلی فراموش نماید . " منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۲۱۳

۲۲- و در جای دیگر میفرمایند : " لا کل ما یعلم یقال و لا کل ما یقال حان وقته و لا کل ما حان وقته حضر اهله . ان ذلک من الحکمۃ البالغۃ فی الأمور فلا تغفل عنها ان کنت من اهل العزم فی جمیع الشؤون بل شخّص العلل و الأمراض و العیاء و الأعراض ثم العلاج و هذا منهاج المهره من حدّاق الأطباء " منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۲۱۴

مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: "نه هر چه دانستنی است، قابل گفتن است و نه هر آنچه گفتنی است، زمانش فرا رسیده و نه هرچه زمان گفتنش فرا رسیده، اهلس حضور به هم رسانده، این از حکمت های بالغه الهی در امور است. اگر بخواهی در همه شؤون زندگیتاز اهل عزم و اراده باشی، این حقیقت را به یاد داشته باش و از آن قافل مباش. ابتدا باید علل و امراض و ناتوانیها و بیماریها ره تشخیص دهی بعد به معالجه پردازی. این است راه و روش طبیبان حازق."

۲۳- حضرت بهاءالله میفرمایند : " و اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد یا نرسیده باشد بکمال لطف و شفقت با او تکلم نمایند و او را متذکر کنند من دون آنکه در خود فضلی و علوی مشاهده نمایند. " منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۵ (ویلمت مطبوعات امری، ۱۹۸۳)

۲۴- در بیانی دیگر میفرمایند : " ای اهل بها با جمیع اهل عالم بروح و ریحان معاشرت نمائید اگر نزد شما کلمه و یا جوهریست که دون شما از آن محروم بلسان محبت و شفقت القاء نمائید و بنمائید اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل و الا او را باو گذارید و در باره او دعا نمائید نه جفا لسان شفقت جذاب قلوب است و مانده روح و بمثابه معانیست از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانائی... " منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۳۲

۲۵- حضرت عبدالبهاء میفرمایند : " نفوسی مبعوث گردند... این نفوس شب و روز آرام نگیرند و آم نینند و فراغت نجویند در مضجع راحت نیارمند آسوده ننشینند آلوده نگردند اوقات را صرف نشر نفحات الله کنند و ازمانرا وقف اعلاء کلمه الله ... " منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۲۰۴

۲۶- حضرت عبدالبهاء به ما میفرمایند : " خود مبلغ باید در وقت تبلیغ بی نهایت متأثر باشد تا بیانش مانند شعله آتش تأثیر کند و پرده حجابات نفس و هوی بسوزاند . و باید در نهایت محویت و فنا باشد تا باهنگ ملاً اعلی تبلیغ کند و الا تأثیر ننماید. " منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۲۱۷

۲۷- و در بیانی دیگر ما را هدایت میفرمایند: " تعالیم الهیه در این دور نورانی چنین است که نباید نفوس را توهین نمود و بجهالت نسبت داد که تو ندانی و من دانم بلکه باید بجمیع نفوس بنظر احترام نظر کرد و در بیان و دلالت بطرز تحری حقیقت مکالمه نمود که بیائید مسائلی چند درمیانست تا تحری حقیقت نمائیم و ببینیم چگونه و چسانست . مبلغ نباید خویش را دانا و دیگرانرا نادان شمرد . این فکر سبب تکبر گردد و تکبر سبب عدم تأثر بلکه باید امتیازی در خود نبیند و با دیگران بنهایت مهربانی و خضوع و خشوع صحبت بدارد . این نوع بیان تأثیر کند و سبب تربیت نفوس شود." منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء

۲۸- بیان ذیل از یکی از توافیق حضرت ولی امرالله است که به ما انظار میفرمایند: "شاید علت عدم موفقیتتان در میدان تبلیغ همان است که بیشتر ناظر بضعف و عدم لیاقت خود برای اعلاء کلمه الله میباشید حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء کرارا تأکید فرموده اند که نظر بعجز خود ننموده بلکه جمیع توکل و اعتمادمان را بخدا واگذاریم بمحض اینکه قیام نمودیم و واسطه فعال فیض و نزول رحمت الهی گشتیم عون و عنایت حق شامل حال میگردد آیا تصور میکنید که مبلغین قادرند که عقائد را تغییر داده و یا قلوب را تقلیب نمایند کلا و حاشا آنها فقط نفوس مجرد ای هستند که خود را تسلیم نموده تا روح حضرت بهاءالله بهر نحو که اراده فرماید ایشان را بحرکت انداخته مورد استفاده قرار دهد. اگر نفسی از آنها و لو برای یک ثانیه فکر و یا تصور کند که خدمات او در نتیجه لیاقت شخصی او بوده کارش تمام و سقوطش شروع میگردد . این است منتهی علتی که عده ئی از اشخاص لایقه مقتدره با وجود خدمات جلیله بغتتا خود را بکلی عاجز یافتند و چه بسا که روح دافع امر آنها را چون نفوس عاطله متروک ساخت میزان موفقیت حدی است که خود را تسلیم نموده تا اراده حق بوسیله ما عمل نماید." ترجمه، از رساله راهنمای تبلیغ ص ۵۲

۲۹- حضرت ولی امرالله در ۳۱ مارس ۱۹۳۲ فرمودند، "آیا تصوّر می کنید مبلغین هستند که نفوسی را در زمره مقبلین وارد می کنند و قلوب انسانی را متحوّل می سازند؟ خیر؛ ابدأ. آنها فقط نفوس مطهره ای هستند که قدم اول را بر می دارند و سپس می گذارند تا روح حضرت بهاءالله آنها را حرکت دهد و از آنها استفاده نماید ... معیار این است که ما تا چه حد آماده ایم که بگذاریم مشیت الهیه از طریق ما عمل کند." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۰۳)

۳۰- بیت العدل اعظم در پیام ۴ ژوئیه ۱۹۸۳ به جوانان اروپا می فرمایند، "حال فرصتی فراهم آمده تا به جذب توجه، ایجاد اشتغال در قلوب و جلب حمایت فعال جوانان جمیع ملل و امم، طبقات و آیین های آن قاره پردازید. کلید موفقیت در این تلاش، اولاً، در عمیق تر کردن درک و برداشت از تعالیم امر مبارک است تا بتوانید آنها را در مورد مسائل افراد و جوامع به کار ببرید، و برای همگنان خود به طریقی که درک نموده استقبال نمایند، توضیح دهید؛ ثانیاً تلاش برای سرمشق قرار دادن رفتار و سلوک خود از هر جهت با توجه به موازین عالییه صداقت، امانت، شهامت، وفاداری، تحمل، طهارت و روحانیتی است که در تعالیم مبارکه مطرح شده است؛ و مهم تر از همه، زیستن با آگاهی مستمر نسبت به وجود قوه غالبه حضرت بهاءالله است شما را به غلبه بر جمیع وسوسه ها و عبور از جمیع موانع قادر خواهد ساخت. (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۴۵)

۳۱- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "با کسب درکی روشن از خصلت حقیقی رسالت و مأموریت خود، روشی‌هایی که باید اتخاذ نمود، مسیری که باید طی کرد، و به حدّ کفایت وصول به تجدید حیات روحانی فردی - که شرط اساسی تبلیغ است - با تقوی و پرهیزگاری، ایمان و ایقان، درک کامل و قوت تمام برای تبلیغ امرالله قیام کنیم. این اعظم وظیفه هر فرد بهائی است که بدون ادنی تأمل و درنگی به آن مبادرت نماید. آن را حدّ اعلای منویات و آمال خود در حیات عنصری قرار دهیم." (ترجمه - *Baha'i Administration*، ص ۶۹ | *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۹۲۹)

عمل نشر نجات الله :

۳۲- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "وظیفه تبلیغ اساساً مسئولیت احتیای جوان است. لذا کلّ تعلیمات آنها باید در جهت هدایت شود که آنها را به مبلغین باکفایت تبدیل نماید." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۳۰)

۳۳- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "...نسل جوان بهائی ... قطعاً به انتصارات عمده‌ای نائل خواهند شد. حضرت مولی‌الوری امر مهم و عظیم تبلیغ را به عهده آنان واگذار کرده‌اند. آنها همان کسانی هستند که ندای ملکوت را بلند کرده نفوس را از خواب بیدار می‌کند. اگر آنها قصور ورزند، امر مبارک دچار رکود خواهد شد." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۲۹)

ضمیمه :

به منظور کمک به شما در تفکر بیشتر راجع به اطلاعات و مفاهیمی که می‌خواهید برای اولین بار به شخص طالب حقیقت ارائه دهید. یک مثال فرضی در نظر خواهیم گرفت سعی کنید آن را حفظ کرده و به نحو مقتضی تمرین نمایید.

دیانت بهائی یک دیانت جهانی است و هدفش وحدت جمیع نژادها و ملیتها در یک آرمان بین المللی و دیانت واحد می‌باشد. بهائیان پیروان حضرت بهاءالله هستند، که به اعتقاد آنها موعود جمیع عصرها می‌باشند. همانطور که میدانیم، تقریباً همه ملل معتقد به آینده‌ای هستند که صلح و هماهنگی در روی کره ارض تأسیس گردد و نوع بشر در رفاه زندگی نمایند. اهل بها معتقدند که ساعت موعود فرا رسیده و حضرت بهاءالله آن شخص عظیمی هستند که تعالیشان بشریت را قادر بر ساختن عالمی جدید می‌سازد. در یکی از آثارشان حضرت بهاءالله می‌فرمایند:

"والذی جعله الله الدریاق الأعظم و السبب الأتم لصحته هو اتحاد من علی الأرض علی امر واحد و شریعة واحدة هذا لا یمکن ابدا الا بطیب حاذق کامل مؤید لعمری هذا لهو الحق و ما بعده الا الضلال المبین." "منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله (مطبوعات امری ویلمت ۱۹۸۳) شماره ۱۲۰.

مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: "آنچه که خداوند به عنوان داروی اعظم (پاد زهر) و وسیله اتم برای بهبودی عالم مقرر فرموده، اتحاد اهل ارض بر امر واحد و شریعت واحد است و این امر میسر نخواهد بود جز از طریق طبیعی حاذق و کامل که به تأییدات روح القدس مؤید است. سوگند به جانم که این حق واقع است و غیر از این جز گمراهی چیز دیگری نیست."

اولین تعلیم حضرت بهاءالله راجع به خداوند و رابطه ما با اوست. حضرت بهاءالله می فرمایند که ذات خداوند غیر قابل درک است. این بدان معنی است که ما نباید در ذهنمان از خداوند تصویری بسازیم. مثلاً بصورت یک انسان مجسم کنیم. بطور کلی، مخلوق قادر به درک خالقش نیست. برای مثال، میز نمی تواند به وجود نجاری که او را ساخته است پی ببرد. وجود نجار برای هرچه که می سازد کاملاً غیر قابل درک است.

خداوند خالق همه چیزها است. او آسمانها و زمین را و آنچه در او است از کوه ها و دره ها، صحراها و دریاها، رودخانه ها، سبزه زارها و درختان خلق کرده است. خداوند حیوانات را هم خلق کرده و همچنین خالق نوع بشر است. حضرت بهاءالله می فرمایند که علت خلقت کائنات، حب بوده. می فرمایند:

"یا ابن الإنسان! أحببت خلقتك فخلقتك فأحببني كي أذكرك وفي روح الحياة أثبتك" حضرت بهاءالله، (مطبوعات امری ویلمت ۱۹۹۰) کلمات مکنونه عربی شماره ۴.

مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: "ای پسر انسان، دوست داشتم تو را خلق کنم پس تو را آفریدم مرا دوست بدار تا یادت کنم و تو را به روح حیات پاینده سازم."

لذا با وجود اینکه ذات خداوندی بسیار دور از ادراک ماست، ولی حبش زندگی و وجود ما را دائماً تحت تأثیر خود قرار داده. حب او از طریق عهد و میثاق ابدی در وجود ما جاری می شود. به موجب این عهد و میثاق ابدی، خداوند هیچوقت ما را تنها و بدون هادی نمی گذارد. هر وقت که بشر از او دوری کند و تعالیمش را فراموش نماید مظهر ظهور جدیدی ظاهر شده و وصایا و نصایحش را به ما تعلیم می دهد.

کلمه ظهور به معنی آشکار شدن است، یا نشان دادن چیزی که پنهان بود. مظاهر ظهور الهی همان وجودات مقدسی هستند که برای نوع بشر وصایا و نصایح الهی را آشکار می نمایند. بدین ترتیب وقتی به کلام آنها گوش دهیم، آن چنان است که ندای الهی را اجابت کرده ایم.

مثالی است از عالم مادی که به ما کمک می نماید تا معنی "مظهر ظهور" را طبق تشریح حضرت بهاءالله درک کنیم. در این عالم، خورشید مصدر کلی حرارت و روشنائی است، بدون آن زندگی بر روی کره ارض غیر ممکن می باشد. به اضافه این که خورشید هیچ گاه به زمین نزول نمی کند، و اگر ما حتی سعی کنیم که به آن نزدیک شویم، به کلی از بین خواهیم رفت.

ولی فرض کنید که یک آئینه پاک برداریم و آنرا مقابل خورشید قرار دهیم. در آئینه تصویر خورشید را می بینیم، و هر قدر آئینه شفاف تر باشد تصویر خورشید در آن واضح تر دیده می شود. مظاهر الهیه مانند همان آئینه های شفاف هستند که انوار الهی را با تمام عظمتش برای بشر منعکس می کنند. و تمام این آئینه ها منعکس کننده یک نور هستند. در حالی که دسترسی به خداوند برای ما ممکن نیست، این وجودات مقدسه به تدریج برای ما ظاهر می شوند، بین ما زندگی می کنند، ما را هدایت می کنند، و سرشار از قوای لازمه برای پیشرفت مادی و معنوی می سازند.

اکنون می توانیم از طریق مظهر ظهور جدیدی با نام "حضرت بهاءالله" که به معنای شکوه و جلال خداوند است تعالیم الهی را به دست آوریم. تعالیم حضرت بهاءالله منطبق با شرایط امروز بشر است. اگر یک لحظه به وضع اسفناک بشر امروز توجه کنیم، در می یابیم که زمان ظهور پیامبر جدیدی رسیده است. حضرت بها الله در مورد روزی که ما در آن زندگی می کنیم فرموده است:

"امروز روز فضل اعظم و فیض اکبر است باید کل به کمال اتحاد و اتفاق در ظل سدره عنایت الهی ساکن و مستریح باشند و تمسک نمایند بر آنچه الیوم سبب عزت و ارتفاع است." منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۴.

یکی دیگر از تعالیم حضرت بهاءالله که از اهداف دیانت بهائیت، وحدت عالم انسانی می باشد. در تعالیم بهائی است که ما میوه های یک درختیم و برگهای یک شاخه. با اینکه ما از نظر ظاهری واحساس متفاوتیم، واستعداد وتواناییهای مختلفی داریم، ولی از یک ریشه به وجود آمده ایم، و همه متعلق به خانواده بشریم.

نوع بشر را می توان تشبیه به گلستان وسیعی نمود که در آن گلهایی با شکلهای، رنگها و عطرهاى مختلف در کنار هم روئیده اند، جذابیت و زیبایی گلستان به تنوع آن است ما نباید اجازه دهیم که اختلافاتی مانند قیافه ظاهری، خلق و خو، پیشینه و آرا و افکارمان سبب مجادله و کشمکش گردد. باید افراد نوع بشر را گلهای زیبایی ببینیم که در گلستان بشریت روئیده اند و از تعلق به این گلستان مسرور باشیم.

با اینکه وحدت نوع بشر حقیقتی غیر قابل انکار است، ولی مردم آنقدر از این حقیقت دور هستند که وحدت بخشیدنشان کار ساده ای نیست. وقتی فردی تصمیم می گیرد به جامعه بهائی بپیوندد او نیز با سایر بهائیان در تلاش ها برای ایجاد وحدت و حفظ آن شرکت خواهد کرد. ما همه در این تلاشیم که افکار و اعمالمان را با اعتقادمان به وحدت عالم انسانی در یک مسیر سوق دهیم. به ما گفته شده، زمانی که فکر جنگ در ذهنمان خطور می کند، باید فوراً آنرا به فکر صلح تبدیل کنیم زمانی که احساس نفرت در قلبمان نقش می بندد، آنرا به احساس عشق تبدیل نمائیم.

ما باید تا آنجا که میتوانیم بر تعصباتمان غلبه کنیم. تعصبات نژاد، رنگ، ملیت، عادات و تقالید، تعصب دینی و جنسی، اینها همه جزو بزرگترین موانع جهت ساختن جهانی بهتر هستند. بسیاری از تعالیم بهائی به ما می آموزد که چگونه در راه رسیدن به وحدت قدم برداریم و دیگران را در این راه یاری دهیم تا در این راه گام بردارند. حضرت عبدالبهاء (شخصی که بعداً در مورد ایشان توضیح خواهیم داد) می فرماید:

"حضرت بهاءالله دائره وحدت را ترسیم فرموده اند و طرحی برای وحدت مردمان و اجتماع ایشان در ظل سراپرده وحدت ارائه نموده اند و این از عنایات الهیست. همه ما باید با جان و دل بکوشیم تا حقیقت وحدت در بین ما جلوه نماید و هرچه بکوشیم قوت بیشتری نصیب ما خواهد شد." خطابات حضرت عبدالبهاء در پاریس ۱۹۱۱-۱۹۱۲ (مطبوعات امری لندن، ۱۹۹۵)

ص ۴۸.

حضرت بهاءالله در سال ۱۸۱۷ در طهران متولد شدند. از اوان طفولیت آثار عظمت در آن حضرت ظاهر بود. در منزل آموزش مختصری دیدند، ولی در هیچ مدرسه ای وارد نشدند، چون از طرف خداوند دارای علم لدنی بودند. حضرت بهاءالله از خانواده اصیل بودند و در جوانی مشاغل عالییه ای در دربار شاه به حضرتشان پیشنهاد شد، لیکن ایشان نپذیرفتند. و مایل بودند که بیشتر اوقاتشان را صرف کمک به ستمدیده گان، بیماران و مستمندان نمایند، و از حق و عدالت دفاع کنند.

زندگی حضرت بهاءالله دارای دو جنبه است: یکی تحمل مشقات، و دیگری تأثیر فوق العاده ای که در قلوب و افکار مردم گذاشتند. این دو جنبه در واقع ویژگی زندگی تمام انبیای الهی است. مشقات حضرت بهاءالله زمانی شروع شد که برای اعلام امر الهی قیام فرمودند. زندگی ایشان شامل تبعید، حبس و شکنجه بود. حضرتشان در زیر سلاسل در سیاه چالی تنگ و تاریک در طهران مسجون شدند. چهار مرتبه از محلی به محلی دیگر تبعید شدند، و بالاخره به زندان عکا در امپراطوری عثمانی منتقل گردیدند. در آنجا آنقدر مصائب ایشان شدید بود که به عکا لقب "سجن اعظم" را دادند. در یکی از الواحشان می خوانیم:

"ذکر آیامی فی آیامک ثم کربتی و غربتی فی هذا السجن البعید و کن مستقیما فی حبی بحیث لن یحول قلبک و لو تضرب بسیوف الأعداء و یمنعک کل من فی السموات و الأرضین." حضرت بهاءالله، لوح احمد.

مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: "روزهای زندگی مرا در روزگاران بیاد آر و مشقاتی که بر من وارد گشته و غربتم را در این زندان دور به خاطر آور و در محبت من مستقیم و ثابت باش، تا جایی که قلبت ادنی تحولی نپذیرد، اگر چه با شمشیرهای اعدا مضروب گردی و تمام اهل عالم بر منعت قیام کنند."

و همچنین در مورد بلایای وارده می فرمایند:

"قد قید جمال القدم لاطلاق العالم و حبس فی الحصن الأعظم لعنق العالمین و اختار لنفسه الأحران لسرور من فی الأکوان. هذا من رحمۃ ربک الرحمن الرحیم. قد قبلنا الذلۃ لعزکم و الشدائد لرخانکم یا ملأ الموحدین. ان الذی جاء لتعمیر العالم قد أسکنه المشرکون فی أخرب البلاد." منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله شماره ۴۵.

مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: "جمال قدم در بند گرفتار گشت تا جهان را آزاد سازد، در سجن اعظم مسجون گردید تا عالمیان را از قید بندگی رهایی دهد، حزن و اندوه برای خود اختیار نمود تا مردمان را شادی و سرور بخشد، این از رحمت پروردگار رحمن و رحیم بود که ما ذلت را قبول نمودیم تا شما عزیز گردید، ما سختی را پذیرفتیم برای راحتی و آسودگی شما، ای گروه خدا پرستان. کسی که برای آبادانی عالم آمده، مشرکان او را در ویرانه ترین بلاد منزل دادند."

کلیه کوششها در مخالفت با حضرت بهاءالله و تعالیمشان از طرف دو حکومت مقتدر بود پادشاه ایران و سلطان عثمانی. ولی نور حقیقت به آسانی خاموش شدنی نیست. آب فراوانی که بر این آتش ریخته می شد تا شعله آن را خاموش نماید تبدیل به روغن شده آتش را با شدت بیشتری شعله ور می ساخت. هیچ چیز نمی توانست مانع رشد و نفوذ امر حضرت بهاءالله گردد. هر قدر مقامات حکومتی ایشان را تبعید می کردند، تعداد نفوسی که به تعالیم مبارک جذب می شدند و به عظمت و اقتدارشان پی می بردند بیشتر می شد. علی رغم بلایای وارده به حضرت بهاءالله، بیش از چهل سال آن بلاها را تحمل فرمودند و به نزول آیات الهی ادامه دادند و آن قدر عشق و نیروی روحانی برای این عالم به ارمغان آوردند که پیروزی نهائی امرشان حتمی گردید

حضرت بهاءالله در سال ۱۸۹۲ صعود فرمودند. مرقد مطهرشان، که برای ما مقدس ترین نقطه روی زمین است، در نزدیکی شهر عکاست. (هنگامی که این گفتگو ها را با یک شخص طالب حقیقت دروازه ای بودند بسوی معرفت خدا و عصر جدیدی در عالم وجود. به مدت شش سال بدون وقفه مردم را آماده ظهور مظهر الهی نمود. به مردم گفت عصر جدید را خواهند دید، موعود جمیع اعصار ظاهر خواهد شد. از آنان خواست که قلوب خود را از تعلقات دنیوی طاهر کنند تا بتوانند مظهر ظهور الهی را که ظاهر خواهد شد بشناسند.

چند سال قبل از اظهار امر حضرت بهاءالله، خداوند پیامبری برای بشارت به ظهور ایشان فرستاد. این پیامبر عظیم ملقب به " حضرت باب " بود. آن حضرت در حقیقت دروازه ای بودند بسوی معرفت خدا و عصر جدیدی در عالم وجود. به مدت شش سال بدون وقفه مردم را آماده ظهور مظهر الهی نمود. به مردم گفت عصر جدید را خواهند دید، موعود جمیع اعصار ظاهر خواهد شد. از آنان خواست که قلوب خود را از تعلقات دنیوی طاهر کنند تا بتوانند مظهر ظهور الهی را که ظاهر خواهد شد بشناسند.

هزاران هزار مردم رسالت حضرت باب را قبول نمودند و پیروی از آن حضرت کردند. لیکن حکومت ایران و علما که سلطه بر مردم داشتند بر ضد آن حضرت قیام نمودند. پیروان آن حضرت تحت شکنجه و صدمات واقع شدند و تعداد کثیری شهید شدند. نفس مقدس حضرت باب در سن ۳۱ سالگی بوسیله لشکر سربازان به دستور دولت در میدان شهر مقابل رگبار گلوله قرار گرفتند و شهید شدند.

۲ فقره از بیانات حضرت باب چنین است :

"هل من مفرج غیر الله قل سبحان الله هو الله کل عباد له و کل بأمره قائمون." حضرت باب، مجموعه مناجات، ص ۲۸.

"قل الله یکفی عن کل شیء و لا یکف عن الله ربک من شیء لا فی السموات و لا فی الأرض و لا بینهما انه کان علاما کافیا قدیرا." حضرت باب، مجموعه مناجات، ص ۲۹.

پس از شهادت حضرت باب، جسد مطهرشان به وسیله پیروانش از جایی به جایی منتقل شد و همیشه از انظار دشمنان مخفی بود و بالاخره به کوه کرم در ارض اقدس منتقل شد.

محور اصلی زندگی ما بهائیان این است که ما عهدی با حضرت بهاءالله بسته ایم. در همه ادیان گذشته، بعد از صعود مظهر امر، پیروانشان هزاران اختلاف با همدیگر پیدا کرده، باعث تقسیم دینان به شعب و مذاهب مختلفه می گردیدند. علت اختلاف در بعضی از وقتها به خاطر ریاست طلبی تعدادی از افراد بود. حتی وقتیکه مؤمنین مخلص این ادیان درباره کلمات مظهر ظهور آراء و نظریات مختلفه ای داشتند به هیچکس از طرف آن مظهر ظهور اختیاری برای حل و فصل اختلاف نظرها داده نشده بود و این باعث بروز اختلاف و جدال می شد و بالاخره هر قسم تفسیر و شرحی سبب به وجود آمدن فرقه های مختلفه می شد.

حضرت بهاءالله برای حفظ امر خود از تفرقه آن را از قوایی بی نظیر بهره مند کردند که آن قوه عهد و میثاق است. قبل از صعود مبارک، بوضوح و کتباً مرقوم فرمودند که پس از ایشان همه بهائیان توجه به حضرت عبدالبهائ نمایند. حضرت عبدالبهاء فرزند ارشدشان بودند و به عنوان تنها مبین آیات و مرکز عهد و میثاق الهی منصوب شدند. حضرت بهاءالله بنفسه آن حضرت را پرورش فرمودند، و از صغر سن به مقام پدر بزرگوارشان پی بردند، و شریک رنجهای آب بزرگوار بودند. حضرت عبدالبهاء گرانبها ترین هدیه ای به عالم بشری و مثل اعلائی تعالیم مبارکه اند.

حضرت عبدالبهاء بمدت ۷۷ سال در این عالم زندگی نمودند، ایشان در همان شبی که حضرت باب اظهار امر فرمودند تولد یافتند و در نوامبر ۱۹۲۱ بملکوت اُبهی صعود فرمودند. حیات آن حضرت مملو از مصائب و محن بود و مع ذلک باعث سرور همه نفوسی بودند که مشرف حضورشان می شدند. بعد از صعود پدر بزرگوارشان، مسئولیت جامعه بهائی بر روی دوش ایشان قرار گرفت، و ایشان شبانه روز به انتشار امر اعظم در شرق و غرب عالم مشغول شدند. هزاران الواح به افراد و گروههای مختلفه در نقاط مختلفه عالم مرقوم فرمودند و تعالیم مبارکه پدر بزرگوارشان را روشن و واضح نمودند. تبیینات مبارکه ایشان هم اکنون از اساسی ترین آثار امر بهائیت است.

با تمرکز در مقام حضرت عبدالبهاء به عنوان مرکز عهد و میثاق حضرت بهاءالله، بهائیان عالم متحدانه در سعی و کوششند تا حیات بهائی داشته باشند و مدنیت جهانی نوینی بسازند. بیاد میاوریم بخشی از عهدی را که با حضرت بهاءالله بسته ایم که یکدیگر را دوست داشته باشیم. آنوقت در حضرت عبدالبهاء می بینیم مثال کامل شخصی را که همه را دوست داشتند. بیاد می اوریم که باید عادل باشیم، کریم باشیم، اشتباهات دیگران را چشم پوشیم، و ما از حضرت عبدالبهاء یاد می گیریم عدالت، عفو و بخشش یعنی چه. با دقت در حیات حضرت عبدالبهاء بیش از همه چیز باعث می شود همیشه مواظب عهدی باشیم که با حضرت بهاءالله بسته ایم و آن این است که نگذاریم وحدت پیروانش گسسته گردد و اینکه به عنوان یک جامعه جهانی متحد شویم و به جان بکوشیم تا وحدت عالم انسانی در کره ارض استقرار یابد.

در الواح وصایا حضرت عبدالبهاء نوه ارشدشان را به عنوان ولی امرالله منصوب فرمودند. و پس از صعودشان حضرت شوقی افندی مبین منصوص تعالیم الهی شدند و به مدت ۳۶ سال وظایف پدر بزرگشان را ادامه دادند. تبیین آیات مظهر ظهور نمودند و امرالله را در اکناف عالم مستقر ساختند.

۵ سال و نیم پس از صعود مبارک بهائیان عالم بیت العدل اعظم الهی را به همان صورتی که حضرت بهاءالله وعده فرموده بودند و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله شرح داده بودند، انتخاب نمودند. بیت العدل اعظم اعلی و اعظم مؤسسه امر بهائی است که مرکز توجه همه بهائیان عالم است.

مهمترین قسمت هر دیانت احکام و قوانینی است که مظاهر ظهور برای هدایت بشر به راه راست با خود می آورند. بعضی از احکام و قوانین ابدی است و قابل تغییر نیستند و بعضی دیگر با پیشرفت بشریت تغییر می کند. در امر بهائی به ما یاد داده اند که نباید احکام را بعنوان مجموعه ای از بایدها و نبایدها در نظر گیریم. حضرت بهاءالله می فرمایند که احکام ایشان:

"ان أوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریتی" (به درستیکه احکام من چراغهای عنایت من در بین بندگانم و کلیدهای رحمت من برای خلق من هستند).

و نباید اطاعت این احکام بخاطر ترس از مجازات باشد. در کتاب مستطاب اقدس واضحاً می فرمایند: "ان اعملوا حدودی، حباً لجمالی." حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، ص ۴. (احکام مرا بخاطر محبت به جمالم عامل گردید).

این افکار واضح تر خواهد شد اگر چند مثالی از احکام بهائی ذکر کنیم. در عالم جسمانی، بشر محتاج به خوراک روزانه است. این یکی از احتیاجات جسم انسان است، اگر آنرا انجام ندادیم مریض شده و بزودی خواهیم مرد. پس می توانیم بگوئیم، که خوراک روزانه حکمی برای وجود جسمی است که باید اطاعت شود. به همین ترتیب یکی از احکام حضرت بهاءالله است که باید روزانه دعا و مناجات بخوانیم. مانند جسم ما روح مان نیز احتیاج به تغذیه مستمر دارد. دعا و مناجات غذایی است برای پیشرفت روحانی ما. مناجاتهای زیبایی است که توسط حضرت باب، حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء نازل شده که می توانیم یا در تنهایی و یا در جلسات بخوانیم. یکی از دعاها واجب نماز است مانند نماز کوچک که بهائیان هر روز از ظهر تا غروب آفتاب یکبار می خوانند:

" اشهد یا إلهی بأنک خلقتنی لعرفانک و عبادتک اشهد فی هذا الحین بعجزی و قوتک و ضعفی و اقتدارک و فقری و غنائک لا إله إلا أنت المهیمن القیوم. " حضرت بهاءالله، صلاة صغیر
مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: "ای خدای من گواهی می دهم که تو مرا برای شناسایی و بندگیت خلق فرمودی، در این هنگام من به عجز خود و قوت تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و بی نیازی تو گواهی می دهم. هیچ خدایی جز تو خدای مهیمن قیوم نیست."

در حکم دیگری حضرت بهاءالله منع از غیبت و عیب جوئی می فرمایند. این خیلی مهم است چون اگر به آن فکر کنیم می بینیم یکی از بزرگترین دشمنان وحدت غیبت است. و متأسفانه این یک عادت شده است در بین مردم که راجع به عیوب دیگران در غیابشان صحبت کنند. همه مردم علاقه زیادی راجع به اشتباهات دیگران نشان می دهند. و این عیوب همین طور که راجع به آن صحبت می شود به مرور زمان بزرگتر و بزرگتر می شود. حضرت عبدالبهاء از ما می خواهند که درست برعکس این عادت رفتار کنیم. اگر ده صفت خوب در شخصی دیدیم و یک عیب می بایست دقت روی ده صفت خوب او کنیم. و اگر ده صفت بد در شخصی دیدیم و یک صفت خوب بازمی می بایست دقت روی یک صفت خوب او کنیم.

حضرت بهاءالله در این مورد می فرمایند: ای رفیق عرشی! بد مشنو و بد مبین، و خود را ذلیل مکن و عویل برمیاری، یعنی بد مگو تا نشنوی، و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید، و ذلت نفسی میسند تا ذلت تو چهره نگشاید. پس با دل پاک و قلب طاهر و صدر مقدس و خاطر منزّه در آیام عمر خود که اقل از آنی محسوبست فارغ باش تا بفراغت از این جسد فانی بفردوس معانی راجع مشوی و در ملکوت باقی مقر یابی."

کلمات مکنونه فارسی شماره ۴۴.

حضرت بهاءالله شرب خمر را منع فرمودند، و البته، مواد مخدره را. شرب خمر واقعاً یکی از اعظم امراض اجتماعی است که امروز در عالم وجود دارد. یکی از رایج ترین دلایل خشونت و تخریب سلامت حیات خانواده است. چرا مردم باید چیزی را استفاده کنند که ذهنشان را مختل می کند و توانایی تفکر صحیح را از آنان می گیرد. شرب خمر باعث میشود مردم بطور شرم آوری رفتار کنند، وقتی که فی الواقع انسان را خدا عزیز و شریف خلق کرده است.

حضرت بهاءالله راجع به عزت و شرافت انسان می فرمایند:

" یا ابن الروح خلقتک غنیاً کیف تفتقر، وصنعتک عزیزاً بم تستدل، و من جوهر العلم أظهرتک لم تستعلم عن دونی، و من طین الحب عجتک کیف تشتغل بغيری فارجع البصر إلیک لتجدنی فیک قائماً قادراً مقتدرأ قیوماً. " کلمات مکنونه عربی شماره ۱۳.

مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است: "ای پسر روح تو را بی نیاز آفریدم، چگونه است که خود را محتاج می نمای. تو را عزیز آفریدم، به چه سبب طلب ذلت می کنی. تو را از جوهر علم ظاهر ساختم، چرا از غیر من طلب علم می نمای. تو را از خاک محبت سرشتم، چگونه خود را به غیر من مشغول می سازی پس چشمانت را بگشای و خود را بنگر تا مرا در وجود خویش قائم، قادر، مقتدر و قیوم یابی."

یکی از احکام دیگر حضرت بهاءالله، راجع به وظیفه والدین و جامعه در تربیت اطفال است. قسمت کوتاهی از بیانات حضرت عبدالهیه است که این مطلب را خوب شرح می دهد.

"بنابراین یاران الهی و اماء رحمانی باید اطفال خود را با جان و دل تربیت کنند و در مدرسه کمالات تعلیم دهند. نباید در این کار اهمال کنند. با مهارت این کار باید انجام شود. در حقیقت اگر طفل اصلا زنده نباشد بهتر از آنست که جاهل پرورش یابد چون آن طفل بیگناه در ایام آتیه دچار نقائص بیشماری خواهد شد، مسئول و مورد سؤال پروردگار قرار خواهد گرفت، با مردم مواجه میشود و از او کناره گیری خواهند نمود. چه گناه بزرگی است و چه اهمالی." ترجمه

" اول تکلیف یاران الهی و اماء رحمانی آنست که بأی وجه کان در تربیت و تعلیم اطفال از ذکور و اناث کوشند و دختران مانند پسرانند ایدا فرقی نیست جهل هر دو مذموم و نادانی هر دو مبعوض و هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون." الواح حضرت عبدالهیه (لجنه مطبوعات امری شیکاگو ۱۹۳۰) جلد ۳، ص ۵۷۹-۸۰. مضمون عبارت آخر به فارسی چنین است: "آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند برابرند."

مطمئنا شما احساس می کنید که هدف فقط ارائه مجموعه ای از افکار امری نیست بلکه از فرد طالب حقیقت دعوت می کنم که به دیانت بهائی بپیونید. در حقیقت دیانت بهائی دیناتی منظم است و هدف آن چیزی جز وحدت عالم انسانی نیست. این به فرد طالب حقیقت کمک می کند که بداند کار بهائیان ساختن یک مدنیت جهانی است. بیت العدل اعظم می فرمایند که در این ساختن سه نوع شرکت کننده وجود دارد و هر کدام وظیفه مهمی دارند.

اولین شرکت کننده افراد احباء هستند. این وظیفه فرد است که در عهد و میثاق الهی ثابت باشد و سعی کند تا حیات خود را مطابق کند با تعالیم حضرت بهاءالله و خدمتی به عالم انسانی ایفاء کند. و همیشه متوجه این حقیقت است که حیات با مرگ تمام نمی شود و رابطه فرد با خدا ازلی و همیشگی است. پس از مرگ روحمان آزاد می شود و به سوی خدا مستمرا پیشرفت می کند. زندگی ما در این دنیا مانند حیات جنین در رحم مادر است. به مدت نه ماه جنین خصوصیتی مانند چشم، گوش، دست و ... در خود ایجاد می کند تا در آینده در این دنیا از آنها استفاده کند. به همین ترتیب ما در این دنیا باید خصوصیات روحانی در خود ایجاد کنیم تا برای پیشرفت خود در عوالم بعد از آنها استفاده کنیم. البته فقط با تفکر در این مسئله کاری انجام نداده ایم. باید عمل کنیم و به هم نوع خود خدمت کنیم و اطلاعاتی که داریم با دیگران در میان گذاریم.

دومین شرکت کننده جامعه است. انسان بدنیا نیامده است که به تنهایی زندگی کند. ما در جامعه زندگی می کنیم و باید با هم کار کنیم تا مدنیت جهانی را بسازیم. نزدیکترین جامعه به ما جامعه محلی ما است که متشکل از بهائیان شهر و یا قریه ما است. در این جامعه محلی است که یاد می گیریم با هم کار کنیم و با هم پیشرفت کنیم و متحد شویم. در عین حالیکه عضو جامعه محلی هستیم عضو جامعه ملی و جامعه جهانی بهائی نیز هستیم که مستمرا این جوامع در حال نمو است و مردمان کثیری را از ادیان و ملیتها و نژادهای مختلفه بسوی خود جذب می کند.

بیت العدل اعظم الهی می فرمایند که مؤسسات امری سومین شرکت کننده در ساختن مدنیت جهانی بهائی است. در آثار حضرت بهاءالله مطالبی بسیار راجع به نظم جامعه اشاره شده است. در زمان قدیم مظاهر الهی راجع به این مطلب خیلی کم اشاره فرمودند که چطور پیروانشان می بایست جامعه خود را تنظیم و اداره کنند. و مردم می بایست خودشان تجربه

کنند و جستجو کنند ببینند چطور این کار را انجام دهند. ولكن در رابطه با امر بهائی، حضرت بهاءالله نظم اداری خویش را آورده اند به این معنا که ایشان به ما فرموده اند چه مؤسساتی باید تأسیس کنیم و آنها چطور باید عمل نمایند و چگونه عالم انسانی باید اداره شود.

قبلا راجع به اعظم مؤسسه امر بهائی یعنی بیت العدل اعظم صحبت کردیم. سالی یکبار بهائیان عالم محفل ملی در کشور خود و محفل محلی در شهر خود انتخاب میکنند. محفل محلی مؤسسه ایست که شما خیلی زود راجع به آن خواهید دانست. در امر بهائی کشیش یا روحانی وجود ندارد و این محفل روحانی محلی است که امور را هدایت می کند و مواظب صحت روحانی افراد احباء است. محفل روحانی محلی از نه عضو تشکیل می شود که در جو روحانی از طریق رأی مخفی و بوسیله همه افراد بالغ شهر انتخاب می شوند. محافل روحانیه اهمیت زیادی برای بهائیان دارد. بوسیله این محافل است که در می یابیم چگونه امورمان باید اداره شوند و چگونه نظم جدید در جامعه استقرار می یابد، نظمی که به نظم بدیع جهانی حضرت بهاءالله شهرت می یابد.

شاید در انتهای این گفتگو خواندن یک مناجات با فرد طالب حقیقت مفید باشد.

"هوالله ای خداوند مهربان این دل را از هر تعلقی فارغ نما و این جان را به هر بشارتی شادمانی بخش از قید آشنا و بیگانه آزاد کن و به محبت خویش گرفتار نما تا بکلی شیدای تو گردم و دیوانهء تو جز تو نخواهم و جز تو نجویم و بغیر از راه تو نجویم و بجز راز تو نجویم مانند مرغ سحر در دام محبت تو گرفتار گردم و شب و روز بنالم و بزارم و بگریم و بگویم یابهاءالابهی ع"

تشریح با مثال

روز ۱۶ دسامبر به شهر لیسمور - واقع در استرالیا - عزیمت نمودیم و به منزل یکی از مهاجرین نازنین آن محل وارد شدیم. قبل از انعقاد جلسه عمومی احبا که قرار بود غروب همان روز در منزل ایشان تشکیل گردد ما با صاحبخانه که عائله ای مرکب از پدر و مادر و دو دختر جوان و یک پسر خردسال بود از نزدیک آشنا شدیم. صاحبخانه که مردی آرام و موقر بود تقاضای تلاوت مناجاتی به زبان فارسی نمود. بعد از تلاوت مشاهده شد دختر دوم ایشان که تنها هجده سال از عمرش می گذشت گریان است و اشک از دیدگانش در جریان. سبب را جویا شدیم. مادر با چهره ای محزون و مکدر برای ما شرح داد که این دختر می خواهد تنها به نقطه ای مهاجرت کند و ما او را به آینده دلالت می نمائیم زیرا اولاً ما خودمان در این محل مهاجریم، ثانیاً درسش تمام نشده، ثالثاً ما استطاعت کمک مالی به او را نداریم. و راضی به استفاده از صندوق امر هم نیستیم ولی این دلایل منطقی ما در او تاثیری نداشته و روز ما را مدتی است شب تار کرده است. مدام می گوید "وقت تنگ است و نباید درنگ کرد."

بالمآل پدر و مادر هر دو با پا فشاری از من خواستند که او را نصیحت و از این فکر منصرفش نمایم. محذور شدیدی بود. بعد از ختم جلسه عمومی احبا، با آن دختر به طور خصوصی به مذاکره پرداختم. او با چهره معصوم و دیدگان محزونش به من می نگریست و در رای خود اصرار می ورزید که "وقت تنگ است و نباید درنگ کرد." می گفت "حضرت ولی امرالله در پیام اخیرشان همه ما را مامور به اجرای نقشه دهساله فرموده اند و فرقی بین پیرو جوان و بزرگ و کوچک نگذاشته اند. وقتی ملا حسین به اصحاب دستور داد که اسبها را سوار شوید و رو به قلعه بگذارید اگر بالفرض یکی از آنها اطاعت نمی کرد حالا ما درباره او چه قضاوتی می کردیم؟" بعد از این مذاکرات من به والدین او گفتم شما دختر را به حال خودش بگذارید و برای

آرامش وجدانش به او کمک کنید . جلسه احبا به خوشی سپری شد و ما دیروقت به هتل رفتیم . ساعت ۵ صبح در اتاق را زدند سراسیمه از خواب پریدم و در را گشودم . پدر همان دختر پشت در بود و زبان به معذرت گشود که مرا بی موقع بیدار کرده ولی چاره ای نداشته زیرا دختر بعد از خاتمه جلسه تا حال گریسته و همه را ناراحت کرده و حالا هر دو برای تعیین تکلیف نزد من آمده اند . خلاصه لباس پوشیدم و به تالار هتل آمدم دختر را دیدم با رنگ پریده در گوشه ای خزیده است . بعد از مذاکرات مشروحه به اصرار و الحاح من راضی شد که ماقع را به ارض اقدس بنگارد و هدایت مبارک را در این موضوع بخصوص مسئلت نماید . نامه را نوشته به من داد که با پست ارسال شود . چند روز بعد که ما به مدرسه تابستانه استرالیا به پرمبول رفتیم این دختر عزیز و تمام اعضا خانواده اش را آنجا دیدیم . خندان و شادمان نزد من آمد و مزه داد که پدر و مادر بالاخره به مهاجرت او رضایت داده اند .

وقتی من به ایران برگشتم روزی در دفتر محفل مشغول خواندن نامه های رسیده بودم و چون یکی از آنها را گشودم آه از نهادم برخاست و بی اختیار اشکم سرازیر شد . نوشته بودند که آن دختر پس از استقرار در محل مهاجرت و هدایت چند نفر به امر حضرت احدیت ناگهان بر بستر بیماری افتاده و بعد از چند روز روح پاکش به ملکوت اهبی صعود کرده است . آنوقت سر بیان مکرر او مکشوف شد که مدام می گفت " وقت تنگ است درنگ نباید نمود " و من آنموقع با خود می اندیشیدم دختر جوانی که تازه هیجده بهار از عمرش گذشته چرا اینقدر نا آرام و شتابان است...

به نقل از جناب فروتن در کتاب "حکایت دل" ص ۲۴۵

حال با توجه به حکایت فوق ، تفکر و تعمق در قسمتی از پیام ۷ جون ۲۰۰۷ بیت العدل اعظم خطاب به احبای ایران خالی از لطف نمی باشد که می فرمایند : "... حضرت بهالله، پیروان خود را اعم از پیر و جوان، زن و مرد، متمول یا فقیر، شهر نشین یا روستایی و بدون توجه به میزان گرفتاری و مشاغل روزانه دیگر موظف و مکلف به امر تبلیغ فرموده اند . سرعت و عود الهیه در آن خطه مبارکه تا حد زیادی به جدیت احبای عزیز در میدان تبلیغ با رعایت حکمت و ابسطه است و این نیز به نوبه خود بستگی مستقیم به میزان تعهدی دارد که هر فرد وجدانا بین خود و جمال مبارک می سپارد که تا چه حد زندگی خود را در شرایط فعلی وقف تبلیغ انفرادی نماید . افراد در تعیین این میزان تعهد متفاوتند زیرا انجام آن مستلزم از خود گذشتگی های متفاوت می باشد . اوقات احبا برای خدمت به امرالله نامحدود نیست . دوستان عزیز باید متوجه باشند که وقت نامحدود روزانه خود را چطور صرف می کنند و به این فکر باشند که عادات و انضباطی در خود به وجود آورند تا با تعیین ارجحیت های لازم، هم از یک سو به مسئولیتهای حیاتی زندگی خود برسند و هم از سوی دیگر وقت و انرژی کافی برای تبلیغ انفرادی داشته باشند. ... "

مطالعهء بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

<p>این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟</p>	<p>محتوای این فقره چیست؟</p>
--	------------------------------

بحث

ماهیت روحانی تبلیغ را وصف کنید. نقش مبلغ در این جریان چیست؟

مسئولیت‌های خاصّ جوانان در تبلیغ چیست؟

عناصر تبلیغ مؤثر را که در بیانات بحث شده چگونه در مساعی تبلیغ گروهی یا شخصی خود می‌توانید به کار ببرید؟

چگونه می‌توانید تبلیغ را میل غالب خود در زندگی قرار دهید؟

میدان عمل: گفتگو

مقدمه

دو فصل آخر این کتاب بر فعالیت عمده‌تر عملی متمرکز است که جوانان از طریق آن می‌توانند عالم را به حرکت آورند. این فصل به عنصر تدبیر^{۸۷} - نقشه‌ای برای شکل دادن به ساختار و جهت جامعه آینده - می‌پردازد.

مقصد از ظهور حضرت بهاءالله، از لحظه تولد امر مبارک تا کنون، متحول ساختن جامعه و تبدیل آن به ملکوت الهی بر وجه ارض بوده است. اولین وظیفه‌اش - مانند بذری که تازه در زمین کاشته شده باشد - رشد و نمو بود. قوایش در توسعه در سراسر جهان صرف شد. در نیمه دهه ۱۹۸۰، امر بهائی به سطح جدیدی از رشد طبیعی خود دست یافت. اکنون می‌توانست به طور سیستماتیک با جامعه جامعه بیرون تماس حاصل کند و جهان پیرامون خود را متحول سازد. جامعه بهائی که با فداکاری‌های احبای ستم‌دیده و آزارکشیده ایران، تغذیه شده از قوت و قدرت بیشتر برخوردار شده بود، از مجهولیت خارج شد^{۸۸}، مساعی خود را در سبیل توسعه اجتماعی و اقتصادی ملل و امم آغاز نمود^{۸۹}، و رهبران اندیشه در کلیه سطوح اجتماع را در مورد تأسیس صلح جهانی مورد خطاب قرار داد.^{۹۰}

بیت‌العدل اعظم در سال ۱۹۸۵ فرمودند، "اکنون زمان آن فرا رسیده که جامعه بهائی بیش از پیش در حیات جامعه اطراف خود مشارکت نموده..."^{۹۱} امروزه، میدان عمل برای جوانان نه تنها ادامه حمایت از رشد امرالله بلکه به کار بردن تعالیم حضرت بهاءالله برای حل مسائل عالم انسانی است.

نمای کلی

جوان تواند که عالمی را به حرکت در آورد. اما چگونه؟ چگونه می‌توانیم ساختار و جهت اجتماع را تغییر دهیم تا خود را از قوای ظلمت رها سازد؟

حضرت بهاءالله در آثار خویش، چارچوبی را برای پرداختن به مسائل عالم انسانی تعیین می‌فرماید. ایشان ما را هدایت می‌فرمایند، "امروز را نگران باشید..."^{۹۲} ایشان همچنین توصیه می‌کنند که هر یک از ما "باید جهد نماید تا اسباب آنچه ذکر شد از عالم الفاظ و اقوال به عرصه شهود و ظهور آید."^{۹۳}

^{۸۷} Strategy

^{۸۸} پیام رضوان ۱۹۸۵ بیت‌العدل اعظم

^{۸۹} پیام ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ بیت‌العدل اعظم

^{۹۰} وعده صلح جهانی، اثر بیت‌العدل اعظم

^{۹۱} پیام رضوان ۱۹۸۵

^{۹۲} دریای دانش، ص ۳

^{۹۳} دریای دانش، صص ۱۸-۱۷

جوانان بهائی برای مبارزه با قوای ظلمت، در سطحی عمیق، باید، با توجه به آثار حضرت بهاءالله، به مسائلی بپردازند که عالم انسانی با آن مواجه است. سطح مشورت در میان جوانان باید ارتقاء یابد تا به بحث و تحلیل عمیق در کلیه موضوعات مورد توجه عالم انسانی منجر گردد.

جوانان، با ایجاد ارتباط به انواع گوناگون ملل و امم، با گوش دادن به آنها و یاد گرفتن از آنها با روحی از توجه تام و تواضع تمام، با پرداختن به تحلیلی از موارد نگرانی آنها با توجه به اصول عمیق تر بهائی، در جهت ایجاد دیدگاهی جدید که بتواند قوای ظلمت را در بحبوحه امراض اجتماع مغلوب سازد، مشارکت خواهند نمود.

توضیح

در عصر انتقال از ظلمت به نور، جهان با مسائل دردناک و شدید بسیاری مواجه است. بسیاری از گروه‌ها و افرادی که دارای حُسن نیت هستند، رویکردهای عملی برای حلّ مسائلی از این دست پیشنهاد کرده متعهد تأمین منابع وسیع مالی و انسانی برای اجرای این راه‌حل‌ها شده‌اند - اما نتایج حاصله چندان زیاد نبوده است. غالباً، راه‌حل‌های نافرجام فقط باعث عمیق‌تر شدن مسأله شده است.

راه‌حل‌های مسائل جهان در بسته‌بندی‌های مرتب تسلیم نمی‌شود. باید میزان آگاهی کسانی را که با این مسائل روبرو هستند بالا برد تا ریشه مسأله و اصول دخیل در آن را دریابند. تنها در این صورت است که راه‌حل‌های مؤثر را می‌توان به دست آورد.

بیت‌العدل اعظم اظهار امیدواری کردند که، "تعداد فزاینده‌ای از احتیاء قادر به تحلیل مسائل نوع بشر در هر یک از زمینه‌ها باشند و تعالیم الهی را برای حلّ آنها عرضه نمایند."^{۹۴} معهد اعلی صریحاً جوانان را تشویق فرمودند که، "درک خود از تعالیم امر مبارک را عمیق کنید تا بتوانید آنها را در مورد مسائل افراد و اجتماعی به کار ببرید، و آنها را به نحوی برای همتایان خود توضیح دهید که درک و استقبال نمایند."^{۹۵}

برای رسیدن به مقصود، گفتگوی جوانان بهائی باید به سطحی عمیق ارتقاء یابد. جوانان باید سعی کنند مسأله یا نیازی را شناسایی کنند و آن را در پرتو تعالیم مبارکه "با به کار بردن اصول روحانی ... و مبادرت به هنر مشورت" مورد بررسی قرار دهند.^{۹۶}

مشورت که سبب می‌شود این رویکرد به مرحله اجرا در آید، می‌تواند برای یافتن جوابی به سؤالات زیر مورد استفاده قرار گیرد:

- ۱- "مسائل عالم انسانی" که نگرانی عمده بعضی گروه‌ها یا جمعیت‌ها است، کدامند؟
- ۲- موضوعات بنیادی در قلب این مسائل چه هستند؟
- ۳- کدام یک از تعالیم یا اصول بهائی با این موضوعات مرتبط است؟
- ۴- این تحلیل را چگونه می‌توان برای تمهید وسائل معرفی امر بهائی به مردم استفاده کرد تا بتوانند مرتبط بودن تعالیم با نیازهایشان را درک کنند؟^{۹۷}

^{۹۴} ترجمه - پیام ۱۹ ژانویه ۱۹۸۳ / انوار هدایت، شماره ۱۴۲۸

^{۹۵} ترجمه - پیام ۴ ژوئیه ۱۹۸۳ / انوار هدایت، شماره ۲۱۴۶

^{۹۶} ترجمه - پیام ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ به احتیای عالم / انوار هدایت، شماره ۱۸۴۹

^{۹۷} بیت‌العدل اعظم، *Unrestrained as the Wind*، صفحه ۱۷۵

اگر جوانان بهائی بتوانند قابلیت خود را برای تحلیل و درک موضوعات و کمک به مردم برای مشاهده مسائلشان در پرتو نوری متفاوت، افزایش دهند، در این صورت به اساسی‌ترین صفتی که در حل مسائل جهان مؤثر خواهد بود متصف خواهند شد. از ماده اصلی این دیدگاه‌های جدید، راه‌حل‌ها را می‌توان نهایتاً اقتباس نمود و از طریق فرایند عمل و بررسی و تأمل به مرحله اجرا در آورد. این امر، فرایند مداوم مشورت در خصوص موضوعات (که در بالا توصیف شد)، پیشنهاد راه‌حلها، عمل بر مبنای راه‌حل‌های پیشنهادی؛ تأمل بر پیشرفت مساعی، و تجدید نظر و اصلاح مجهودات در پرتو تجربیات حاصله و درکی عمیق‌تر نسبت به اصول روحانی را شامل می‌شود.

اما، اساسی‌ترین قدم عبارت از برقراری گفتمانی جدید در میان جوانان است. گروه‌های جوانان بهائی و دوستانشان می‌توانند این تلاش را در بحث‌های غیررسمی یا اظهارات مکتوب، در فعالیت‌های اوقات فراغت یا در کلاس‌های مدارس، در فعالیت‌های جامعه محلی خود یا در طرح‌های ویژه ملی یا بین‌المللی شروع کنند. جوانان موقعی که در مورد مسائل عالم انسانی با یکدیگر مشورت می‌کنند، فرایندی را شروع می‌کنند که درک آنها نسبت به تعالیم مبارکه را عمیق می‌سازد، همتایان آنها و توده‌های نوع بشر را به سوی امر مبارک جذب می‌کند، و جهان را به سوی هدف مقدّری که توسط حضرت بهاء‌الله تعیین شده، سوق می‌دهد.

مطالب خواندنی

۱- بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۱۹۸۴ به بهائیان عالم می‌فرماید، "تردیدی نیست از این زمان به بعد پیشرفت و ارتقاء امرالله به ازدیاد اقدامات و فعالیت‌های متفرّقه و ارتباط با نمایندگان معاهد و مؤسسات و زمامداران و شخصیت‌های مهم در جهان غیربهائی منوط است... آمادگی و پاسخ مثبت ما به این موقعیت باید با تعمیق مستمرّ معارف امری ما، تمسک و تشبّث تزلزل‌ناپذیر به احکام و اوامر و نواهی الهی، همچنین خودداری از ورود به گروه‌های سیاسی و آزادی از قید تعصبات جاهلیّه و مهم‌تر از همه درک روزافزون حقایق اصلیه معنویه امر مالک بریّه و ارتباط آن با مسائل امروزی جهان همراه توأم باشد."

۲- منشی حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک در ۱۳ مارس ۱۹۳۲ مرقوم نمود، "اوضاع حالیه عالم - عدم ثبات اقتصادی، مشاجرات اجتماعی، نارضایتی‌های سیاسی و عدم اعتماد بین‌المللی - باید جوانان را از خواب بیدار سازد و آنها را به تحقیق و تفحص در آنچه که آینده به بار خواهد آورد سوق دهد. تردیدی نیست که اگر عالم به مصیبتی مبتلا شود، آنها هستند که بیش از همه دچار آلام و رنجها خواهند شد. لذا، آنها باید چشم خود را به اوضاع فعلی باز کنند، قوای شرارت و بلا را که در جهان عمل می‌کنند مورد مطالعه قرار دهند و با مجهودات جمعی قیام کنند و اصلاحات لازم را متحقّق سازند - اصلاحاتی که در حوزه و محدوده خود دارای مراحل روحانی و نیز اجتماعی و سیاسی حیات بشری باشند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۲۵)

۳- حضرت ولی امرالله می‌فرماید، "جوانان بهائی، اعم از ذکور و اناث، باید در تعالیم الهی تعمق و تدبّر نمایند، به طوری که قادر باشند نفوس را متقاعد نمایند که برای هر مشکلی راه حلی وجود دارد." (۱۲ مه ۱۹۴۴ به یکی از اجّباء / نقل ترجمه از صفحه ۲۴ جزوه "تحقیق و تتبع")

- ۴- حضرت ولی امرالله در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۲۵ مرقوم فرمودند، "اگر بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء را در کمال خلوص و دقت و تمرکز بر آنها مطالعه نمایید، حقایقی را کشف خواهید کرد که قبلاً برای شما مجهول بوده و در مورد مسائلی که متفکرین بزرگ عالم را متحیر و سرگردان ساخته به بینش‌ها و بصیرت‌هایی دست خواهید یافت." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۲۷۰)
- ۵- منشی حضرت ولی امرالله در تاریخ ۲۷ اوت ۱۹۵۱ از طرف هیکل مبارک مرقوم داشت، "... تعالیم مبارکه را بیش از پیش مورد مذاقه و تعمق قرار دهید. تحقیق بهائی واقعاً بیش از تحقیق عمومی لازم است، چون اولی روحانی و باقی و دومی کم و بیش مادی و فانی. تعداد معدودی از احباء از تعالیم الهی بخصوص از معانی عمیق تر آن آگاهند..." (نقل ترجمه از صفحه ۵۷ جزوه "تحقیق و تتبع")
- ۶- منشی حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک در ۳ ژوئیه ۱۹۴۹ مرقوم داشت، "... می‌دانیم که تعالیم عمیق تر و وسعت نظم جهانی در خلق بدیع جامعه، تازه و بسیار متحرکند و این امور است که باید بیاموزیم، هوشمندانه و با شوق وافر ... منتقل سازیم." (نقل ترجمه از صفحه ۵۶ جزوه "تحقیق و تتبع")
- ۷- حضرت ولی امرالله در ۲۰ مارس ۱۹۲۹ فرمودند، "به آنها [جوانان] توصیه می‌کنم بیانات منزله الهیه حضرت بهاءالله و خطابات حضرت عبدالبهاء را عمیقاً مطالعه نمایند و بیش از حد لزوم به سخنان و تعبیر ناطقان و مبلغان بهائی در مورد تعالیم مبارکه متکی نشوند." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۲۲۳۹)
- ۸- منشی حضرت ولی امرالله در تاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۳۲ از طرف هیکل مبارک مرقوم داشت، "اگر احباء مایل باشند که در مطلع ساختن اهل عالم پیشقدم شوند، باید ابتدا به تعلیم خویشتن بپردازند و پی ببرند که واقعاً چه مسائل و مشکلاتی وجود دارد که اذهان ابناء بشر را متحیر ساخته است." (ترجمه / انوار هدایت، شماره ۱۸۹۴)
- ۹- منشی حضرت ولی امرالله در ۵ ژوئیه ۱۹۴۹ از طرف هیکل مبارک مرقوم داشت، "احباء ... باید بسیار مطلع بوده قادر به بحث و مشورت عالمانه و عاقلانه در مورد وضع کنونی عالم و مشاغل آن باشند. ما نیازمند محققین بهائی هستیم که نه تنها حقیقتاً از تعالیم الهی اطلاع کامل یابند، بلکه دارای مطالعه و معرفت کافی و وافی بوده قادر به ربط تعالی مقدسه بهائی به افکار جاری رهبران جامعه باشند." (نقل ترجمه از صفحه ۲۵ جزوه "تحقیق و تتبع")
- ۱۰- در ۲۳ مارس ۱۹۸۳ از طرف بیت‌العدل اعظم نوشته شد، "بسیاری از جنبه‌های تفکر غربی وجود دارد که، تا حدّ اصل مسلم، در اذهان عموم جای گرفته، اما بعد معلوم شده که غلط یا حدّاقلّ تا حدّی درست است." (نقل ترجمه از صفحه ۴۶ جزوه "تحقیق و تتبع")
- ۱۱- بیت‌العدل اعظم در پیام ۱۰ ژوئن ۱۹۶۶ می‌فرمایند، "تعالیم حضرت بهاءالله درک بسیاری از حقایق زندگانی و معلومات بشری را آسان‌تر و روشن‌تر می‌سازد. فرد بهائی یقیناً بیش از اغلب مردم به این حقیقت توجه دارد که هر گونه معلوماتی به وی داده می‌شود، باید قبلاً آن را با میزان الهی که در دست دارد بسنجد نه آن که کورکورانه قبول نماید... جوان بهائی باید به قدر مقدور استعداد خود را پرورش دهد و علم را از افواه رجال اخذ نماید و نسبت به معلمین خود نهایت خضوع و خشوع مرعی دارد؛ ولی همانطور که ذکر شد، باید آنچه را که می‌شنود با تعالیم الهیه بسنجد. زیرا تعالیم الهی است که می‌تواند انسان را در تشخیص و تمیز ذهب خالص از قشور و مصنوعات زائده که مولود افکار سخیفه بشری است معاضدت نماید." (نقل ترجمه از صفحه ۴۴ جزوه "تحقیق و تتبع")

۱۲- در ۲۱ اوت ۱۹۷۷ از طرف بیت‌العدل اعظم مرقوم شد، "همچنان که جامعه بهائی پیش می‌رود متخصصینی در زمینه‌های گوناگون می‌یابد - اعم از بهائینی که متخصص شوند یا متخصصینی که به امر مبارک اقبال نمایند - همچنان که این متخصصین دانش و تخصص خود را در اختیار جامعه قرار می‌دهند، و حتی بیش از آن، همچنان که از نور تعالیم الهی زمینه‌های تخصصی خویش را منور می‌سازند، مسائلی که جامعه را دچار اختلال و از هم‌گسیختگی نموده، یکی بعد از دیگری حلّ می‌شوند." (نقل ترجمه از صفحه ۲۸ جزوه "تحقیق و تتبع")

۱۳- در ۱۰ ژوئن ۱۹۶۶، بیت‌العدل اعظم مرقوم فرمودند، "فرد بهائی دارای این امتیاز است که در ظلّ تعالیم الهی که برای این عصر مقرر گردیده قرار گرفته است و این خود به مثابه مشعل فروزانی است که فرا راه او واقع شده و او را به حلّ بسیاری از معضلات حیات که متفکرین جدید را حیران نموده، موفق می‌سازد." (نقل ترجمه از صفحه ۸۵ مجموعه "جوانان" / جزوه "تحقیق و تتبع"، ص ۴۴ / انوار هدایت، شماره ۷۲۱)

۱۴- بیت‌العدل اعظم در پیام "وعده صلح جهانی" می‌فرمایند، "برای هر مشکل اجتماعی می‌توان بر اصول روحانی، یا به قول دیگر بر ارزش‌های انسانی، اتکاء نمود. زیرا هر شخص خیراندیشی برای مشکلات راه حلّی پیشنهاد می‌نماید. ولی خیراندیشی و داشتن دانش عملی معمولاً کافی و وافی برای حلّ مشکل نیست. اینجا است که اهمیت و ضرورت اصول روحانی بیشتر معلوم می‌شود. زیرا، هم سبب به وجود آوردن محیط مساعدی می‌شود که موافق و متوازن با فطرت اصلیه انسانی است، و هم یک رفتار و یک تحرک و یک اراده و آرزویی را بر می‌انگیزد که به موجب آن، راه‌های عملی برای حلّ مشکل مکشوف‌تر و اجرایش آسان‌تر می‌گردد."

۱۵- حضرت ولی امرالله به خطّ خود مرقوم فرمودند، "مسائلی که در این زمان احتیای الهی بالمواجهه با آن روبرو هستند، اعم از اجتماعی، روحانی، اقتصادی یا اداری، با ازدیاد تعداد و منابع یاران و توسعه استعداد آنها برای خدمت و استفاده از اصول امریه، تدریجاً حلّ خواهند شد. آنها در استفاده از هر فرصت احتمالی که در چارچوب محدودیت‌هایی که اکنون ضرورتاً بر آنها تحمیل می‌گردد، باید صبور، بردبار، مطمئن و فعال باشند." (ترجمه - نقل شده در پیام ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳)

۱۶- منشی حضرت ولی امرالله در ۲۶ فوریه از طرف هیکل مبارک مرقوم داشت، "[حضرت بهاءالله] از ما نمی‌خواهند که کورکورانه از ایشان تبعیت کنیم؛ ایشان در یکی از الواح مبارک می‌فرمایند که خداوند به انسان عقل عنایت فرموده تا به مشعلی فراراه او عمل کند و او را به سوی حقیقت هدایت نماید. بیانات حضرتش را بخوانید؛ تعالیمش را مدّ نظر قرار دهید؛ و ارزش آنها را با توجه به مسائل و مشاغل معاصر مورد بررسی و ارزیابی قرار دهید." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۵۶۳)

۱۷- بیت‌العدل اعظم در پیام ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ می‌فرمایند، "حضرت بهاءالله از بدایت رسالت عظیم خویش، توجه ملل عالم را به لزوم ساماندهی امور بشر به سیاقی که جهانی در جمیع وجوه اساسی حیات خود متحد و متفق به وجود آید، تشویق و ترغیب فرمود... حال، بعد از سالها فعالیت مداوم تبلیغی، جامعه اسم اعظم رشد کرده و به مرحله ای رسیده که جریانات توسعه اجتماعی و اقتصادی باید به فعالیت‌های منظم آن منضمّ گردد... اقداماتی که باید انجام شود، ضرورتاً باید در خود جامعه بهائی آغاز گردد، و احتیاء با عمل به موجب اصول روحانی، تحسین رفتار و استفاده از فنّ مشورت، سعی کنند خود را ارتقاء بخشند و به این ترتیب خودکفا و متکی به خویش گردند... در این جریان و در نتیجه آن، احتیاء بلاتردید منافع حاصله از مساعی خویش را به کلّ جامعه شمول می‌بخشند تا آن که جمیع نوع بشر به ترقی و نموّی که مقصود مالک عصر و زمان می‌باشد، واصل گردند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹)

تشریح با مثال

"تدابیر امر بهائی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی بر کلّ مسائل متمرکز است. اگر فقر را بخواهیم از ریشه برکنیم، کافی نیست که مردم به مهارت‌های تولید درآمد و قوف یابند. آنها به اعتماد به نفس، حس ارزش قائل شدن برای خویشتن، واسطه‌های صادق و، نهایتاً، تغییر نگرش و رفتار از سوی اَبَر ثروتمندان نیز نیاز دارند. فعالیت گسترده و موفق سوادآموزی مستلزم سازماندهی مطلوب و معلّمین باکفایت و نیز اعتقاد به قابلیت انسان و محبت به محصلین است. تمهیدات روحانی در امر توسعه تأثیری نیرومند دارد زیرا مسائل بشری صرفاً مسائل مادی نیست..."

"بهائیان متعلّق به یکی از گروه‌های بومی در جلسه‌ای بزرگ اجتماع کردند تا در مورد یکی از بیانات مندرج در آثار بهائی به مشورت بپردازند؛ آن بیان در این مورد بود که مردم بومی قاره‌ء خویش را هدایت خواهند کرد. چگونه می‌توانستند به این سرنوشت مقدّر واصل شوند؟ بحث بدون هیچ توقّفی روز و شب ادامه داشت. همه به دقّت گوش می‌دادند. "ما دیگر نباید آنطور که دیگران در مورد ما فکر می‌کنند، درباره‌ء خودمان فکر کنیم." "می‌دانیم که ما اهل بهاء و پیروان حضرت بهاء‌الله هستیم." "تعلیم و تربیت راهی برای پیشرفت فرزندان ما است." "ما باید این سنت را دیگر بار احیا کنیم که مردم ما وقتی تصمیمی گرفته شود در کمال اتحاد آن را اجرا کنند." مشاورات، جدّی و فشرده در تمام منطقه‌ای که محلّ زیست این مردم است، جریان یافت. آنها نقشه‌هایی برای ترمیم فرهنگ خود تدوین کردند. اعضاء گروه به عنوان معلّم تعلیم دیدند. مدارس افتتاح کردند؛ این احباء برنامه‌ء سیستماتیک خود برای تعلیم و تربیت و ارتقاء کلّ ملّت خود را ادامه می‌دهند." (توسعه اجتماعی و اقتصادی: رویکردی بهائی، اثر ویک، صفحات ۳۸، ۵۵-۵۴)

مطالعه بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟	محتوای این فقره چیست؟
---	-----------------------

سؤالات بدون جواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی و کتب امری و منابع دیگری که در زیر برای کمک به شما ذکر می‌شود برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید.

۱-
۲-
۳-

The Importance of Deepening این مجموعه حاوی بیاناتی در مورد اهمیت مطالعهء تعالیم مبارکه و نیز بعضی عناوین داخلی و خارج از امر مبارک است که باید مورد مطالعه قرار گیرد.

"*Relating the Faith to Current Issues*" اثر دکتر پیتر خان - این رساله رؤوس رویگری را برای مرتبط ساختن تعالیم مبارکه به افکار و مسائل جاری عالم انسانی مطرح می‌سازد. این مقاله در بعضی از نشریات از جمله مجلهء *Glor*، سال بیستم، شماره ۳، ۱۹۸۷ انتشار یافته است.

Social and Economic Development اثر هالی هانسون ویک - این کتاب به بررسی نظریه‌ها و نمونه‌های مربوط به رویکرد بهائی به توسعهء اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد؛ این رویکرد طالب بهبود وضعیت عالم انسانی از طریق به کار بردن اصول روحانی و رها سازی قوای مکنونهء روحانی است.

سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعهء فردی تهیه شده است. برای ملاحظهء سؤالاتی جهت مطالعهء گروهی، به بخش "بحث" در صفحهء بعد مراجعه کنید.

۱- تعریف کنید که مقصود از گفتمان که در این فصل مطرح شده چیست:

۲- چهار سؤالی که بحث بهائی در خصوص مسائل عالم انسانی باید حول آن متمرکز باشد چیست؟

- الف - _____
- ب - _____
- ج - _____
- د - _____

۳- (هر کدام که مصداق دارد علامت بزنید). کدام یک از موارد زیر در زمرهء وجوه رویکرد بهائی در پرداختن به مسائل عالم انسانی است؟

- الف - پیروی از هدایت سخنرانان برجسته بهائی
- ب - آموزش در زمینه‌های یادگیری انسانی
- ج - تعریف مجدد زمینه‌های یادگیری انسانی
- د - کورکورانه به کار بردن اصول بهائی

جوابها

ذیلاً جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطهء شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

- ۱- گفتمان عبارت از کلّ بدنهء تعامل جوانان بهائی - مکالمات و نوشته‌های آنها - است موقعی که مسائل پیش روی عالم انسانی را در پرتو تعالیم بهائی ملاحظه می‌کنند.
- ۲- به سؤالاتی که در قسمت توضیح مطرح شده اشاره شود.

۳- ب و ج. در مورد ب نگاه کنید به بیانات شماره ۸، ۹ و ۱۲. بیاناتی که به نحوی مستقیم‌تر به موضوع ارتباط داشته باشد در مجموعه *Importance of Deepening* بخصوص شماره‌های ۱۱۹ و ۱۴۸ موجود است. در مورد ج نگاه کنید به بیانات شماره ۱۰ تا ۱۲. این دو اقدام وابسته به هم هستند، زیرا پرداختن به مسائل عالم انسانی در پرتو تعالیم مبارکه اقدامی فراتر از صرفاً کاربرد دانش آموزشی از زمینه‌های مساعی بشری است و نیز به این علت که نمی‌توان بدون درک کامل رشته‌های موجود آنها را مورد نقد و تحول قرار داد. گزینهء الف غلط است؛ درک عمیق از تعالیم مبارکه باید با مطالعهء مستقیم حاصل شود (نگاه کنید به بیانات ۴ تا ۷؛ البته این بدان معنی نیست که ما هدایت صحیح سخنرانان بهائی را ندیده بگیریم). گزینهء د نیز غلط است؛ اگرچه باید اصول بهائی را به کار ببریم (شماره‌های ۱۳ تا ۱۷) اما این عبارت از موضوع سهل و ساده اطاعت کورکورانه یا اقدامی در یک وهله نیست. غالباً باید به مجهودات متعددی دست بزنیم تا با عبور از بحرانها و پیروزی‌ها بتوانیم تعالیم مبارکه را برای حلّ مشکلات عملی با موفقیت به کار ببریم. گفتن "تعصّب نداشته باش" و به سهولت پذیرفتن حقیقت چنین اصلی بسیار از ریشه‌کن کردن تعصّب از جامعه فاصله دارد.

بحث

تحقیق و تتبع بهائی چیست؟ چه کسی می‌تواند محقق بهائی باشد؟ تحقیق و تتبع بهائی چگونه در خدمت نیازهای بشری می‌تواند باشد؟ چگونه می‌تواند در خدمت نیازهای امر مبارک باشد؟ به بیانات شماره ۳ و ۵ و نیز ۹ و ۱۲ مراجعه کنید.

یکی از مسائل عالم انسانی پیش روی هم‌تایان شما یا جمعیتی که در میان آنها زندگی می‌کنید، چیست؟

در این باب، بحثی را شروع کنید.

تمرین

مسائل، از طریق مشورت شناسایی شده در پرتو بیانات حضرت بهاء‌الله، در سطحی عمیق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. این سطح عمیق تحلیل و کاربرد اصول روحانی فرصتی را برای درک مسائلی و راه‌حل‌های اجتماعی یا سیاسی که غالباً در اجتماع پیشنهاد می‌شود، فراهم می‌آورد.

مثلاً صلح جهانی را در نظر بگیرید. اواسط دهه ۱۹۸۰، نگرانی گسترده‌ای در مورد جنگ هسته‌ای سبب شد فعالان صلح‌طلب در سراسر جهان تظاهراتی را به راه بیندازند و سیاستمداران را برای برقراری توقیفی در امور هسته‌ای - پیشنهادی برای ثابت نگه داشتن سطح سلاح‌های هسته‌ای - تحت تأثیر قرار دهند. اگرچه پیشنهادهای دیگری نیز مطرح شد، از جمله این نظریه که صلح به عدالت اجتماعی مربوط می‌شود - اما نظریه توقیف هسته‌ای صدای بلندتری برای حفظ صلح بود. فرد بهائی، با تحلیل موضوع صلح جهانی در سطح ساده که در آثار مبارکه وجود دارد، می‌توانست پیشنهاد کند که به جای توقیف هسته‌ای، آنچه که مورد نیاز است مجمعی جهانی از ملل عالم بود که حکومتی جهانی را برقرار سازند.

اگرچه این نظریه نادرست نیست، اما بیت‌العدل اعظم در وعده صلح جهانی تحلیلی عمیق‌تر ارائه نموده موضع بهائی را مطرح فرموده‌اند. بیت‌العدل اعظم خاطر نشان می‌سازند که مسأله صلح در درک ما از ماهیت انسان نهفته است. بیت‌العدل موانع صلح را برمی‌شمارند، از جمله به موضوعی چون نژادپرستی و برابری حقوق زنان و مردان اشاره می‌کنند. بیت‌العدل اعظم، در عین حال که پیشنهادهای حضرت بهاء‌الله برای نظم جهانی را مطرح می‌فرمایند، تجربه بهائی را به عنوان الگویی جهت مطالعه ارائه می‌کنند و احبّاء را به تعامل با مردم در کلیه سطوح اجتماع جهت ایجاد بینش امید و انتظار برای صلح جهانی تشویق می‌فرمایند.

در مساعی خود برای توسعه بحث و مذاکره در خصوص مسائل پیش روی عالم انسانی - بخصوص موضوعاتی که می‌توانیم در جمعیت محلی خود به آن بپردازیم - می‌توانیم الگوی ارائه شده توسط بیت‌العدل اعظم را مورد استفاده قرار دهیم. در اینجا این فرصت را داریم که نه تنها مسأله‌ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، بلکه با سایر امم خوش‌نیت و خیرخواه جهت تمهید راه‌حل‌های عملی مبتنی بر اصول روحانی همکاری کنیم.

این فرایند چگونه عمل می‌کند؟ چندین اقدام مداوم را که غالباً به طور هم‌زمان رخ می‌دهد در بر می‌گیرد:

- شناسایی مسأله‌ای که سبب نگرانی مردم در منطقه، از جمله شما و هم‌تایان شما شده
- کسب اطلاعات در مورد مسأله و علل احتمالی آن
- تحلیل موضوعات عمیق‌تری که موجد مسأله است
- شناسایی اصول بهائی که در مورد مسأله کاربرد دارد
- تعامل با جمعیت و یافتن راهی برای به کار بردن عملی اصول مزبور برای حلّ مسأله
- به اجرا در آوردن تصمیمات
- اخذ بازخورد در مورد نتایج حاصله از نفوسی که از مسأله مورد بحث لطمه می‌بینند
- تأمل در مورد نتایج اقدامات و اصلاح فعالیت‌ها برای تطبیق با بینش‌های جدید

اما، اقدام حیاتی عبارت از تحلیل است. ملاحظه کنید که مسأله زیر را چگونه می‌توان در سطوح مختلف مورد تحلیل قرار داد:

در طی تعطیلات مدرسه، کودکانی که نظارتی بر کار آنها وجود ندارد دسته‌ها و گروه‌هایی را تشکیل داده به مبارزه و نبرد با یکدیگر می‌پردازند. اموال منهدم می‌شود و کودکانی که در این گروه‌ها قرار ندارند تهدید می‌شوند. هیچ فعالیت سازمان یافته‌ای برای کودکان وجود ندارد و هیچ محلّ دارای سرپرستی و نظارتی نیز موجود نیست تا اوقاتشان را در آنجا با هم بگذرانند. آنها برای فعالیت‌های اوقات فراغت پولی در دسترس ندارند. بعضی از والدین که خارج از منزل کار می‌کنند امکان تأمین مالی مراقبت روزانه از آنها را ندارند.

باز خورد

نمونه زیر را که بحثی بین چهار جوان در مورد مسأله‌ای است که در بالا مطرح شد، ملاحظه کنید:

جوان اول: در نگاهی به این مسأله، به نظر می‌رسد که نگرانی اصلی باید برای رفاه کودکان باشد. از آنجا که حضرت بهاء‌الله مسئولیت تمهید وسائل تعلیم و تربیت و صیانت از کودکان را در صورت ناتوانی والدین به محفل محلی محول فرموده‌اند، تصوّر می‌کنم می‌توانیم استنباط نماییم که شهر در اینجا مسئولیت دارد. بنابراین موضوع به این صورت در می‌آید که چگونه می‌توانیم شهر را وادار کنیم برنامه‌های تابستانه فراهم بیاورد. شاید ما بتوانیم برای برقراری چنین برنامه‌ای داوطلب شویم.

این جواب را تحلیل کنید. چه جوانب دیگری از مسأله را می‌توان بررسی کرد؟

جوان دوم: مجموعه نصوص بهائی در مورد تربیت را مطالعه کرده‌ام و به نظرم واضح می‌آید که والدین راهنمایی شوند تا مسئولیت کامل تعلیم و صیانت فرزندان‌شان را به عهده بگیرند. والدین هستند که باید سعی کنند به این مسأله بپردازند. بسیاری از والدین به نظر می‌رسد از این مسئولیت خود غفلت می‌کنند. بنابراین مسأله این است که چگونه می‌توان والدین را وادار کرد که فرزندان‌شان را از مشکلات و دردها دور نگه دارند. یکی از راهها آن است که از شهر بخواهیم والدین را

مسئول اعمال فرزندانشان بدانند. شاید بتوانیم به وضع بعضی قوانین که والدین را جوابگوی اعمال فرزندانشان نماید، کمک کنیم.

این جواب را با جواب اول مقایسه کنید. چه ایده‌های مفیدی می‌توان بدان افزود؟ آیا کافی است؟

جوان سوم: متوجه هستم که درباره‌ی مسئول بودن والدین چه می‌گویید، اما اطمینان ندارم مجازات کردن والدین به خاطر اقدامات فرزندانشان این مسأله را حل کند. شاید در اینجا موضوع ابعاد عمیق‌تری داشته باشد. شاید والدین متوجه نیستند چقدر اهمیت دارد که فرزندانشان را صیانت کنند و آنها را از نظر اخلاقی تحت تعلیم و تربیت قرار دهند. ممکن است متوجه نباشند که در مقابل خداوند نیز در این خصوص جوابگو هستند. یا شاید والدین متوجه مسأله هستند، اما نمی‌دانند خودشان چگونه باید به این موضوع بپردازند. شاید احساس ناتوانی می‌کنند. شاید بتوانیم با والدین ملاقات کنیم تا ببینیم مسأله را چگونه مشاهده می‌کنند و به نظر آنها ما چه کمکی می‌توانیم بکنیم.

این جواب را با دو جواب اول مقایسه کنید. چه وجه مهمی هنوز در این بحث مطرح نشده است؟

جوان چهارم: سعی دارم این مسأله را از دریچه چشم کودکان ببینم. شاید آنها نمی‌دانند اختلافات را چگونه بدون جنگ و دعوا حل و فصل کنند. چون هیچ بزرگسالی در طول روز اطرا آنها نیست، شاید احساس می‌کنند هیچکس واقعاً به آنها اهمیت نمی‌دهد. چه انگیزه‌ای دارند که رفتار خوبی داشته باشند. البته کودکان در صورتی که کسی آنها را تعلیم ندهد و رفتار خوب را یادشان ندهد، وحشی و ویرانگر می‌شوند. حضرت عبدالبهاء در صحبت در خصوص کودکان می‌فرماید که هر کودکی اگر تحت تعلیم و تربیت قرار گیرد ممکن است "سبب نورانیت عالم گردد."^{۹۸} همچنین در کلمات مکنونه زیارت کردم که، "صَنَعْتُكَ عَزِيزًا لِمَ تَسْتَدِلُّ؟" کودکان باید آموزش ببینند تا به موجودی شریف و عزیز تبدیل شوند، و باید دارای اهداف متعالی باشند. شاید بتوانیم برنامه‌ای را شروع کنیم که کودکان را آرامش طلب و صلح‌جو بار بیاورد.

این اظهار نظر آخر چه نکته‌ای را به بقیه افزود؟ آیا می‌توانید ملاحظات جدیدی را بیفزایید که این تحلیل را بیش از پیش عمیق سازد؟ اگر شما در این بحث شرکت داشتید، چه نظر دیگری را ابراز می‌نمودید؟

شما می‌توانید برای ایجاد بحثی در خصوص مسائل عالم انسانی که اطراف شما وجود دارد، اقدام نمایید. خلاق باشید. جوانان منطقه خود را جمع کنید و بحث و مطالعه‌ای غیررسمی را شروع کنید. یا کلوپ بهائی کالج شما ممکن است بخواهد به استادی رجوع کند که کلاس مطالعه مستقلی را در خصوص موضوعی مهم تشکیل دهد که بتواند با استفاده از منابع بهائی و غیربهائی به تحلیل موضوع بپردازد؛ این اقدام سبب ترکیب مجهودات شما برای یافتن تسلط بر زمینه‌های یادگیری بشری و مطالعات بهائی خواهد شد. مساعی اولیه هر چه که باشد، شما می‌توانید به شرکت در فرایندی از تحلیل و اقدام شروع کنید که بتواند تدریجاً به ایجاد تغییر در جهان منجر شود.

^{۹۸} منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۲۷

میدان عمل: وقف خویشتن

مقدمه

فصول ۳-۶ به بررسی سلاح‌هایی اختصاص داشت که سرباز روحانی در اثر انضباط روحانی کسب می‌کند. در فصل هفتم، بحث کردیم که این سلاح‌ها چگونه بر حمایت از گفتمانی که به مسائل پیش روی عالم انسانی می‌پردازد، متمرکز است. به رغم تمام این زمینه‌های تلاش و کوشش، یک عنصر کلیدی دیگر برای غلبهء موفقیت‌آمیز بر قوای ظلمت باقی می‌ماند و آن میزان تمایل ما به وقف کردن خویشتن به حصول فتح و ظفر امر حضرت بهاءالله است.

وقف خویشتن به معنای متعهد ساختن خود به هدفی است. در سطحی دیگر، وقف خویشتن اشاره به کاری مقدس دارد.

نبرد نور و تاریکی، مانند هر نبردی، دارای تلفات خواهد بود. سکون، مادیت‌پرستی، تعصب، و گروهی از سایر نیروهای ظلمت آماده‌اند بر هر عضو بی‌فکر و لایالی سپاه نور غلبه کرده از هر گونه تأثیری او را عاری سازند. اگر بخواهیم مقصود حضرت بهاءالله برای عالم انسانی را تحقق بخشیم، استقامت، تهوّر، ایثار و دلاوری - نشانه‌های ظاهری وقف خویشتن - ضروری است.

نمای کلی

وقتی ارتشی وارد میدان نبرد می‌شود، تنها مهارت نیست که نتیجه را تعیین می‌کند. روحیهء سپاه - یعنی نگرش او به وظیفه، قوهء اراده و همتش برای حصول مظفریت، و تمایلش به فداکاری - اساسی‌ترین جزء است.

این نکته برای سپاه نور نیز مصداق دارد. در زمینه‌های آمادگی روحانی، تکوین شخصیت، خدمت، و تبلیغ هر سعی و تلاشی که صورت گیرد، اگر این مساعی همراه با وقف و تعهد اعضاء سپاه نباشد، هیچ دستاورد پایدار و توفیق دائمی حاصل نخواهد شد.

جُند روحانی باید خود را وقف ارادهء الهی کند. حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "باید آن جناب بما ارادالله قیام نمایند/ به قسمی که به هیچ وجه از خود اراده و مشیت‌ی نداشته باشند."^{۹۹} تا زمانی که در این حدّ از فداکاری و ایثار حاصل نشده باشد، فرد در مقابل قوای ظلمت ناتوان است. مادام که این ایثار نفس حاصل نگشته باشد، مقصود حضرت بهاءالله برای عالم انسانی قابل حصول نخواهد بود.

^{۹۹} گنج شایگان، ص ۱۲۸

توضیح

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "می‌توان گفت دو نوع بهائی در امر وجود دارد؛ یکی آنهایی که دینشان بهائی است و دیگر کسانی که به خاطر امر زندگی می‌کنند. احتیاج به ذکر نیست که اگر شخصی بتواند در سلک دسته‌های اخیر قرار گیرد، یا اگر فردی بتواند در صف مقدم باسلان و شهدا و مخلصین واقع شود، عندالله احسن و اولی است."^{۱۰۰}

با پیشروی عالم به سوی اوج دو فرایند سازندگی و تخریب، سپاه نور بیش از پیش به این نوع دوم بهائیان نیاز خواهد داشت. نفوسی باید قیام کنند که در کمال ایثار و فداکاری، طبق نیازهای امر الهی، به آن خدمت کنند، نه کسانی که آنچه عرضه‌اش آسان و راحت باشد تقدیم نمایند. جوانان می‌توانند این طلایه "باسلان و شهدا و مخلصین" باشند. شما شخصاً می‌توانید در زمره این "فارسان میدان الهی"^{۱۰۱} باشید.

حضرت عبدالبهاء خطاب برای احتیای اولیاء غرب داستانی را تعریف کردند که تفاوت نگرش کسانی را که مایلند در سبیل پروردگارشان هر گونه ایثاری را بنمایند روشن می‌سازد. ایشان توضیح فرمودند، "در زمره اصحاب حضرت باب دو نفر بودند؛ کاتب وحی و یکی از احتیای قویم و راسخ. در شب شهادت حضرت باب، آن فرد ثابت و راسخ در کمال تضرع استدعا کرد، "اجازه دهید من هم در لحظه شهادت با شما باشم." کاتب به آن حضرت گفت، "من چه باید بکنم؟"

حضرت عبدالبهاء با لبخند فرمودند، "چه باید بکنم؟ از من می‌خواهید که چه بکنم؟" آن فرد مؤمن راسخ با حضرت اعلی جان داد در حالی که سرش روی سینه آن حضرت بود و جسم آنها در این شهادت به یکدیگر ملصق شد. دیگری نیز در زندان به ملکوت ابهی صعود کرد، اما به تفاوت دو مقام و موقعیت توجه داشته باشید."^{۱۰۲}

حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "یا ابن الانسان فکر فی أمرک و تدبر فی فعلک اَتْحَبَ أَنْ تَمُوتَ عَلَی الْفِرَاشِ أَوْ تَسْتَشْهِدَ فِی سَبِیْلِی عَلَی التَّرَابِ وَ تَكُونَ مَطْلُوعَ أَمْرِی وَ مَظْهَرَ نُورِی فِی أَعْلَى الْفِرْدَوْسِ؟"^{۱۰۳}

امروزه امر مبارک نیاز به شهدای زنده دارد - جنود روحانی که با خداوند انس و الفت داشته باشند، نمونه‌های پویای خصلت حقیقی بهائی باشند، بندگان فداکاری که به معضلاتی که پیش روی امر مبارک و جامعه بشری وجود دارد بپردازند، مبلغین شهیم و دلاوری که نفوس نوع بشر را متحول سازند. هیچیک از ما نیازی نداریم که سؤال کنیم، "چه باید بکنم؟" ما می‌دانیم. "دیگر تا همت شما از مراتب انقطاع چه ظاهر نماید."^{۱۰۴}

مطالب خواندنی

۱- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "گر خیال جان همی هستت به دل اینجا میا گر نثار جان و دل داری، بیا و هم بیار رسم ره این است گر وصل "بهاء" داری طلب گر نباشی مرد این ره دور شو زحمت میار." (مائده آسمانی، ج ۴، ص ۲۱۰)

^{۱۰۰} نقل ترجمه از صفحه ۴۲ نمونه حیات بهائی / انوار هدایت، شماره ۲۷۱

^{۱۰۱} بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۲۳ نظم جهانی بهائی

^{۱۰۲} بیانات منتسب به حضرت عبدالبهاء در کتاب خاطرات ژولیت تامپسون، ص ۳۱۹. این فرد ثابت راسخ محمدعلی زنوزی بود که با حضرت باب به

شهادت رسید و جسد او با رمس حضرت اعلی در کوه کرمل به خاک سپرده شد. به بخش "تشریح با مثال" در همین فصل توجه نمایید.

^{۱۰۳} کلمات مکنونه عربی، فقره ۴۶

^{۱۰۴} مؤخره کلمات مکنونه فارسی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۹۸

۲- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "قبل از آن که فرصت به نحوی جبران‌ناپذیر از دست برود، قیام کنید و در زمره سپاه مجاهدان حضرت بهاءالله وارد شوید. زمان برای استخلاص از کارهای بی‌حاصل دنیوی، سوار شدن بر مرکب استقامت، به اهتزاز آوردن رایت انکار نفس، ملبّس شدن به درع وقف کامل خود به امر الهی، بستن کمر همت جهت برخورداری از عفت و عصمت و تقوی، کشیدن سیف بیان حضرت بهاءالله، در دست گرفتن سپر محبت جمال ابهتی، و به همراه داشتن تنها توشه یعنی اعتماد کامل به وعده آن مظهر کبریا مقتضی و مناسب است." (ترجمه - تلگراف ۲۸ مه ۱۹۵۳ / Messages to the Baha'i World، ص ۴۹)

۳- بیت‌العدل اعظم در پیام ۳ ژانویه ۱۹۸۴ خطاب به جوانان دنیا می‌فرمایند، "در گذشته ایام خون بسیاری از بی‌گناهان بر زمین ریخته شده و اکنون نیز [۱۹۸۴] دماء برینّه، چه شیخ و چه شاب، خاک را گلگون نموده است... فی‌المثل وقایع شیراز را ملاحظه نمایید چگونه شش جوان مهذب آراسته از اماءعفیفه موقنه که ۱۸ الی ۲۵ سنه بیش از حیات جسمانی آنان نگذشته، دست غاصب غدار جسم لطیف آنان را بر سر دارد آویخته... همچنین به گزارش‌های مربوط به استقامت حیرت‌بخشی توجّه نمایید که مکرراً توسط اطفال و جوانانی به منصفه ظهور رسیده که معرض اعتراضات شدیده و استفسارات عدیده واقع گشتند و به ناسزاگویی‌های علما و مدرّسین اعتنا نمودند ... لذا، آیا منطقاً از شما جوانان و بزرگسالان جوان که در چنین دوران و زمان خارق‌العاده‌ای زندگی می‌کنید نباید انتظار داشت که ... "رها چون ریح صرصر شدیدالتقوی" راهی میدان عمل بهائی شوید؟" (ترجمه)

۴- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "انسان تا به مقام فدا قدم نهد، از هر موهبتی محروم گردد و مقام فدا مقام فنا و نیستی است تا هستی الهی جلوه نماید؛ و مشهد فدا میدان انقطاع است تا آیات بقا ترتیب گردد. تا توانید از خود به کلی بیزار شوید و گرفتار آن روی پُرانوار و چون به این مقام سجود فائز شوید، مَن فی الوجود را در ظلّ خویش یابید." (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۷۴)

۵- منشی حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک مرقوم داشت، "هیکل مبارک توصیه می‌فرمایند عزم خود را بر اجرائات عظیمه برای امر مبارک جزم نمایید و کمر همت بر امور جسیمه محکم ببندید؛ شرایط عالم یوماً فیوماً وخیم‌تر گردد و نسل شما باید قَدّیسین، باسلان و شهدا و مدیران آینده را تشکیل دهد. با وقف خود و قوه اراده می‌توانید به اعلی مدارج مرتفعه واصل و نائل گردید." (ترجمه / انوار هدایت، شماره ۲۱۲۸)

۶- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "جمال مبارک ... در اواخر ایام از فم مطهر وعده فرمودند که به فیض مدار و تأییدات ملکوت اسرار نفوسی مبعوث گردند و هیاکل مقدّسی مشهود شوند که انجم سماء هدایتند ... این نفوس شب و روز آرام نگیرند و آلام نبینند و فراغت نجویند، در مضجع راحت نیارمند، آسوده ننشینند، آلوده نگردند؛ اوقات را صرف نشر نفعات‌الله کنند و ازمان را وقف اعلاء کلمه‌الله ... اسرار الهی کشف نمایند و آثار رحمانی نشر کنند؛ چون شمع در شبستان هر جمع برافروزند و چون ستاره صبحگاهی بر جمیع افاق بدرخشند؛ نفعات حدائق قلوبشان چون نسائم سحرگاهی آفاق قلوب را معطر نماید و فیوضات عقولشان چون باران بهاری هر اقلیمی را مخضر کند ... این عبد در نهایت انتظار است که این نفوس مبارکه کی موجود و این مظاهر مقدّه ظاهر و پدیدار گردد. شب و روز در تضرّع و ابتهال که آن نجوم بازغه مُشرق و لائح گردد و آن وجوه مقدّسه جلوه نماید..." (آیات بینات، ص ۳۳۴)

۷- حضرت ولی امرالله در ۱۲ مارس ۱۹۲۳ فرمودند، "حضرت عبدالبهاء، سالار همیشه مظفر ما، به مجاهدین شهیم و شجیع خود بر وجه ارض، که گاهی اوقات ممکن است احساس یأس و نومیدی نمایند، چنین اطمینان می‌بخشند:

«ای بندگان آستان مقدّس جنود ملأ اعلی در اوج علا صف بسته و مهیّا و منتظر و مترصد مرد میدان و فارس عرفان که به محض جَوْلان نصرت نمایند و تأیید کنند و قوّت الظّهر گردند. پس خوشا به حال فارسی که اسب جَوْلان دهد و طوبی از برای دلیری که به قوّت عرفان در میدان برهان بتازد و صف جهل بدرد و سپاه ضلالت شکست دهد و عَلم هُدی بلند کند و کوس غلبه بنوازد. تالله الحقّ انه لَفی فَوْزٍ عظیم و ظفرٍ مُبین...»^{۱۰۵}

باچنین بیانات الهام‌بخشی، آیا باز هم باید بی‌حرکت و بی‌تفاوت بمانیم؟ ندای صورمانند آن حضرت در جمیع اطراف و اکناف طنین انداخته، و جمیع ما را به خدمت فرا می‌خواند؛ آیا باید درنگ کنیم یا تأمل نماییم؟ ندای آن حضرت به اعلی درجه در جمیع اقالیم ارض بلند شده؛ پس، فارغ‌البال و بدون ادنی خوف و هراسی پیش برویم و به مقدرات جلیله خود واصل گردیم." (ترجمه - *Bahá'í Administration*، صفحات ۴۳-۴۲)

تشریح با مثال

در آن شب، از قراری که جناب آقا سید حسین تقریر نموده، سروری در طلعت اعلی بوده که در هیچ وقتی از اوقات نبوده... از جمله می‌فرمودند، "شکّی نیست که فردا مرا قتل خواهند نمود. اگر از دست شماها باشد بهتر است و گواراتر. یکی از شماها برخیزد و به حیات من خاتمه دهد." همگی گریستیم و از این عمل و تصوّر چنین امری که با دست خود به حیات چنان ذات مقدّسی خاتمه دهیم، تحاشی نموده سکوت اختیار کردیم. میرزا محمدعلی زنوزی برخاست و عرض کرد، "به هر نحو که بفرمایید عمل می‌نمایم." طلعت اعلی ... فرمودند، "همین جوان که قیام به اجابت اراده من نموده، با من شهید خواهد شد..."

چون صبح شد ... سامخان حکم کرد که ... بر پایه‌ای که مابین دو حجره بود میخ آهنی کوبیدند و دو ریسمان به آن میخ بستند که با یکی طلعت اعلی را و با دیگری حضرت میرزا محمدعلی را بیاویزند. میرزا محمدعلی از سامخان استدعا نمود که، "مرا رو به ایشان ببندید تا هدف بلایای ایشان شوم." چنان او را بستند که رأسش بر سینه مبارک واقع شد و بعد از آن سه صف سرباز ایستادند؛ هر صف دویست و پنجاه نفر؛ به صف اوّل حکم شلیک دادند؛ شلیک کرده نشستند و بلافاصله صف ثانی مأمور به شلیک شدند؛ آنها هم شلیک نموده نشستند. صف سوم بدون فاصله شلیک نمودند...

چون دود فرو نشست محمدعلی انیس را دیدند ایستاده و اصلاً اثری از جراحت در بدنشان نیست... و لکن طلعت اعلی را غائب دیدند و همگی ندا نمودند که باب غایب شد و چون تفحص نمودند ایشان را در حجره‌ای که آقا سید حسین محبوس بود یافتند ... که در کمال اطمینان و آرام نشسته‌اند و با آقا سید حسین صحبت می‌دارند...

پس به همان ترتیب و تفصیل اوّل بستند و حکم به شلیک دادند. برعکس اوّل ... این دفعه دیدند که آن دو هیکل از شدت ضرب یک هیکل شده به یکدیگر ملصق گردیدند...

در مرتبه ثانی که خواستند آن حضرت را به دار بزنند، در پای دار به ندای بلند می‌فرمودند، "ای قوم سرکش عاصی اگر مرا می‌شناختید مثل این جوان ... در این سبیل قربان می‌شدید." (تاریخ نبیل، ص ۸-۵۴۳)

^{۱۰۵} مأخذ بیان حضرت عبدالبهاء: منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۵-۲۵۴

در هر مقامی از خدمت اسراری نهفته است. هیکل مبارک همه را به اعتدال تشویق می‌فرمایند. ولی اگر خود آنان از مکان‌های عادی زندگی قیام نموده به اعلی رتبه از خدمت و شهادت پرواز می‌کردند، البته تشویق می‌فرمودند و بی‌نهایت به وجود آنان فخر می‌نمودند. زیرا پیمودن سبیل شهادت و جانبازی با تعادل وفق نمی‌دهد. اینجاست که خیمه و خرگاه عقل واژگون می‌گردد. از اعظم افتخارات ما این است که مبشّر این امر اعظم جان خود را به رایگان در سبیل محبّه‌الله فدا فرمود و افتخار دیگر ما این است که بیست هزار نفس مقدّس بر اثر اقدام آن وجود اقدس اطهر مشی و حرکت نمودند. بارها خواسته‌ام این حالت اعتدال را بفهمم و با آنچه که در کلمات مکنونه می‌فرمایند مقایسه کنم: "فاکتب من المداد الأحمر الذی سفک فی سبیلی. إنه أحلی عنی من کلّ شیء" ^{۱۰۶}

برای فهم این مطلب به نظر من بهترین مثال طیاره است. وقتی که طیاره هنوز در روی زمین است و چرخ‌هایش را به زمین چسبانده، مجبور است در حدود قوانین زمین حرکت نماید. ولی وقتی چرخها را در فضا جمع کرد، دیگر طیاره مقید به قیود ارضی و در تحت قوانین زمین نیست بلکه موجودی آسمانی است و به مناسبت همین مقام با سرعت بی‌نهایت به سوی آفاق بعیده می‌شتابد. البته ما هم تا چسبیده به زمین هستیم، نصایح زمینی بسیار می‌شنویم. ولی اگر زمین را زیر پا گذارده در علو آسمان‌های تقدیر به حرکت آمسیم، دیگر گوش به نصایح ارضی نخواهیم داد. اینجاست که قهرمانان عظیم الهی در پروازند؛ اینجاست که ارواح شجیعۀ افتخارات ابدیه می‌یابند و نام آنان بر پر و بال ابدیت منقوش می‌گردد. (گوهر یکتا، ص ۱۹۰)

مطالعه بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

<p>این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟</p>	<p>محتوای این فقره چیست؟</p>
--	------------------------------

^{۱۰۶} توضیح مترجم: این بیان مبارک با توجه به متن انگلیسی گوهر یکتا آورده شد. متن فارسی بیان دیگری را آورده است.

سؤالات بدون جواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی و منابع دیگری که در زیر برای کمک به شما ذکر می‌شود برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید.

۱-
۲-
۳-
۴-

The Dawnbreakers (مطالع الانوار) اثر جناب نبیل زرنندی – این کتاب تاریخ امر مبارک در دوران بابیه را مطرح می‌سازد؛ بابیان الگوی جنود روحانی واقعی‌اند. حضرت ولی امرالله فرمودند که این کتاب "نشان خواهد داد که امر مبارک چگونه به عالم عرضه گردید و چگونه مؤمنین اولیه در نهایت شهامت و بسالت با شهادت مواجه شده و برای تحقق آمال خود برای تثبیت امر الهی در سراسر عالم از آلام و رنجها استقبال کردند. وقوف بر حیات این باسلان در ما شور و اشتیاقی را ایجاد می‌کند که بر اثر اقدام آنها حرکت کنیم و به همان نتایج واصل گردیم."^{۱۰۷}

Release the Sun اثر جناب ویلیام سیرز – این کتاب حاوی داستانهایی از مطالع الانوار است که به سبکی ساده و مؤثر بازگویی شده است.

سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعه فردی تهیه شده است. برای ملاحظه سؤالاتی جهت مطالعه گروهی، به بخش "بحث" در صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- معنای وقف خویشتن را بیان کنید:

^{۱۰۷} ترجمه – *Compilation of Compilations*, ص ۲۱۶

۲- سه وجه معنای ایثار را بیان کنید:

الف -

ب -

ج -

۳- پنج صفت سرباز روحانی که خویشتن را وقف کرده، آنگونه که در این فصل توصیف شده، فهرست کنید:

تعریف کنید که مقصود از گفتمان که در این فصل مطرح شده چیست:

الف -

ب -

ج -

د -

ه -

جوابها

ذیلاً جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطه شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

۱- در نهایت ثبوت و استحکام، حتی ایثار و فداکاری، خود را به هدفی یا خدمتی متعهد ساختن؛ تعهدی مقدس نسبت به جریان و سیر خدمتی داشتن.

۲- صرف نظر کردن از رضایت خویشتن برای حصول رضای حضرت بهاءالله (بیان شماره ۱)؛ منقطع شدن از نفس خود (بیان شماره ۴)؛ و فانی ساختن اراده خود در اراده الهی (به "نمای کلی" مراجعه شود).

۳- جوابهای امکانپذیر متعددی در بیانات مبارکه مطرح شده از جمله صفات ایثار (بیان شماره ۱)، ثبوت و رسوخ (شماره ۲)، زندگی با عصمت و تقوی (شماره ۲)، اعتماد به حق (شماره ۲)، انکار نفس (شماره ۲)، انقصاص (شماره ۲ و ۴)، وقف خویشتن (شماره ۵)، قوه اراده (شماره ۵)، تمایل به گذشتن از راحتی و آسایش خود (شماره ۶)، تلاش بدون وقفه (شماره ۶)، و تهوّر و نترسی (شماره ۷).

بحث

سرباز روحانی باید قیام کند – اما چگونه باید بداند که در کدام جهت حرکت کند؟ از چه منابعی سربازان روحانی در سپاه نور "دستور حرکت" را دریافت می‌کنند؟

ایثار چیست؟ چه ارتباطی با خدمت شما به امر مبارک دارد؟

شما شخصاً چه تلاش‌های می‌توانید بکنید تا به سطح خدمتی که در این فصل و این کتاب از شما خواسته شده برسید؟ اولین قدم‌هایی که برای ورود به میدان عمل برمی‌دارید، چیست؟